

اماکن تاریخی بهنامی

در ارض اقدس

و

وقایع مربوط به آنها

برای استفاده زائرین

بجنه نئى نشره آثار امرى

مؤسسه نئى مطبوعات امرى ۱۲۵ هج

فہرست مندرجات

<u>صفحہ</u>	
۱	اول — زیارت ارض اقدس
۷	دوم — ارض اقدس
۱۵	سوم — عکا
۲۱	الف — سجن اعظم
۳۱	ب — بیت عبود
۳۷	ج — خوان عوامید
۴۱	د — باغ رضوان
	هـ — بہجی — روضہ مبارکہ حضرت بہا* اللہ و
۴۵	قصر بہجی
	و — دوران اقامت حضرت عبد البہا* در عکا
۵۷	پس از تجدید سجن (۱۹۰۸-۱۹۰۱)
۷۱	چہارم — قصر مزرعہ
	پنجم — حیفا
۷۷	الف — کوہ کرمل
۸۵	ب — مقام اطلی
۹۵	ج — مقام حضرت عبد البہا*
۹۹	د — بیت حضرت مولی الوری
۱۰۵	هـ — دار الاثار بین الطلی
۱۱۱	و — حدائق حول مقامات مبارکہ

صفحه

۱۱۱	۱ - مقام حضرت ورقه علیا
۱۲۱	۲ - مقام غصن اطهر
۱۲۷	۳ - مقام نوابه خانم
۱۳۵	۴ - مقام ضیره خانم
۱۳۹	ز - قوس و مرکز اداری جهانی
۱۴۵	خ - زمین مشرق الانکار
	ششم - متفرقه
۱۴۹	الف - مسافرخانه حیفا
۱۵۳	ب - مسافرخانه قدیم غربیهها
۱۵۷	ج - چای خانه بهجی
۱۶۱	د - آبگذر

اول

زیارت ارض اقدس



۱ - قسمت دوم کتاب قرن بدیع صفحه ۲۲۱ سطر سوم

تا سطر ۱۷ عبارت آخر :

” . . . و بالاخره در طی همین برهه از زمان بود که مؤمنین برای اولین بار به عزم زیارت مقر هیکل اطهر به ارض سررہسپار شدند و چون بتدریج جمعیت واردین وسعت یافت و بر تعداد زائرین بیفزود حکومت ایران که پیوسته در خوف و هراس بود بدو طرق وصول را محدود و سپس بکلی ممنوع و مسدود ساخت ولی همین زیارت محدود و تعداد معدود بعدها منجر بسه حرکت جماعات بیشمار از محبین و مقلبین از شرق و غرب عالم گردید که با وجود خطرات و مشکلات عظیمه ای که در بدو امر موجود بود چون سیل به قصد طواف کوی معبود به ارض مقصود توجه نمودند و این توجه و تشرّف نزدیک بود بوفود ملکسه ای از ملکات که باروحی مستبشر و قلبی طافح از محبت الهیه آهنگ زیارت جبل رب و مقامات مقدسه علیا را نموده بود منتهی گردد که در همان حین که با نهایت روح و ریحان به انجام آرزوی دل و جان مستعد و قائم آن ملکه نیک اختر را از حصول ایمن غایت قصوی و مقصد اعزاسنی ممنوع و فواید منیرش را قریمن اسف و حسرت بی پایان نمودند .“

۲ - از کتاب بهاء الله و عصر جدید (چاپ طهران)

از صفحه ۳۵ سطر ۱۴ :

” . . . مدت سجن در قشله مسافریں از ورود و تشرّف به کلسی

ممنوع نفوسی چند از ایران پیاده برای تشریف به حضور مولای محبوبشان وارد لکن از دخول به شهر ممنوع شدند لذا از خندقهایی که اطراف شهر بود از دور بواسطه پنجره ای که از آن هیکل مبارک نمایان خاضعا ساجدا زیارت نموده باکیا مشتعلا منجذبا بوطن خویش برای خدمت و جان فشانی مراجعت نمودند .

۳ - از مقدمه کتاب قرن بدیع)

صفحه ۱۷ سطر ۳۳ تا آخر مقدمه :

" . . . و بالاخره ما حتی میتوانیم بهبود شایانی که در اوضاع و شرائط زیارت اعتبار مقدسه برای پیروان جانفشان امر بهائیس حاصل شده برأی العین مشاهده نمائیم زیارت هائی که ابتدا با شرایط بسیار سخت و مخاطره آمیز و با صعوبت فراوان و اغلب پیاده صورت میگرفت و گاهی توأم با یأس و حرمان و محدود بمشتی مؤمنین ممالک شرقیه بود و بعد متدرجا که اوضاع از لحاظ امنیت و راحت بهبود مییافت عده بیشتری از مؤمنین جدید از چهار گوشه دنیا به آن سوی روی آوردند و سرانجام به زیارت پر سر و صدای ملکه نیک اخترى منجر شد که تا آستانه شهر محبوب قلب خویش آمد ولی مع الاسف به قراری که خود کتباً شهادت داد مجبور شد راه خود را عوض کرده از زیارت مقامی که موهبتی عظمی برای او محسوب میشد صرفنظر نماید ."

۴ - تلگراف مبارک حضرت ولی امرالله مورخ ۲ اپریل

: ۱۹۵۱

" . . . اکمال این مشروع (ساختمان طبقات نه گانه بر کوه کرمل)
شایان تهنیت است زیرا بفرموده حضرت عبدالبهاء در آینه
سلاطین عالم برای زیارت و اظهار خضوع به مقام حضرت باب
مبشر شهید حضرت بهاءالله این راه را خواهند پیمود . "

شوقی



دوم

ارض اقدس



۱ - از کتاب قرن بدیع قسمت دوم (صفحه ۲۳۲ -

سطر ۱۰ تا صفحه ۲۳۴ سطر دوم) :

" . . . این صقع جلیل و شطر نبیل سرزمینی است که خداوند به حضرت خلیل وعده فرمود و بظهور حضرت کلیم مشرف وبه حیات و فتوحات مشایخ و قضاة و ملوک و انبیای بنی اسرائیل معزز وبه استقرار مهد دیانت مسیحیه مفتخر و متباهی گردانید و حضرت زردشت در اقطار و ارجاء آن به سفر پرداخت وبه فرموده حضرت عبدالبهاء " با بعضی از انبیای بنی اسرائیل ملاقات نمود " و جمال محمدی در لیله اسراء پس از عروج بـه سماوات اعلی به آن ساحت علیا وفود نمود و بـلقاء حضرت پروردگار مشرف گردید .

در این ارض اقدس و سرزمین مقدس " لانه و آشیانه جمیع انبیاء " " وادی طوی " " بقعه بیضاء " و " ارض النورا " " منفی زورا " و " مدینه کبیره " و " ارض سر " قریب ثلث حیات مقدس و بیش از نیمی از دوره رسالت خویش را صرف فرمود .

حضرت عبدالبهاء در این مقام میفرمایند " اگر چنانچه تعرض اعداء نبود و این نفی و تبعید واقع نمیگشت عقل باور نمیکرد که جمال مبارک از ایران هجرت نمایند و در این ارض مقدس خیمه برافرازند " و نیز میفرمایند " که وقوع این کیفیت و تحقق ایمن امر یعنی نفی مبارک به اراضی مقدسه در دوسه هزار سال پیش از لسان انبیاء بشارت داده شده بود و خداوند بوعده

وفا نمود زیرا به بعضی انبیاء وحی فرموده و بشارت بـ ارض مقدس داده که رب الجنود در تو ظاهر خواهد شد^۱ اشعیای نبی راجع به ظهور موعود در اراضی مقدسه میفرماید " علی جبل عال اصعدی یا مبشرة صهیون ارفعی صوتک بقوة یا مبشرة اورشليم ارفعی لا تخافی قولی لمدن یهودا هو ذالیهک هوذا السید الرب بقوة یاتی و ذراعہ تحکم له " و حضرت داود در مزامیر خویش میفرماید " ارفعن ایتها الارتاج رؤسکن و ارفعنہا ایتها الابواب الدهریات فیدخل ملک المجدید من هو هذا ملک المجد رب الجنود و هو الملك المجد " و نیز میفرماید " من صهیون کمال الجلال اللہ اشرق یاتی الہنا و لا یصمت " و عاموس نیز اشاره به یوم ظهور بدین بیان بشارت میفرماید " ان الرب یزمر من صهیون و یاتی صوتہ من اورشليم فتسوح مراعی الرعاة و یبیس رأس الكرمل "

۲ - صفحه ۲۳۰ از کتاب قرن بدیع قسمت دوم سطر

۱۵ تا صفحه ۲۳۱ سطر ۷ :

" صبح دوم جمادی الاولی ۱۲۸۵ هجری (مطابق با ۲۱ اوت ۱۸۶۸ میلادی) سفینه حامل مهاجرین که به یک شرکت اطریشی تعلق داشت بجانب اسکندریه حرکت نمود و در مدلی مختصر متوقف گردید و در روز در از میر لنگر انداخت . در این محل جناب منیر ملقب به اسم اللہ المنیب به مرضی شدید مبتلا و به کمال اندوه و حسرت در نوانخانه ای بستری شد و سپس

از چندی روح پاکش بهفاق اعلیٰ صعود نمود و در محفل تجلی غرق انوار گردید . در اسکندریه مهاجرین به سفینه دیگری که متعلق به همان شرکت بود منتقل گردیدند و آن سفینه پس از توقف مختصر در پرت سعید و یاقا به جانب حیفا رهسپار شد و در این مدینه مهاجرین از کشتی پیاده شدند و چند ساعت بعد بوسیله یک کشتی شرعی بجانب عکا حرکت نمودند و بعد از ظهر یوم ۱۲ جمادی الاولی ۱۲۸۵ هجری (مطابق با ۳۱ اوت ۱۸۶۸ میلادی) بشهر اخیر ورود نمودند .

۳ - صفحه ۲۳۵ از کتاب قرن بدیع قسمت دوم سطر

۹ تا آخر همان پاراگراف :

" دوره نفی و اقامت مبارک در عکا بیست و چهار سنه بطول انجامید و در آن اوقات دو سلطان جابر و مستبد شرق بسا نهایت قساوت و صرامت به منظور افناء و امحاء آن وجود اقدس هم عهد و پیمان شدند . در این دور در شئون و احوال حیوة مبارک تحول معجزه آسائی حاصل و در اشراقات و تجلیات آن نیر اعظم انقلاب عظیم ظاهر گردید . مصائب و بلایا در مهمل امرالله تجدید شد و قتل و غارت احباء الله تعقیب گشت بر تعداد یاران الهی و پیروان امریزدانی بیفزود و آثار امریه بسط و اشاعه موفور یافت و بیانات و الواح مبارکه وسعت و انتشار جدید بدست آورد "

۴ - صفحه ۲۳۲ کتاب قرن بدیع قسمت دوم از ابتدا

تا سطر چهارم :

" با ورود حضرت بهاء الله به عکا آخرین مرحله رسالت چهل ساله آن مظهر کلیه الهیه آغاز و دوران نفی و سرگونی آن وجود اقدس که آن نیز مدت چهل سنه بطول انجامید به مرحله نهائی و اوج اعلاى خود واصل گردید . "

۵ - نقل از پیام منیع مبارک حضرت ولی امرالله مورخ

آوریل ۱۹۵۷ :

" در این موقع که بذکر پیشرفت های حاصله در توسعه مؤسسات بین المللی بهائی در ارض اقدس مبادرت گردیده لازم میدانم مخصوصا به اتساع و اکمال مستمر موقوفات بین المللی بهائی در مرج عکا و دامنه کوه کرمل که قیمت آنها اکنون از پنج ملیون و دو بیست هزار دلار متجاوز است و همچنین گروه انبوهی که از این دو زیارتگاه بهائی دیدن میکنند اشاره نموده و متذکر گردم که تعداد نفوسی که در مدت ۳ ساعت در یک روز به مقام اعلى وارد گردیده اند از هزار متجاوز است . "

۶ - از کتاب قرن بدیع (مقدمه) صفحه ۱۳ :

" دیانت جهانی که ادعایش فی الحقیقه شناخته شده و مقام چهارمین دیانت را در کشور مقدسی که مرکز روحانی جهانی است احراز کرده - سرزمینی که در عین حال قلب مسیحیت و محل مقدسترین اماکن قوم یهودی و به استثنای مکه مقدسترین نقطه در عالم اسلام بشمار میرود . "

۷ - دوره کامل توقف

توقف حضرت بهاء الله در ارض اقدس ۲۴ سال

ورود در یوم دوشنبه ۳۱ آگست ۱۸۶۸

صعود در ماه می ۱۸۹۲

اماکن و منازلی که محل اقامت هیکل مبارک بوده است :

۱ - سجن اعظم (قشله) مدت دو سال و دو ماه و پنج روز

۲ - بیوت مالک و خوام و ربیعہ حدود ده (۱۰) ماه

۳ - بیت عبود تقریبا هفت (۷) سال (۱)

۴ - باغ رضوان گاهگاہی تشریف فرما میشدند .

۵ - قصر مزرعه - قریب مدت دو سال

۶ - قصر بهجی تقریبا دوازده سال (که در آنجا صعود

واقع شد)

جمع بیست و چهار (۲۴) سال

(۱) حضرت بهاء الله از سجن اعظم مستقیما به بیت مالک

(سه ماه) و سپس به بیوت خوام و ربیعہ و بالاخره به بیست

عبود منتقل گردیدند .

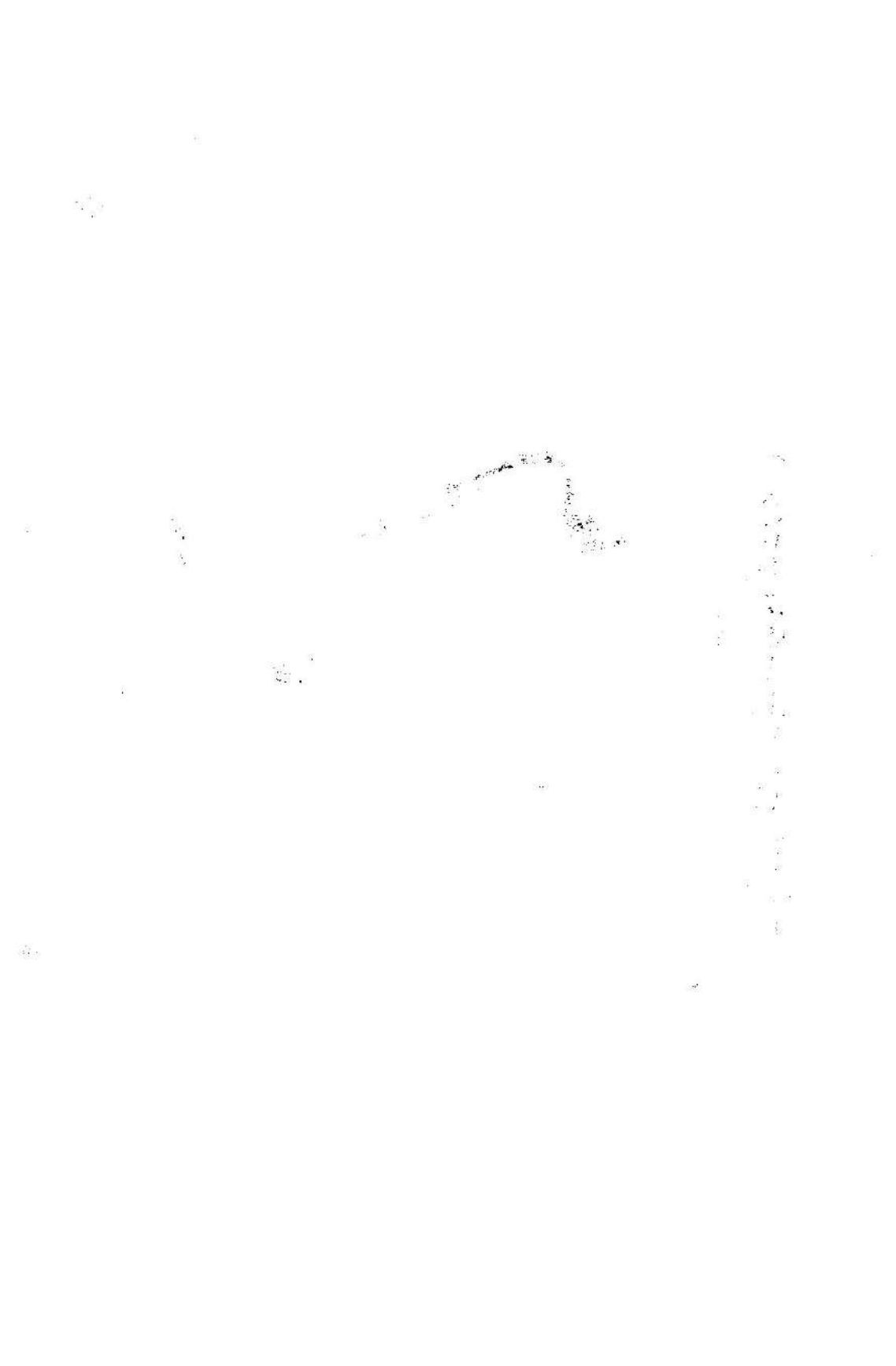
اکنون فقط بیت عبود در تصرف امر و زیارتگاه عموم است و از

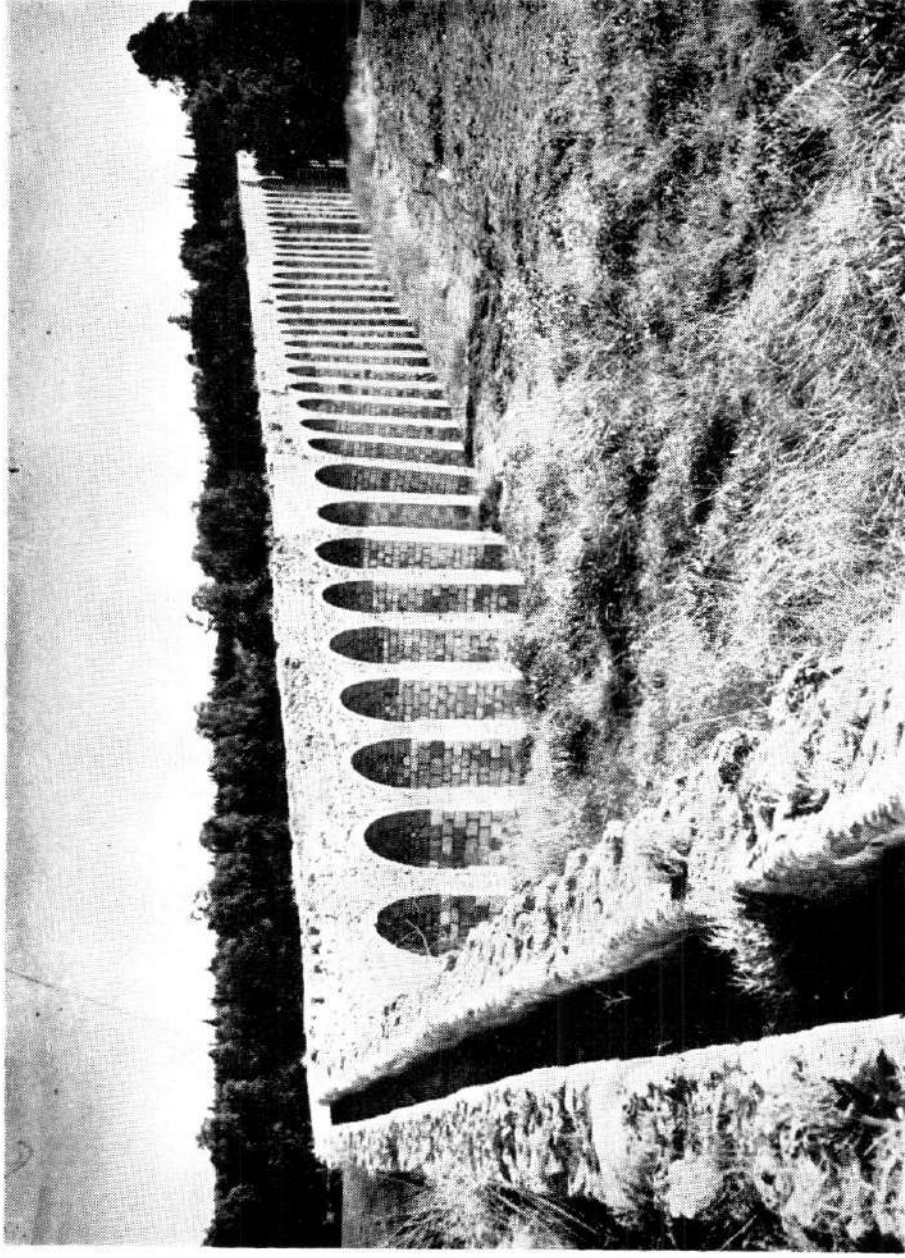
همه بیوت مذکوره در فوق مهتر میباشد .



نوم

علا





مسیر آب بہ عگا (نزدیک قصر مبارک در پٹی)

۱ - از کتاب قرن بدیع قسمت دوم صفحه ۲۳۴ سطر

سوم تا صفحه ۲۳۵ آخر پاراگراف اول :

" عكا كه " مجد لبنان " و " بها كرمل " و اتلال جليل مهـمد
مسيح صبيح آن را احاطه نموده از لسان داود به " مدينه
محصنه " موسوم و هوشع آن را " باب اميد " نام نهاده و -
حزقيال در وصف آن ميفرمايد " الباب الصغرى نحو الشرق و اذا
بمجداً " له اسرائيل جاء من طريق الشرق و صوته كصوت مياه
كثيره و الارض اضاءت من مجده " حضرت رسول اکرم در توصيف
اين مدينه مقدسه ميفرمايد " ان عكا مدينه بالشام قد اخصها
الله برحمته . . . مدينه بين جبلين في الشام في وسط العرج
. . . ان في السواحل مدينه معلقة تحت ساق العرش . . .
بيضاء حسن بياضها عند الله تعالى " و چنانکه جمال اقدس
ابهی تائيد فرموده از حضرت رسول منقول است که ميفرمايد
قوله تبارك و تعالى " طوبى لمن زار عكا و طوبى لمن زار زائر
عكا " و همچنين " من اذن فيها كان له مدصوته في الجنة " و
نيز " فقراء عكا ملوك الجنة و ساداتها " و " ان شهرا في
عكا افضل من الف سنة في غيرها بعلاوه حديث مهم ديگري
در فتوحات مكيه تأليف الشيخ ابن العربي راجع به اصحاب
قائم مذکور است که از احاديث مأثوره نبويه محسوب و جناب
ابوالفضائل آن را در کتاب فرائد نقل نموده و اشاره بظهور
مبارک است که ميفرمايد " و يقتلون كلهم الا واحد منهم ينزل

فی مرج عکا فی المادبة الالهیه *

بطوری که در تاریخ نبیال مذکور است حضرت بها^۱ الله نیسز
بنفسه المقدس از همان سنین اولیه ورود هیکل مبارک به ادرنه
در لوح سیاح اشاره به سرزمین عکا فرموده و آن را بنام
" وادی النبیل " موسوم فرموده اند و کلمه نبیل بر حسب حروف
تهجی با کلمه عکا برابر است و نیز در همان لوح مبارک
نسبت به ترقیات آتیہ امرالله میفرمایند " لدی الورد ریات
نور ما را استقبال نمود در آن حین ندای روح مرتفع و به این
بیان احل ناطق عنقریب جمیع من علی الارض در ظل این
ریات مجتمع خواهند شد " (ترجمه)

۲ - کتاب قرن بدیع قسمت دوم صفحه ۲۳۶ سطر

آخر تا صفحه ۲۳۷ آخر پاراگراف اول :

" عکا که در قدیم به اسم " بتولمائیس " خوانده میشد و نزد
صلیبیون به نام " سن ژان داکر " موسوم و موصوف گردید و از -
محاصره ناپلئون فاتحانه خارج شد تحت حکومت ترک به صورت
محبس و منقاش درآمد که قاتلین و سارقین و قطاع طریق و
مقصرین سیاسی از اطراف و اکناف امپراطوری عظیم عثمانی
بدانجا تبعید میشدند و پیرامون آن را دوردیف خاکریز
و حصار محکم احاطه نموده و صاحب سکنه ای بود که از لسان
مبارک حضرت بها^۱ الله بنام " اولاد افاص " خوانده شده اند
مدینه مذکور بی آب و بیر از کیک و مرطوب و دارای کوچه هائی

تنگ و تاریک و کثیف و پیچ در پیچ بود . از قلم کبریا در لوح سلطان در باره عکا نازل شده قوله الاعز الاعلی " و مما یحکون انها اخرج مدین الدنیا و اقبحها صورة واردتها هوا وانتها ما کانها دار حکومت الصدی ولا یسمع من ارجائها الاصوت ترجیعه " و در ردائت هوا و کثافت محیط بقدری معروف بود که در افواه ناس شیوع داشت که اگر پرندۀ ای از آسمان عکا عبور کند بلاد رنگ هلاک و به زمین ساقط خواهد شد "

۳ - ترجمه از کتاب All Things Made New (همه

چیز تجدید شده) صفحه ۲۱۷ :

" در فرمان نفی تصریح شده بود که تبعید شدگان باید کاملاً در زندان بمانند و با یکدیگر و نیز با اهالی شهر معاشرت نکنند . بعلاوه سفیر کبیر ایران در قسطنطنیه ترتیبی داده بود که نمایندگانش اطاعت از دستور را گزارش نمایند ."

۴ - کتاب قرن بدیع قسمت دوم صفحه ۲۳۵ دوسطر

به آخر تا صفحه ۲۳۶ سطر هشتم :

" انتقال حضرت بها^۱ الله به قلعه عکا نه تنها مصائب وجود مبارک را تقلیل نداد بلکه موجب ظهور تضحیقات جدیده و - بلایای شدیدۀ و انقلابات عظیمه دیگر گردید که الام و شدائد سجن طهران را تحت الشعاع قرار داد بدرجه ای که هیچیک از حوادث تاریخیه این امر اعظم را بجز انقلاب داخلی ارض سر^۲ که زلزله برارکان امرالله انداخت نمیتوان با مصائب دوران

سجن عكا قابل مقایسه دانست . جمال اقدس ابهن در بیان
شدت و هیبت بلایای نه ساله اول سجن میفرمایند " اعلم ان فی
ورودنا هذا المقام سمیناه بالسجن الاعظم و من قبل كنا فی ارض
اخری تحت السلاسل و الاغلال و ما سمی بذلك قل تفکروا فیہ
یا اولی الالباب "

سوم

« الف »

سبحن اعظم





عكس هوائی سجن اعظم

۱ - از کتاب قرن بدیع قسمت دوم صفحه ۲۳۹ سطر

ششم تا صفحه ۲۴۲ سطر پنجم :

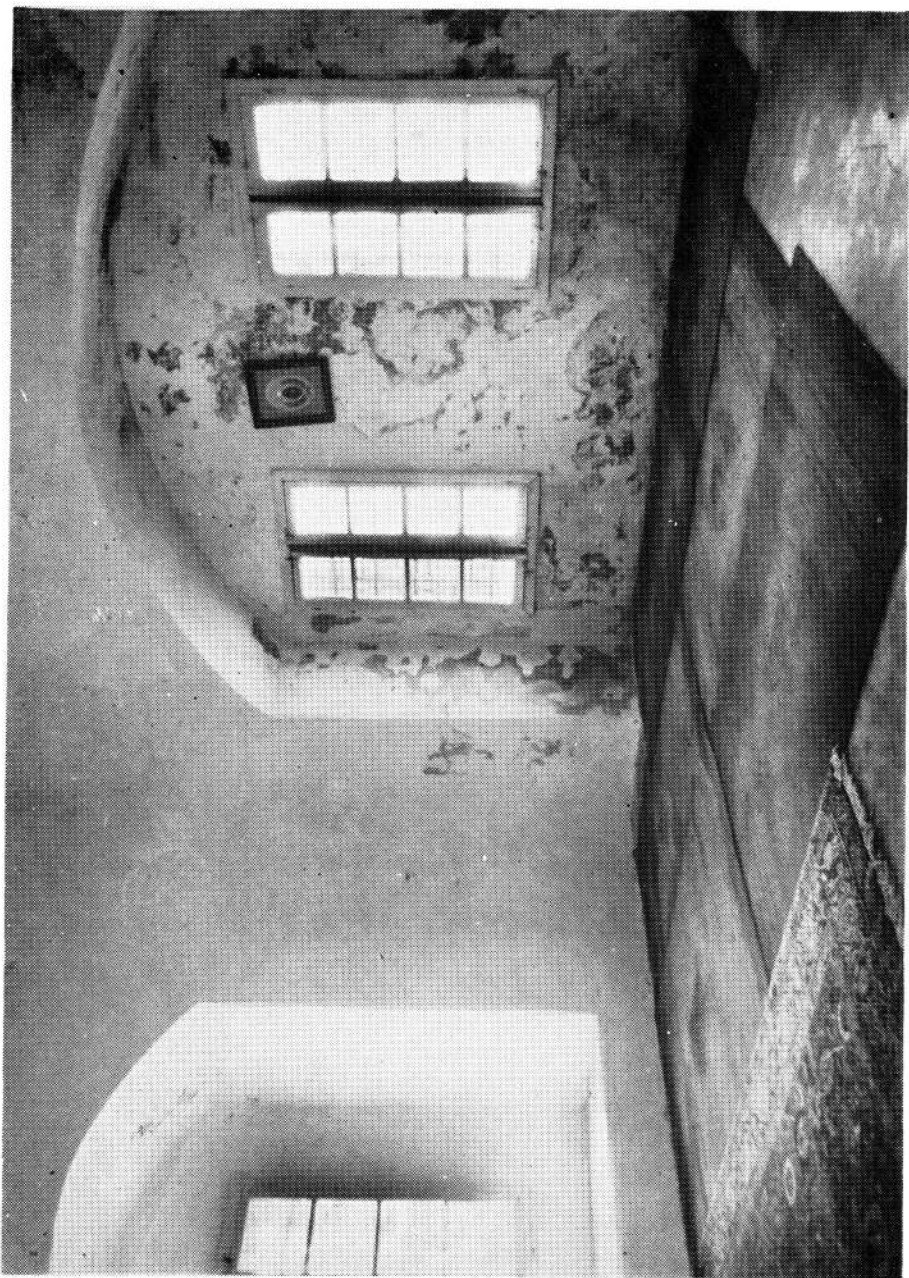
" پس از طی این سفر پررنج و محن به شرحی که در فوق مذکور گردید محبوسین از زن و مرد و خرد و بزرگ در عکا از کشتی پیاده شده و در مقابل دیدگان مردم کنجکا و وبی عاطفه محمل که برای مشاهده " خدای اعجاز " در بندر مجتمع شده بودند به قشله صحراییه رهنمائی و در غرفه های مخروبه آن مسجون و زندانی گردیدند و نگهبانان مخصوص برای محافظت آنان گماشتند . جمال اقدس ابهی در این مقام در لوح رئیس میفرمایند :

" شب اول جمیع از اکل و شرب ممنوع شدند . . . حتی آب طلبیدند احدی اجابت ننمود منبعی هم که در حیاط قشله قرار داشت آبش به درجه ای شور و کثیف بود که احدی را امکان نوشیدن نبود سه رغیف نان سیاه و شور برای هریک از محبوسین تخصیص داده شده بود که بعدا اجازه دادند تحت نظرسر محافظین به بازار رفته بد و قرص نان دیگر که بالنسبه قابل اکل باشد تبدیل نمایند بعدا موهنه نقدی قلیلی در باره آنها مقرر گردید که بجای نان تأدیه میکردند در همان اوائل ورود جمیع مسجونین به استثناء دو نفس کل مریض و علیل و ملازم بسترسر گردیدند و در آن هوای گرم و کثیف به تب و اسهال شدید مبتلا شدند بطوری که در اوائل ورود از بین مظلومین سه نفر

بدرود حیوة گفتند از جمله دو برادر بودند که در يك شب
بفرموده مبارك " دست بگردن هم " به رفیق اعلی شتافتند و
به ملكوت اسرار پرواز نمودند و هیكل قدم امر فرمودند سجاد های
را که در زیر پای مبارك بود بفروشنند و صرف کفن و دفن نمایند
ووجه ناچیزی هم که از فروش سجاده بدست آمد به محافظین
قشله که گفته بودند تا مصارف لازمه را اخذ ننمایند اجازه —
تدفین نخواهند داد تسلیم گردید بعدا معلوم شد که آن
ظالمان آن اجساد طیبه را بدون تفسیل و تکفین و استقرار
در صندوق با همان لباس که بر تن داشتند به خاک سپردند
با آنکه طبق بیان مبارك خرج کفن و دفن را مضاعف مبلغ
معهود اخذ نموده بودند جمال قدم جل شأنه الاعظم در وصف
بلایای وارده در سجن اعظم میفرمایند " لا يعلم ما ورد علينا
الا الله العزيز العليم . . . از اول دنیا تا حال چنیــــن
ظلمی دیده نشده و شنیده نگشت " و نیز در مقام دیگر
میفرماید " این مظلوم اکثر ایام حیات در مخالف اولوالبفساء
مبتلا و حال در این سجن پرمحن که به ایادی ظالمان
در آن افکنده شده مصائب و آلام به اعلی زروه کمال رسیده "

(ترجمه)

در این حین جمعی از دوستان احرام حرم کبریا بستند و برخی
پای پیاده از ایران به عزم زیارت روی محبوب امکان حرکت
نمودند و با وجود تضییقات شدید و موانع و محظورات عظیمه



سجن اعظم عنگا

www.ck12.com

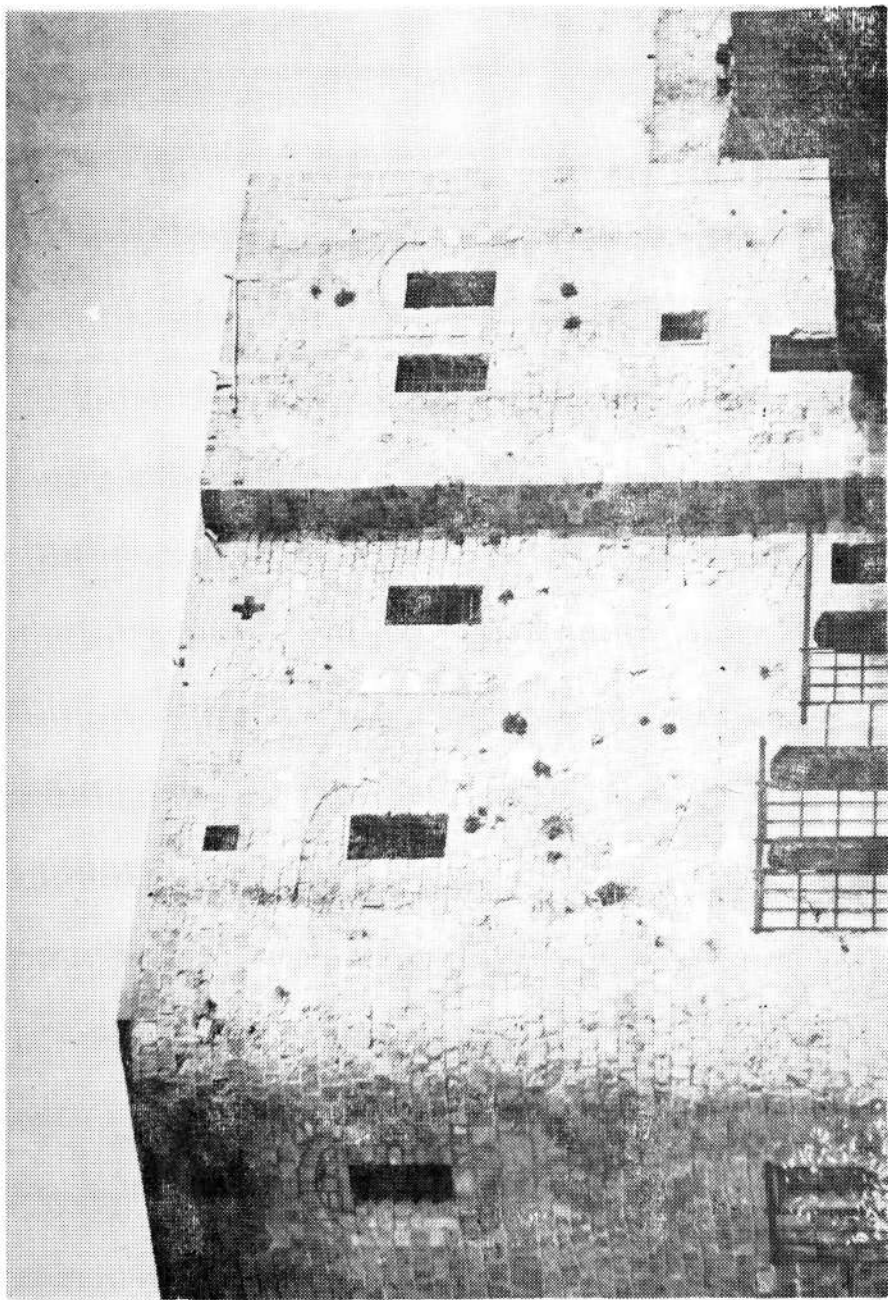
متنوعه خود را به دروازه های عکا رساندند و چون تشریف به
محضر انور ممنوع بود به همین مقدار سرور و شکر گذار بودند
که از ورای خندق ثانی در حالی که مقابل پنجره سجن قائم
بودند جمال بی مثال محبوب را از دور زیارت نمایند معدودی
هم که به زحمات زیاد به دخول در شهر موفق میشدند چون
ابواب از هر جهت سدود بود بدون درك لقای مقصود و تشریف
به محضر معبود به کمال یأس و حرمان به اوطان خویش معاودت
مینمودند از بین زائرین اولین نفسی که در عکا به فیض لقا
فائز گردید حاجی ابوالحسن اردکانی ملقب به امین الهی بود
آن فانی آستان رحمانی و منجذب طلعت سبحانی به نحوی که
مقرر شده بود در حمام به زیارت هیکل انور مفتخر گردید بدون
آنکه خود را بوجود اقدس نزدیک و یا اظهار آشنائی و عبودیت
نماید. زائر دیگر استاد اسمعیل کاشانی بود که از موصل بقصد
تشریف به آستان مولای محبوب خویش عزیمت نمود تا به سجن
اعظم واصل شد و در کنار خندق ساعاتی چند در غایت
انجذاب و اشتیاق مقابل پنجره ای که از آن هیکل قدم نمایان
بایستاد شاید بیک نظاره کام جان از وجه طیحش شیرین نماید
و دیده از روی منیرش روشن کند ولی آن عاشق دل داده به
علت ضعف بصر موفق به مشاهده آن منظر اکبر نگردید و به کمال
حسرت و اسف به اقامتگاه خویش که مفاره ای در جبل کرممل
بود معاودت کرد و این معنی سبب حزن شدید و تکسر خاطر

عائله مقدسه كه از دور شاهد آن منظره محزنه بودند گردید .
نبیل نیز كه خود در آن ایام بقصد زیارت جمال اقدس ابهیی
به آن ارض نورا شتافته بود شناخته شد و ناگزیر از آن شهر
متواری گردید و فقط از راه خندق بیک نظر به زیارت هیکل
انور توفیق یافت بعدا بنواحی و اطراف ناصره و حیفا و قدس
و حبرون حرکت نمود تا بتدریج تضيیقات تخفیف یافت و توانست
خود را به جمعیت مهاجرین و طائفین حول نیر آفاق ملحق
سازد .

۲ - از کتاب قرن بدیع صفحه ۲۴۲ سطر ششم تا

صفحه ۲۴۴ سطر سوم :

" در بحبوحه این بلایا و رزایا مصیبت دردناک و ناگهانی
دیگری رخ گشود كه بر احزان و الام مبارك بیفزود و آن عروج
نفس مقدس جناب میرزا مهدی غضن الله الاطهر برادر بیست
و دو ساله حضرت عبدالبهاء و كاتب وحی الهی بود . این
ذات مقدس در ایام صباوت پس از مراجعت حضرت بهاء الله
از مهاجرت كردستان از طهران به بغداد منتقل و به آب
بزرگوارش ملحق گردید و از آن تاریخ به بعد در نغی و سرگونی
جمال اقدس ابهیی مصاحب و همراه و تا آخرین دم حیات با
غربت و كربت و اسارت و مسجونیت آن طلعت احدیت شریك
و سهیم بود . این غضن ریان سدره سبحان هنگام غروب در
حالی كه بر فراز بام قشله مشی میفرمود و پرورش معهود بتوجه



قشله (سجن اعظم)

و مناجات بساحت حضرت معبود مألوف و در دریای ازکار
ستفرق بود از غایت جذب از خود بیخود شد و از حفره ای
که جهت روشنائی حجره زیرین تعبیه شده بود بهزیر افتاد و
هیگل اطهرش با صندوق چوبی که در همان حجره تحتانی قرار
داشت تصادم نمود و اعضاء و اضلاع صدمه شدید یافت در اثر
این حادثه پس از مزی بیست و دو ساعت طیر روحش به
معارج قدس علیا پرواز نمود و در رفارف اسنی لانه و آشیانه
ساخت و آن رزیه کبری یوم ۲۳ ربیع الاول ۱۲۸۷ هجری (مطابق
با ۲۳ ژوئن ۱۸۷۰ میلادی) اتفاق افتاد و آن سازج وفا
در لحظات اخیر حیات از ساحت اقدس رجا نمود که جان
مقدسش چون فدیة ای در سبیل تحقق آمال دوستان قبول
و به ارادات خفیه الهیه ابواب سجن و لقا بر وجه اهل بهاء
گشوده گردد.

در مناجاتی که از قلم اعلی در وصف آن غصن دوحه بقا نازل
شهادت کبرایش را بمثابه قربانی فرزند حضرت ابراهیم و جاننازی
حضرت روح بر صلیب و شهادت حضرت سید الشهداء در ارض
طف که در ادوار سابقه و ظهورات ماضیه موجب تطهیر و نجات
امم و ملل مختلفه بوده در این عصر اعظم علت حیات عالم و
حصول وحدت اصلیه در انجمن بنی آدم میسرند در این مقام
این بیانات عالیات مسطور قوله الاحلی " ای رب فدیة ما
اعطیتنی لبحیوة العباد و اتحاد من فی البلاد " و نیز خطاب

به آن غصن شهید میفرماید " انك انت ودیعة الله وكنزه فی
هذا الدیار سوف یظهر الله بك ما اراد انه لهو الحق عـلام
الغیوب " و بعد از آنکه جسد اطهر را در حضور جمال اقدس
ابهی غسل دادند آن معدن وفا و مظهر عبودیت کبری را که
لسان قدم در شأنش به بیان " من خلق من نور البهائم " ناطق
و مظلومیتش از قلم اعلی مذکور و اسرار صعودش مکشوف گردیده
بمراهی حافظین قشله بخارج شهر انتقال داده و در محلی
مجاور مقبره بنی صالح بخاک سپردند تا آنکه هفتاد سنه بعد
آن رمس مطهر با رمس منور ام بزرگوارش از مقر مذکور بدامنه جبل
کرمل در ظل مقام پیر انوار حضرت نقطه اولی و قرب مضجع اخست
جلیلش حضرت ورقه علیا منتقل گردید .

۳ - از کتاب قرن بدیع قسمت دوم صفحه ۲۵۸ -

سطر ۲۵ تا صفحه ۲۵۹ آخر صفحه :

" . . . حضرت عبدالبهائم در باره تبعید مبارك و اثـرات
مترتبه بر آن میفرمایند " مقصود اعداء این بود که این سجن
سبب شود و بکلی امر مبارك محو و نابود گردد و حال آنکه
سجن مبارك تائید اعظم شد و سبب ترویج گشت " و همچنین
میفرماید " این شخص جلیل در سجن اعظم امرش را بلند کرد
و نورش باهر شد و صیتش جهانگیر گشت و آوازه بزرگواریش
بشرق و غرب رسید و الی یومنا هذا چنین امری در عالم
وجود واقع نشده " پرتوش در آغاز بمثابه نجم باز بود حال

چون کره نوار و آفتاب جهانتاب گشت " (ترجمه)
این است که جمال اقدس ابهی بنفسه الاعز الاعلی در تائید
همین تحول و تغییر عظیم که بر خلاف انتظار اعداء در جمیع
شئون و امور در دوره بیست و چهار ساله سجن عکا حاصل
گردیده میفرماید قوله الاحلی :
" خداوند قدیر . . . این سجن را بجنّت علیا سماء السماء
تبدیل نمود " (ترجمه)

سوم

ب

بیت عبود



۱ - به صفحه ۲۴۴ کتاب قرن بدیع قسمت دوم مرا^{جمعه}

شود .

مکانی که در عکا به بیت عبود موسوم است از دو قسمت تشکیل یافته ضلع شرقی که معروف به بیت "عودی خمار" و ضلع غربی بیت عبود بوده است . ضلع شرقی بقدری محقر و کوچک بود که احتیاجات حضرت بهاء الله و عائله مبارکه را تأمین نمیکرد بنحوی که "سیزده نفر از اهل بیت رجالا و نساءا در يك حجیره میزیستند"

حضرت بهاء الله يك حجیره واقع در ضلع شرقی را بخود اختصاص داده بودند و در آن اطاق بود که کتاب احکام یعنی کتاب مستطاب اقدس نازل گردید (حدود سال ۱۸۷۳)

هنگام ازدواج حضرت عبدالبهاء يك اطاق واقع در میان دو ضلع آن بیت از طرف عبود ساخته شد و اقتران مبارك در آن اطاق صورت گرفت بعدا عبود ضلع غربی آن بیت را هم به حضرت بهاء الله تحویل داد و آنوقت حضرت بهاء الله حجیره مبارك واقع در ضلع شرقی را بحضرت عبدالبهاء داده و یکی از حجرات ضلع غربی را بخود تخصیص دادند و همین حجیره است که زائرین اکنون میتوانند آن را زیارت نمایند .

در احوالیان توقف حضرت بهاء الله در بیت عودی خمار بود که جمعی از بهائیان علیرغم دستور مخصوص مبارك سه نفر از اتباع ازل را که در معیت حضرت بهاء الله به عکا تبعید شده بودند

بقتل رسانیدند . پس از این حادثه خصومت و سعایت علیه مسجونین چنان شدت یافت که اطفال آنان به محض مشاهده سنگباران میشدند . عبود که در بیت مجاور ساکن بود جدار بین محل سکونت خود و همسایه جدید یعنی حضرت بهاء الله را که در اثر این حادثه مورد سوء ظن و رعب شدید اهالی واقع شده بودند مستحکم نمود .

حضرت بهاء الله در هر دو قسمت این بیت برای مدت هفت سال اقامت فرمودند و در اواخر ایام حیات مبارک نیز بعضی اوقات از این بیت دیدن میفرمودند .

پس از صعود حضرت بهاء الله حضرت عبدالبهاء به اقامت خود در آن بیت ادامه دادند و در آنجا بود که طفیان ناقص اکبر علیه میثاق اب بزرگوارش آغاز گردید . حضرت ولی امرالله این بیت را " صحنه مصائب معتده وارده بر مؤسس امر الهی و همچنین محل بروز فتنه عظیم که بدست ناقضین میثاق برای هیكل مبارک حضرت عبدالبهاء ایجاد شد " توصیف فرمودند .

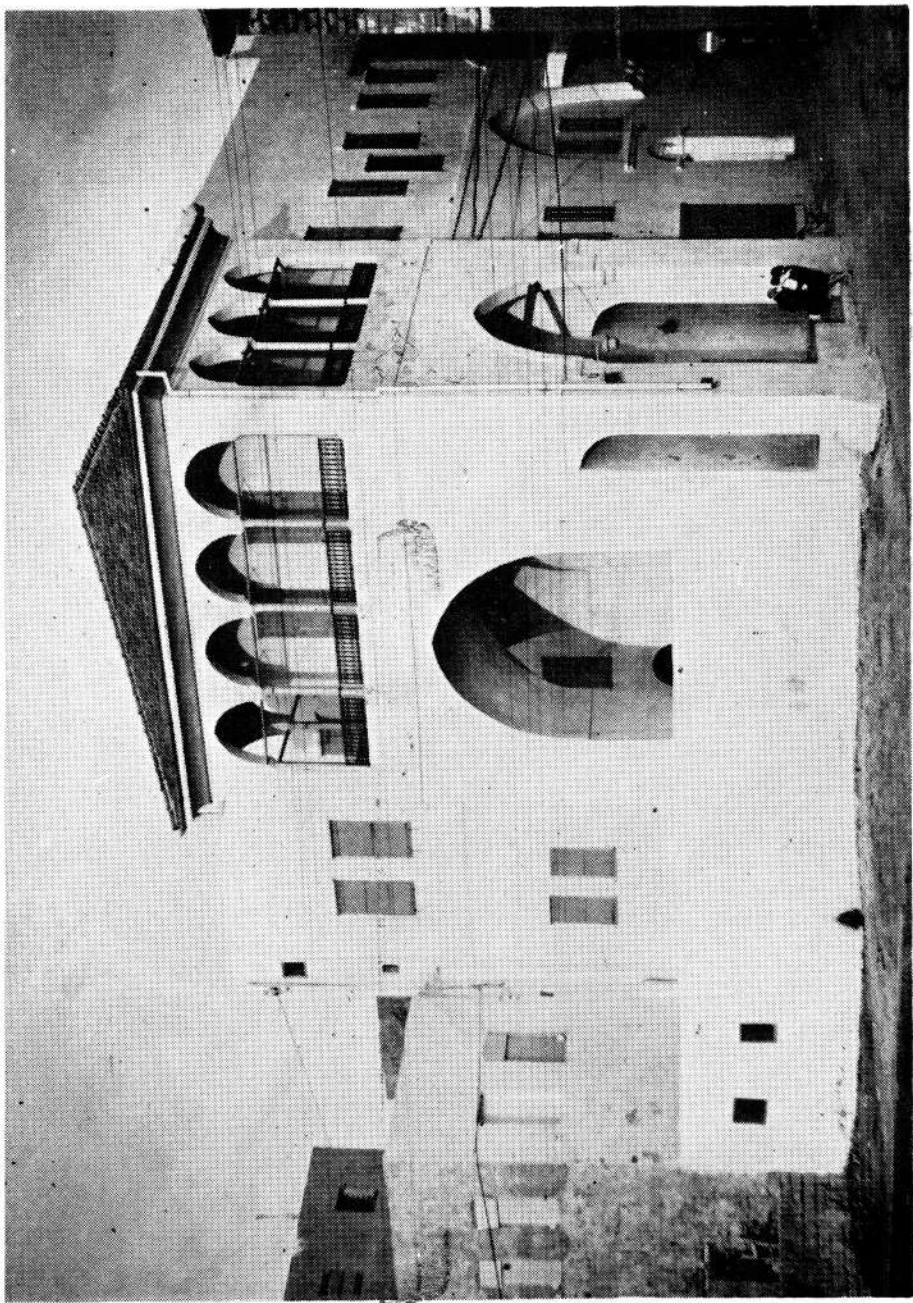
(به کتاب پیامهای حضرت ولی امرالله به عالم بهائی صفحه

۸ مراجعه شود)

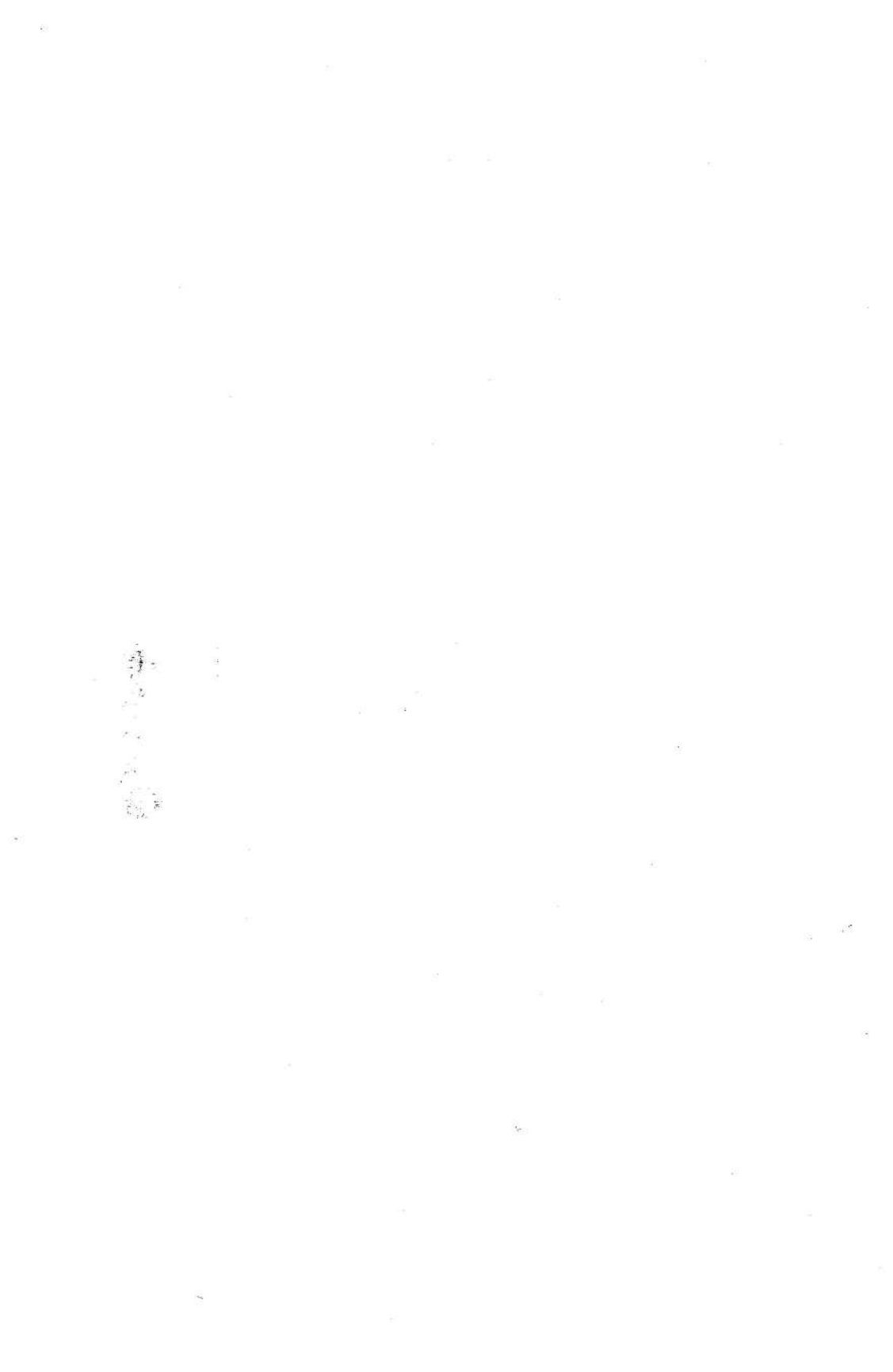
۲ - از کتاب قرن بدیع قسمت دوم صفحه ۲۴۴ سطر

چهارم تا آخر مطلب سطر ۱۲ :

" چهار ماه پس از وقوع این فاجعه عظمی و فادحه کبری



بیت عبود در عکا



نظر به این که قشله مورد احتیاج عساکر ترك قرار گرفت مقرر گردید حضرت بهاء الله و جمع اصحاب محل مزبور را ترك نمایند این بود که هیکل اقدس و عائله مبارکه به بیت ملك واقع در قسمت غربی شهر منتقل گردیدند و پس از اقامت مختصری که از سه ماه تجاوز ننمود بدستور اولیای امور به بیت خوام که مقابل خانه ملك قرار داشت تشریف بردند و پس از چند ماه مجدداً مجبور به تغییر محل شدند و به بیت رابعه و چهار ماه بعد به بیت عودی خمار منتقل گشتند خانه اخیر بقدری محقر و کوچک بود که سیزده نفر از اهل بیت رجالا و نساء در يك حجره میزیستند و جمعی از همراهان بعلت ضیق مکان در منازل دیگر سکونت اختیار کردند و عده ای به کاروانسرای که به خان عوامید موسوم بود منتقل شدند . . .

۳ - از کتاب قرن بدیع قسمت دوم صفحه ۲۹۲ سطر

۱۳ تا آخر صفحه :

... کتاب اقدس پس از انتقال جمال اقدس ابهی به بیت عودی خمار (در سال ۱۸۷۳ میلادی) در ایامی که هنوز آن وجود مبارک از طرف دشمنان خارج و دوستان داخل هر دو به مصائب بی منتهی محاط و گرفتار از سما مشیت رحمانیه نازل گردیده است . این سفر کریم مخزن لثالی الهیه و منبع فیوضات سبحانیه نظر بوضع اصول و تعالیم منیمه و تأسیس مؤسسات بدیعه و تعیین وظائف مقدسه مرجوعه

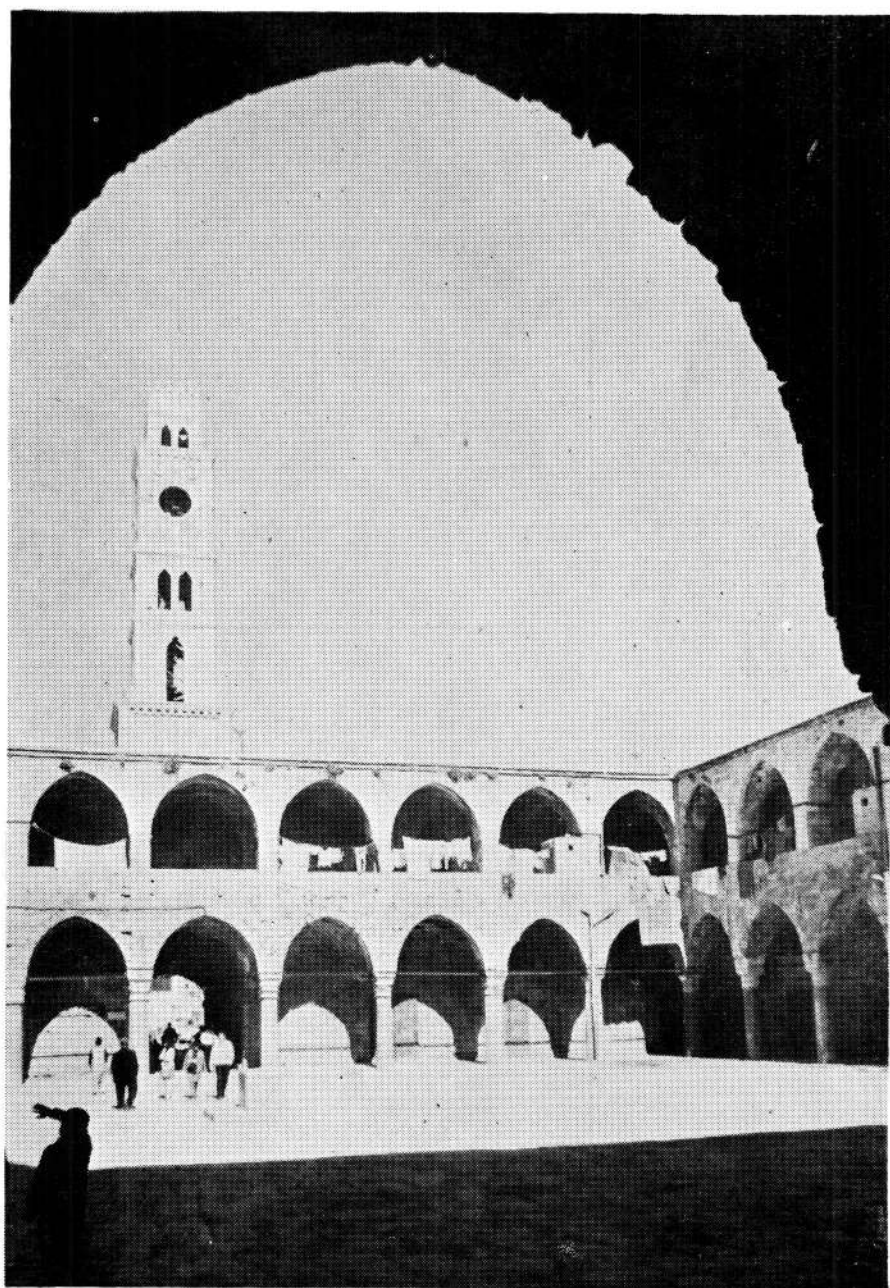
به جانشین شارع قدیر در بین صحف و اسفار سماویه بسی
نظیر و مثیل و عدیل است"

نوم

«ج»

خوان عوامید





خوان عوامید در عگا



به کتاب قرن بدیع قسمت دوم صفحه ۲۶۴ رجوع شود .
هنگامی که قشله مورد احتیاج عساکر ترك قرار گرفته و مقرر گشته
بود حضرت بهاء الله و عائله مبارکه و اصحاب آن را ترك کنند
اکثری از اصحاب مبارك به کاروانسرای که به خوان عوامیــــــــــــد
موسوم بود منتقل شدند . احبای بیشتر در قسمت فوقانی در ضلع
غربی و شرقی کاروانسرا مستقر گردیدند و تا هنگام جلوس حضرت
عبدالبهاء بر اریکه میثاق در آن مکان باقی ماندند و زمانی که
اصحاب در بیوت دیگر سکنی گرفتند خوان عوامید بصورت اولین
مسافر خانه ارض اقدس در آمد .

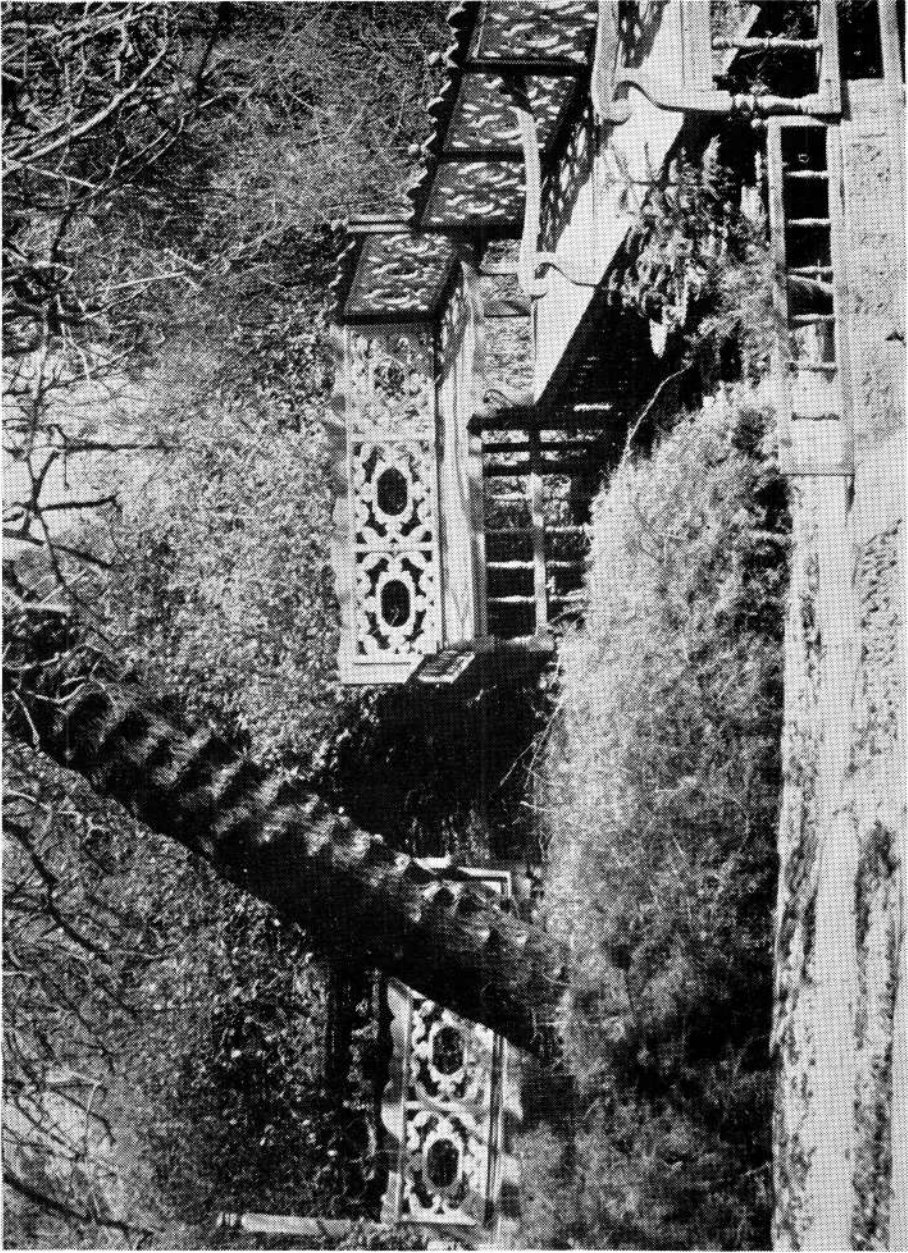


سوم

« و »

باغ رضوان

147



باغ رضوان

۱ - يك جزيره كوچك كه ابتدا^۱ معروف به بساغ نعمين (۱) و در ميان رودخانه ای بهمين نام واقع بود جائی است كه حضرت بهاء^۲ الله پس از اصرار و الحاح مفتی شیخ علی میری رضایت دادند كه به آنجا تشریف فرما شوند . حضرت بهاء^۲ الله این باغ را بیاد بود باغ رضوان بغداد " رضوان نامیدند . همچنین در توقیعات خود از آن بعنوان " اورشلیم جدید " و " جزیرتنا الخضراء " اشاره فرمودند .

۲ - از کتاب قرن بدیع قسمت دوم صفحه ۲۵۲ سطر پنجم تا آخر سطر ۱۹ صفحه ۲۵۲ :

" . . . قبل از آنكه جمال اقدس ابهی بخروج از شهر عكا موافقت فرمایند شیخ علی میری مفتی مدینه بر حسب اشاره^۳ حضرت عبدالبهاء^۴ از محضر مبارك استدعا نمود كه به سجن نه ساله خویش خاتمه دهند و به خارج شهر حرکت فرمایند . هیکل مبارك بدو^۵ قبول نفرمودند ولی پس از اصرار شدید و متمادی مفتی باین امر رضایت دادند و برای اولین بار به مرج عكا نزول اجلال فرمودند باغ نعمین جزیره كوچکی بود در وسط رودخانه در جانب شرقی شهر كه بنام رضوان مفتخر گردید و لسان عظمت آن را " اورشلیم جدید " و " جزیرتنا الخضراء " موسوم فرمودند . باغ مذکور به انضمام محل سکونت عبدالله

(۱) نعمین به معنی " دو نعم " است در اسلام حدیثی است در آیر بر اینکه در روز قیامت در جواب ندای الهی " الست بریکم " دو بار نعم استماع میشود .

پاشا که در چند میلی شمال عکا قرار داشت و از طرف حضرت
عبدالیهما^۱ برای اقامت مبارک اجاره و مهیا گردیده بود از آن
بیعد محل تنزه و تفرج هیکل اقدس قرار گرفت و بدین ترتیب
آن مالک بریه پس از آنکه قریب بده سنه از حصار شهر قدم
فرا تر ننهاد و بیگانه حرکت و هواخوری وجود اقدسش به مشی
در اطاق خواب بجلو و عقب انحصار داشت از عکا خارج
و به محلات مذکوره آمد و شد میفرمودند "

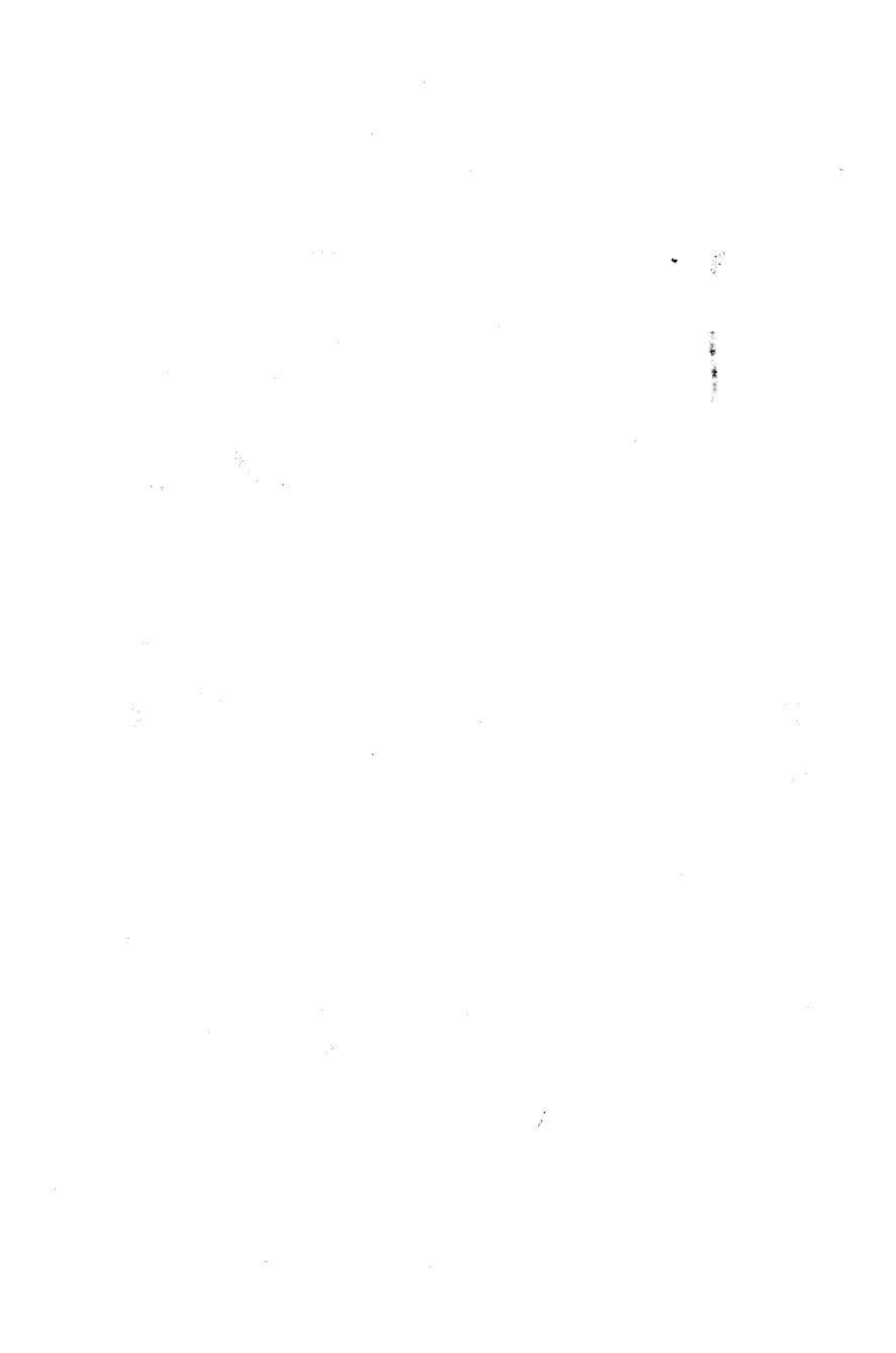
سوم

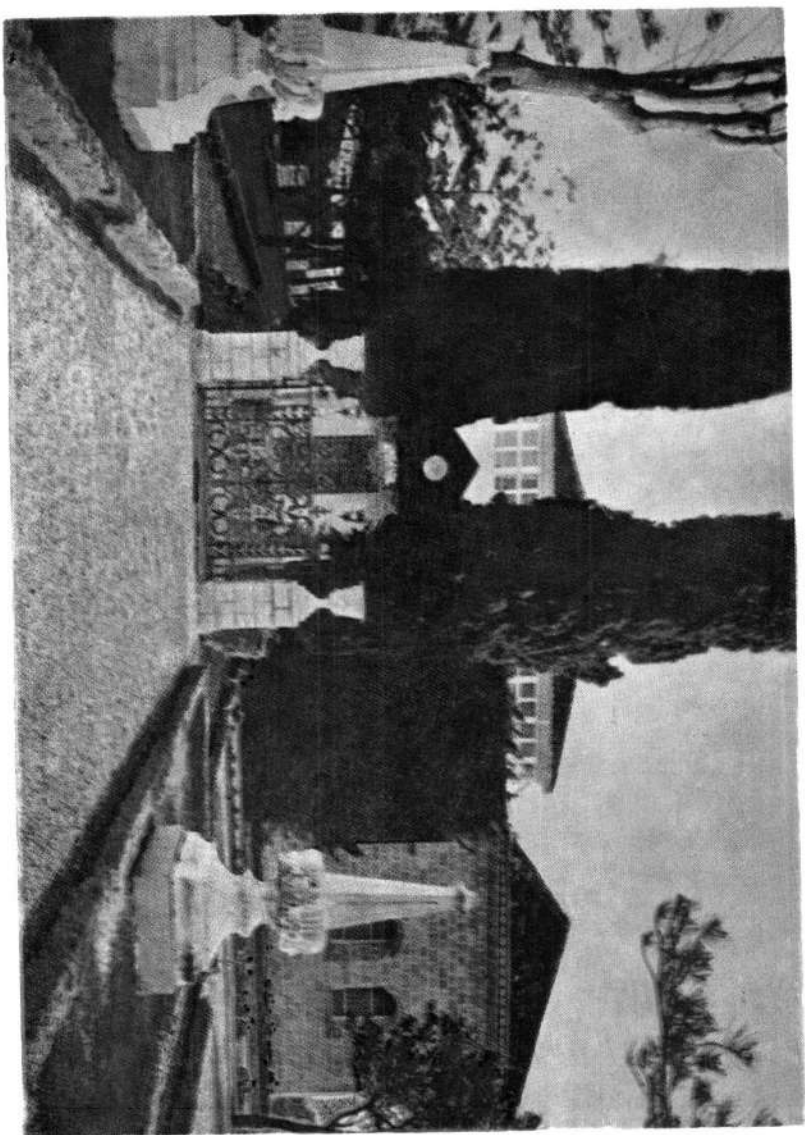
۵

بہجی - روضہ مبارکہ حضرت بہاؤ اللہ

و قصر بہجی







روضه مبارکه دروغا



عاجز حدت بصر از آن منظر اکبر پدیدار و قدرت و عظمت از جبین مینش نمودار. بیک نظره کشف رموز دل و جان نمودی و بیک لحظه اسرار قلوب بخواندی. مہرس در حضور چہ شخص ایستادم و بچہ منبع تقدیس و محبتی تعظیم نمودم کہ تاجداران عالم غبطہ ورزند و امہراطورہای امم حسرت برند و نیز مینویسد " پنج یوم از مفتنم ترین و نفیستین ایام حیوۃ را در ساحت اقدس گذراندم و از فیض حضور و درک دیدار جواہر وجودی کہ منشاء و مبداء روح بدیع و پر عظمت الہیہ اند بہرہ و نصیب موفور بردم روحی کہ با قدرت غیر مرئی و قوت دائم التزایدی در احیاء و بیداری اہل عالم کہ در رقد غفلت غنودہ بل چون نفوس میتہ در ارض محشورند در کوشش و تلاش است. فی الحقیقہ ایامی پیران جذاب بود و روزگاری پرنشئہ و فیوضات قلم از تقریرش عاجز است و بیان از توصیفش قاصر. "

۳ - از کتاب قرن بدیع قسمت دوم صفحہ ۳۱۰ سطر

۱۵ تا آخر سطر دوم از صفحہ ۳۱۱ :

"... خبر صعود مبارک فوراً طی تلفرافی کہ بہ کلمات " قد اقلت شمس البہاء" مصدر بود بسلطان عبدالحمید مخابرہ گردید و ضمناً بہ مشار الیہ اطلاع دادہ شد کہ قصد دارند رمس مبارک را در مجاورت قصر مقر دهند. سلطان بلا درنگ موافقت خویش را اعلام نمود بنابراین عرش اقدس را در شمالی ترین حجرہ بیت مسکونی صہر مبارک کہ خود نیز شمالی ترین بیوت ثلاثہ

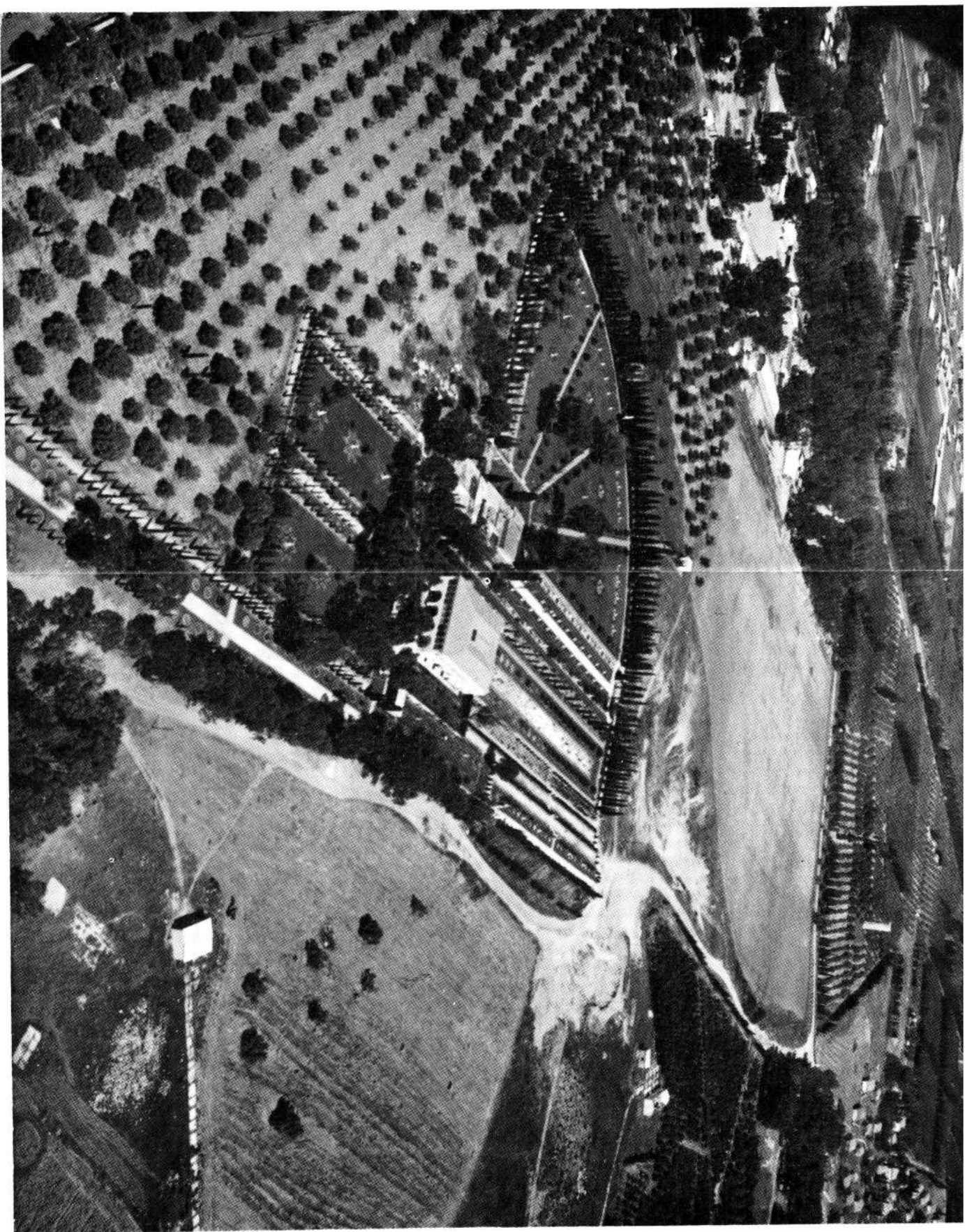
۱ - از کتاب قرن بدیع قسمت دوم صفحه ۲۵۲ :

" . . . دو سال بعد جمال اقدس ابهی به قصر عودی خمار که از لسان قدم به " قصر رفیع " و " المقام الذی جعله اللہ المنظر الاکبر للبشر " موسوم و موصوف تشریف فرما گردیدند . این مکان مقدس که در ایام سجن مبارک در قشله عسکریه با صرف مبالغ باهظه بنا شده و مالکش با اهل و عیال بعلت بیروز ناخوش مسری آن را ترک کرده بود بدوا اجاره شد و سپس جهة اقامت دائم هیکل اطهر خریداری گردید . . . "

۲ - از کتاب قرن بدیع قسمت دوم صفحه ۲۵۴ سطر هشتم تا صفحه ۲۵۵ آخر سطر ۸ :

" . . . در همین قصر بود که مستشرق شهیر انگلیسی پروفیسور ا . جی . برون از دارالفنون کامبریج در پنج روزی که در بهجی مهمان مبارک بود (از ۱۵ تا ۲۰ آوریل ۱۸۹۰) چهار مرتبه بساحت اقدس جمال قدم جل شأنه الاعظم شرف مشول یافت و آن ملاقات و تشرف بصدور این بیان عظیم و تاریخی از قم اطهر که میفرماید " این جنگهای بی ثمر و محاربات خانمان سوز منقضی شود و صلح اعظم تحقق یابد " (ترجمه) در تاریخ امرالله ابدیت و خلود یافت . مستشرق مذکور شرح تشرف خویش و تأثیراتی را که از شرفیابی بمحضر انور در قلب و روان وی حاصل شده بدینقرار مینگارد :

" دو چشم بجمالی افتاد که هرگز فراموش ننمایم و از وصفش



عكس هواي قصر مبارك در بهجي وروضه مبارکه

واقعه در جوار و مغرب قصر پیر انوار بهجی محسوب میگردد
استقرار دادند و مراسم استقرار عرش اعز اطهر الطف در همان
یوم صعود پس از غروب آفتاب انجام گردید

۴ - از کتاب قرن بدیع قسمت سوم صفحه ۳۸ سطر ۸

تا صفحه ۳۹ سطر ۸ :

" . . . و کل متحدا متفقا به اطفاء نور مبین برخاستند و آن در
ثمین و یوسف عهد حضرت رب العالمین را به ثمن بخش و
دراهم معدوده فروختند . در این حین طلعت میثاق حق قدیم
من دون ناصر و معین مورد حمله برادران و بستگان پرکین که
در حول روضه مبارکه جمال اقدس ابهی در قصر بهجی و بیوت
مجاوره مجتمع و متمرکز شده بودند قرار گرفت و در حالی که ام
بزرگوار و سلیل جلیلیش به ملکوت ابهی عروج نموده و از منتسبین
سدره تقدیس جز بقیه البها حضرت ورقه مبارکه علیا و چهار
صبایا و حرم و عم مبارک ناهرادی حضرت بها الله سایرین
کلاً به مخالفت آن هیکل وفا و مظهر عطوفت کبری قیام نموده
بودند به ایفای وظائف مقدسه خویش مألوف گردید و فردا
وحدیدا در مقابل دشمنان داخل و خارج مقاومت فرمود و به حفظ
وصیانت امرالله پرداخت

۵ - از کتاب قرن بدیع قسمت سوم صفحه ۳۵۴ سطر

۱۰ تا آخر صفحه ۳۵۵ خط آخر :

" . . . این هادم بنیان که در طلب شهرت و کسب مقام

به کمال گستاخی در مقابل حضرت عبدالبهاء اظهار داشت که بدوام و بقای خود پس از هیکل اطهر اطمینان و تضمینی ندارد مدت بیست سنه پس از افول کوکب میثاق در قید حیوة باقیماند تا خبیت آمال خویش را به رأی العین مشاهده نماید و نصرت و غلبه ثابتان بر پیمان را مشهودا علانية ملاحظه کند این خصم خصیم در نتیجه بحرانی که پس از صعود مرکز عهد الله برپا نمود از تولیت مقام اسنی و روضه مبارکه علیا محروم گردید و قصر منیعی را که در اثر غفلت و تسامح بینش بوضع تأثیر آمیزی ویران و بی سر و سامان افکنده بود بالزام تخلیه کرد و در زاویه خمول مأوی گزید تا عاقبت به فلج اعضا مبتلا شد و نیمی از بدنش از کار بیفتاد و آلام و اوجاع بر وی مستولسی گردید و در نهایت به خسران مبین و ذلت عظیم در گذشت و طبق شعائر اسلامی در جوار یکی از مراقد آن قوم دفن شد.

۶ - قرن بدیع قسمت چهارم صفحه ۱۰۷ سطر ۵ :

" . . . در ارض اقدس مرکز جهانی این نظم ابدع اقوم قلب العالم و کعبه الامم که مقر ابدی هیا کل قدسیه مؤسسین شریعت غراء و مصدر فیوضات و تجلیات ربانیه در این عصر نورانی محسوب در چنین مقام مقدس هنگام طلوع و پیدایش این نظم الهی اولین ضربه از جانب ناقضین میثاق وارد آمد و اتقان و استحکام اساس امرالله بیش از پیش بر وضیع و شریف ثابت گردید . مرکز نقض غروب بدر میثاق را مفتنم شعرد و به



قصر مبارك در بهجی

تنفيذ مقاصد دیرینه خویش امیدوار شد این بود که به معاضدت مشتی از نفوس ز اهله غافله و علی رأسهم زعیمهم الثانی بدیع الله مغرور مفتاح روضه مبارکه را به کمال شدت و حدت از پاسبان آن آستان آقا سید ابوالقاسم خراسانی آیت انقطاع اخذ نمود و بولایة امور متوسل گشت و ادعای اولویت در تولیت مطاف ملاء اعلی و قبله اهل بهاء کرد ولی طولی نکشید که در اثر احتجاجات شدید و تحقیقات کامله حاکم انگیزی از طرف مقامات رسمیه در عکا مأمور گردید مفتاح مقام مطهر را به همان خادم امین و بنده مخلص حضرت رب العالمین تسلیم نماید . اما آن عصبه غرور از این خفت و محرومیت پند نگرفتند و به وسائل دیگر متشبث شدند شاید بین اهل بهاء و ثابتان بر عهد اوفی رخنه ای ایجاد نمایند و مشروعاً تی را که پیروان مولای عظیم به تأسیس و استقرار آن مبادرت نموده بودند متزلزل سازند . (از کتاب گادپاسزبای صفحه ۳۵۵)

۷ - قصر رفیع جمال قدم که از حین صعود مبارک

بوسیله ناقضین اشغال و بلا معارض در اختیارشان قرار داشت و از فرط غفلت و بی قیدی مظمور و ویران افتاده بود از ید آنان خارج گردید و به کمال دقت تعمیر و تجدید شد و آرزوی دیرین حضرت عبدالبهاء کاملاً تحقق یافت سپس به اعانت یکی از یاران امریک در آن مقام مقدس دستگاه الکتریک نصب و آن بنای عظیم روشن و منور گردید و حجراتش که

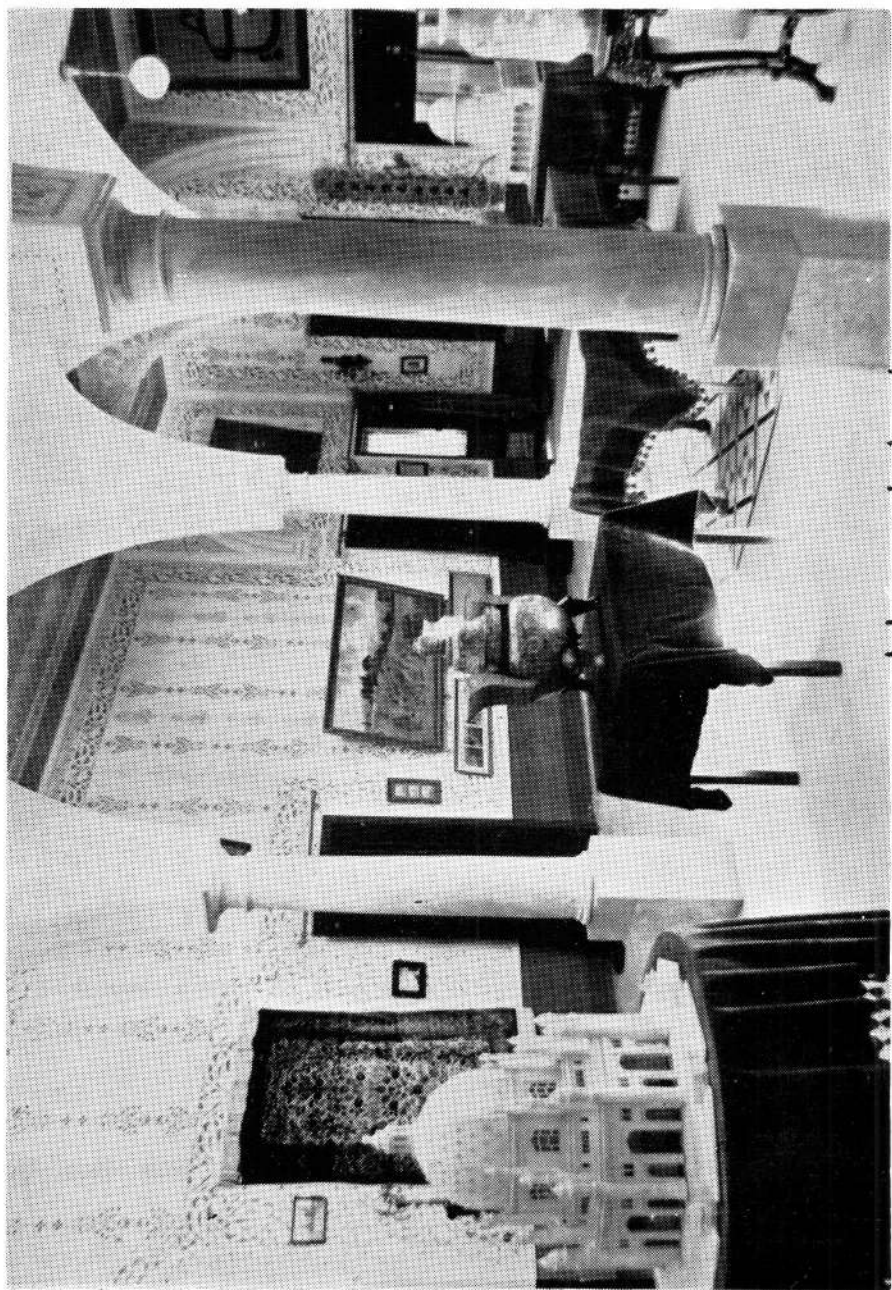
بطور کلی متروک و اشیاء و آثار نفیسه اش بجز يك شمعدان که در غرفه محل صعود مبارك موجود همگی به یغما رفته — بود مجدداً مفروش شد و به اسناد و آثار متبرکه تاریخی و گنجینه ای متجاوز از پنجهزار مجلد از الواح و بیانات مقدسه که به چهل لغت ترجمه شده بود تزئین یافت و مانند مؤسسات دیگر امریه در عکا و جبل کرمل از مالیات دولت معاف گردید و بالاخره از اقامتگاه مخصوص به زیارتگاه عمومی یار و اغیار مبدل گشت ظهور این تحولات و تغییرات بار دیگر آمال و اهواء ناقضین را که هنوز قصد اطفاء سراج پیمان حضرت بهاء الله را در دل می پروراندند به خیبت آمال مبدل ساخت .

(از کتاب گاد پاسزبای صفحه ۳۵۶)

۸ — بلا فاصله پس از آنکه آثار بنای مخروبه به خارج

حمل و در این خصوص موفقیت کامل حاصل شد به تسطیح و طراحی و طراحی اراضی و نصب درب و تزئین جوانب و اطراف روضه مبارکه که بواسطه ایجاد موانع و مشکلات از طرف دشمنان امر مدتهای مدید از داشتن مدخل شایسته محروم بود اقدام گردید . اکنون پس از عبور از اراضی و باغچه حول روضه مبارکه و صحن خارج و داخل حرم زائرین میتوانند به آستان قدس الاقداس قبلهگاه اهل بهاء تشریف حاصل نمایند .

این جریانات مقدمه آنست که بیش از سی جریب اراضی حول روضه مبارکه خریداری و آباد گردد و در مستقبل ایام بقعه



منظره داخل قصبو مبارک در بهجی

1871



باب کالیندر در حرم اقدس

مجللی که محل استقرار عرش مطهر شارع امر اعظم الهی خواهد بود در آن محل مرتفع شود .

امضاء مبارک - شوقی

(از کتاب پیام به عالم بهائی ص ۳۰ - ۲۹)

۹ - به مناسبت جشن یکصد و سی و پنجمین سال میلاد حضرت بهاء الله به جامعه های بهائی شرق و غرب اعلام میشود مذاکرات طولانی که دو سال پیش شروع شده بود به امضای قرار دادی منجر گردید که به موجب آن مقامات وزارت عمران دولت اسرائیل املاک وسیعه را که حول مقام مقدس مؤسس امر مبارک واقع و از جهت حفظ آن مقام رفیع و قصر مجاور آن برای نسلهای آینده مورد آرزو و محل حاجت ضروری بود رسماً به شعبه محفل روحانی ملی امریکا در ارض اقدس انتقال دادند مساحت این املاک که دائره مستملکات بهائی را در مرج مقدس عکا از چهار هزار به یکصد و پنجاه و پنج هزار متر مربع افزایش داده در مقابل ملکی که از طرف اولاد ذکرا الله نواده میرزا محمد قلی نابرداری با وفا و مصاحب آن حضرت در ایام سرگونی واگذار شده معاوضه گردیده است .

این عمل مبرور با مقایسه به اقدام بی شرمانه ای که از طرف افراد عاقله در مورد فروش ملک واقع در وادی اردن که به وساطت حضرت عبدالبهاء در زمان حیات و بدستور حضرت بهاء الله خریداری شده و در الواح مبارکه هم به آن اشاره

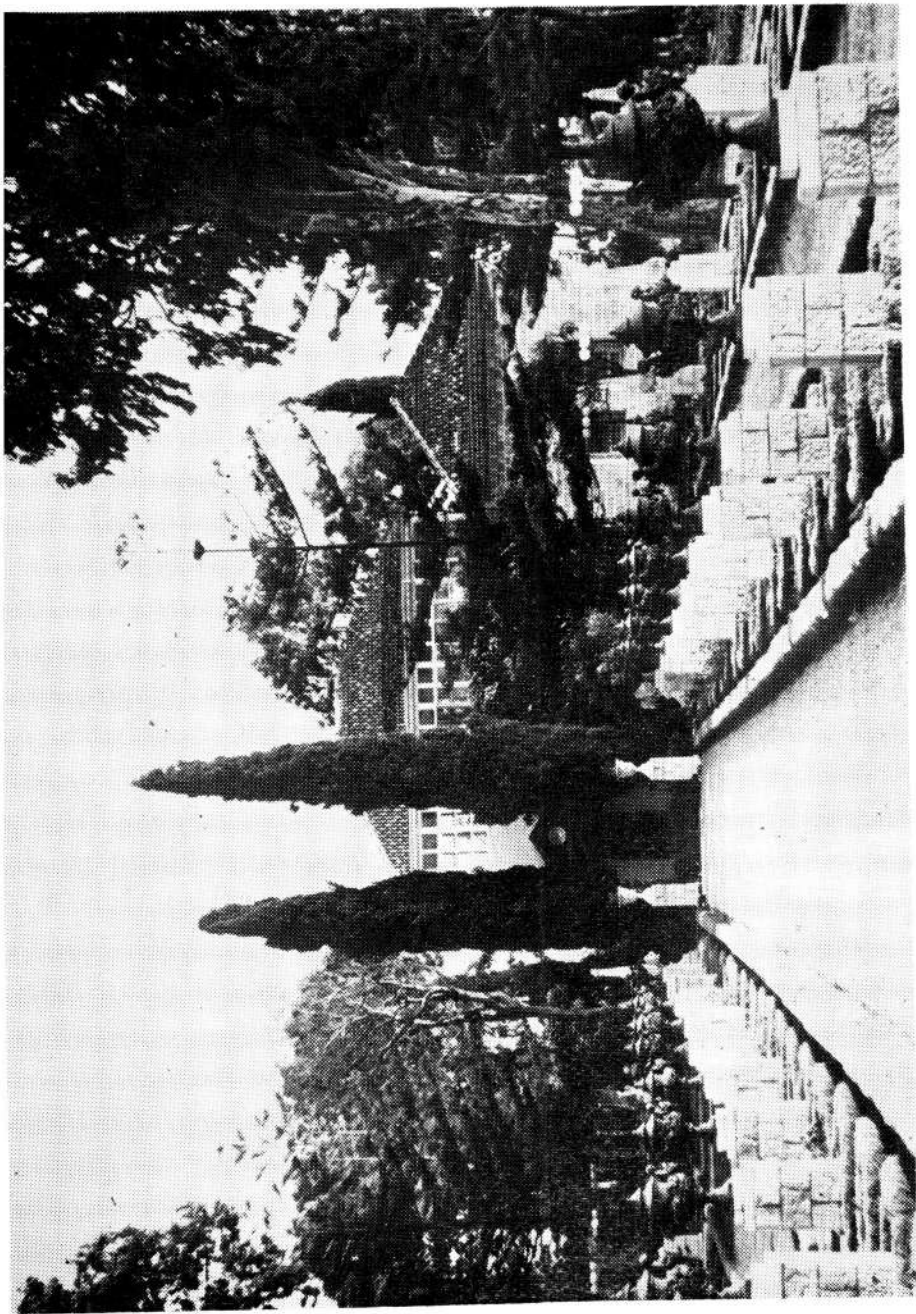
شده است فرق و اختلاف فاحش را نشان میدهد . این چهل جریب اراضی که در ضمن همین یک معامله بدست آمده تقریباً معادل تمام موقوفات بین الملی بهائی است که در ظرف مدت شصت سال در مجاورت مقام اعلی و در دامنه جبل کرمل ابتیاع گردیده است .

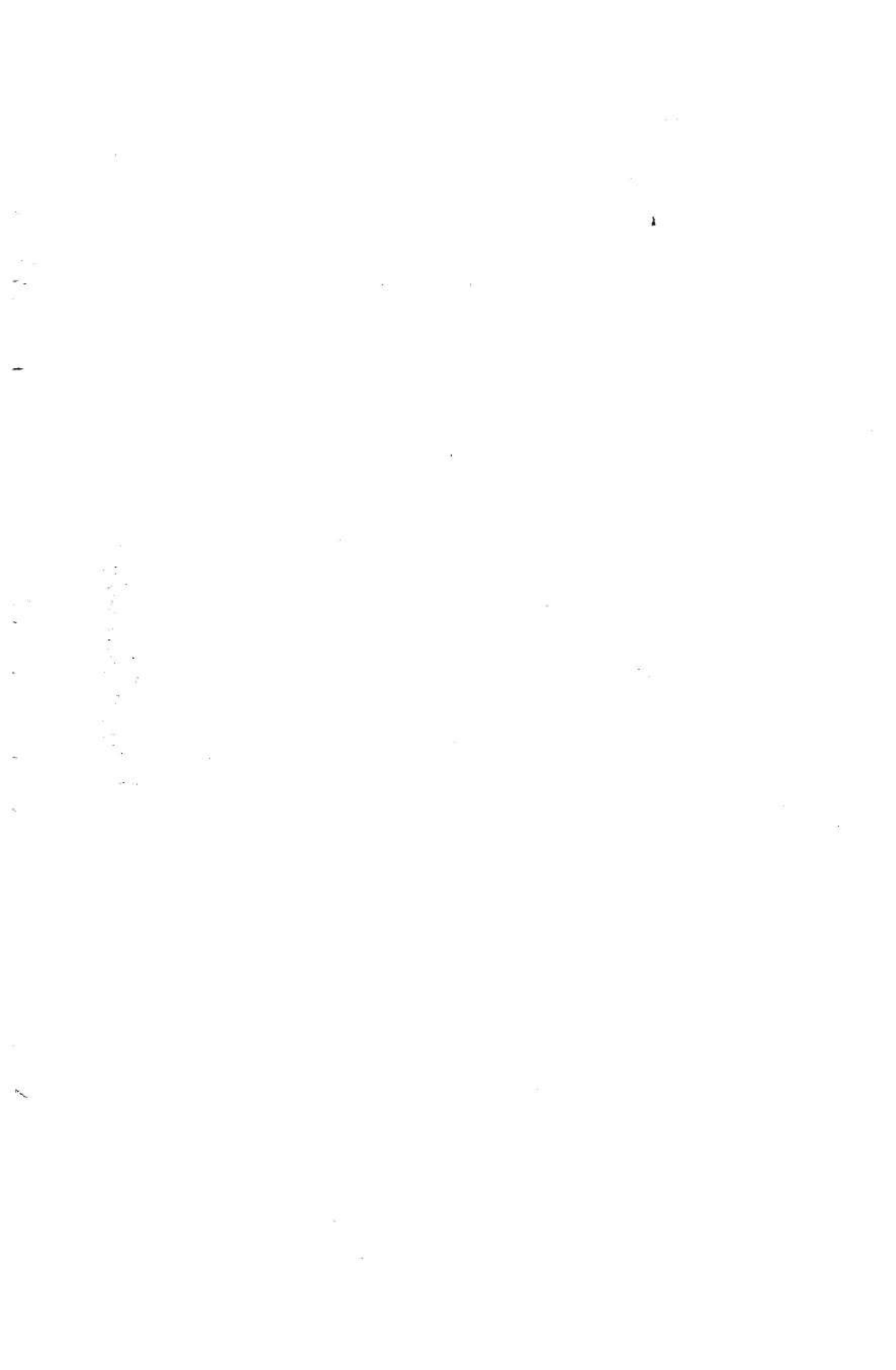
معاوضه این ملک که شامل اراضی و ساختمان است بر اثر فرار عجلانہ اعراب صاحبان سابق آن همه از حامیان قدیم ناقضین میثاق و از اعقاب دشمن لدود حضرت عبدالبهاء که جا و منزل در اختیار هیئت تفتیشیه قرار داده بودند میسر گردید .

امضای این قرار داد آغاز تسطیح و باغچه بندی و وسیع اراضی را اعلام میدارد که منظور از آن زینت و رونق بخشیدن به اطراف و جوانب مقدس ترین نقطه در سراسر عالم بهائی است که این خود مقدمه ساختمان مقام شایستهٔ حول مرقد شریف رمس اسم اعظم الهی خواهد بود نظیر آنچه که در مورد رمس حضرت باب صورت وقوع یافت .

در اینجا میل دارم از مساعی خستگی ناپذیر دو خادم صادق امر الهی لاری هاتز و لروی ایواس که با مساعی خود انجام مرحله ابتدائی این مشروع جلیل را میسر ساختند قدر شناسی نمایم . مشروعی که مقدر است در مرحله نهائی خود عظمت و شکوه مقام حضرت اعلی را بر جبل کرمل تحت الشعاع قرار

روضه مبارکه در عتقا





دهد .

۱۰ - . . . بعلاوه با اجرای دستورات صادره از طرف اولیای امور بلدی عکا منی بر انهدام يك سلسله از ابنیه مخروبه که در تصرف ناقضین بوده ضریت دیگری بر بقایای دشمنان سر سخت حضرت عبدالیهاء و ناقضین عهد اب بزرگوارش که هنوز در حوالی مقدسترین مقامات متبرکه عالم بهائی ساکنند وارد گردید و بالاخره از طرف خزانه داری کشور اسرائیل حکمی در مجله رسمی آن کشور درج گردید که بموجب آن از صاحبان کلیه ابنیه ای که در حول حرم اقدس واقع سلب مالکیت گردد و منظور از آن اخراج همین دشمنان امر از اطراف روضه مبارکه است و چون این امر پس از تخلیه قصر بهجی که مدت چهل سال در تصرف ناقضین عهد و میثاق الهی بوده صورت گیرد اراضی حول آن مقام مقدس پس از مضمی ۶۵ سال از لوٹ وجود ناقضین بالمره پاک و مطهر خواهد گردید .

(ترجمه پیام مبارک موخ آوریل ۱۹۵۷)



سوم

« و »

دوران اقامت حضرت عبدالبہا، در عکا

پس از تجدید سخن (۱۹۰۸-۱۹۰۱)

۱ - از کتاب قرن بدیع قسمت سوم صفحه ۱۱۲ سطر

۸ تا صفحه ۱۱۴ سطر ۴ :

” . . . فرمان سلطانی دایر بر تجدید سجن حضرت عبدالبهاء در تاریخ پنجم جمادی الاولی سنه ۱۳۱۹ هجری و مطابق با بیستم اوت ۱۹۰۱ میلادی ابلاغ گردید در آن روز هیکل اکرم در جشنی که به مناسبت یوم بعثت حضرت نقطه اولی جل زکرة الاعلی در بهجی برپا شده بود شرکت فرموده بودند هنگام مراجعت طی ملاقاتی که با متصرف عکا بعمل آمد مشارالیه دستورات مؤکد سلطان منی بر تجدید تزییقات و استقرار قلعه بندی سابق را که بتدریج تخفیف یافته بود حضور مبارک معروض داشت و هیکل انور از جریان امر استحضار حاصل فرمودند و معلوم گردید که از آن پس آن وجود اقدس و اخوان مجددا در حصار شهر محبوس و محصور خواهند بود این حکم محکم و فرمان صریح میبرم در بدو امر به نهایت غلظت به موقع اجرا گذاشته شد و آزادی مهاجرین به شدت محدود گردید و هیکل میثاق ایام متوالی به محل حکومت احضار و فردا وحیدا مورد استنطاق و پرسشهای مفصل قضاة و عمال حکومت واقع گشتند و چون دستور صادره به میرزا محمد علی و سایر اخوان مبارک نیز اعلام گردید حضرت عبدالبهاء فوراً برای استخلاص آنان اقدام فرمودند و سینه مبارک را به نفسه هدف سهام قرار دادند و چندی از این مقدمه نگذشت که دوستان

و مهاجرین عکا در اثر وساطت و ضمانت هیکل اطهر نزد اولیای
کشوری و لشگری آزاد شدند و بلا معارض در پی کسب و کسار
خویش رفتند و به امرار معاش مشغول گردیدند ."

۲ - از کتاب قرن بدیع قسمت سوم صفحه ۱۱۹ سطر

ششم تا صفحه ۱۲۳ آخر سطر پنجم :

" . . . بدیهی است القاء چنین اتهامات و مفتریات شدید
و ارسال لوائح شتی به مرکز حکومت خاطر سلطان مستبدی را که
در اثر آشفتگی اوضاع پیوسته نگران امور و مترصد بلوای جمهور
بود بی نهایت مشوش و مضطرب میساخت و در قلبش ایجاز
خوف و رعب عظیم مینمود این بود که بلا درنگ هیأتی جهت
فحص و تحقیق گماشته شد تا در باره لوائح شکوائیه رسیدگی
نمایند و مراتب را به مقام سلطنت گزارش کنند هیأت مزبور
به کرات هیکل مبارک را به منظور استعلام از جریان امر به محکمه
دعوت نمود و حضرت عبدالبهاء با نهایت ثبات و استقامت
و خالی از هرگونه بیم و مخافت اتهامات منتسبه را رد فرمود
و سخافت این افکار و مفتریات را ثابت نمود و در تائید دلائل
و شواهد خویش به مضامین و مندرجات وصیت نامه حضرت
بهاء الله استناد جست و مهیا بودن وجود اقدس را به اجرای
تصمیمات و اوامر حکومت اعلام فرمود و به نهایت صراحت و صرامت
اظهار داشت که اگر آن هیکل انور را در سلاسل و اغلال نهند
و یا در کوچه و بازار کشانند و مورد شتم و طعن قرار دهند

سنگسار و یا آواره، دیار کنند و در مرآی عام بدار آویزند و سینه اش را هدف رصاص سازند بکمال تسلیم و رضا به جان فشانی چالاك زهر بلیات را چون آب حیوة بنوشد و قضایای مهرمه الهیه را عطایای سبحانیه تلقی نماید و نشانه افتخار شمارد زیرا با حصول این مواهب بمولا و مقتدای خویش حضرت نقطه اولی تأسی جسته و در مصائب و رزایای آن مظلوم عالم شریك و سهیم گردیده است .

باری در اثر اقدامات ناقضین و تهدیدات و تضییقات مخالفین روز بروز بر شدت و وخامت اوضاع بیفزود و بحدی که ورود و خروج زائرین حتی ارسال رسائل متعسر گردید و ابواب رخا از هر جهة سدود شد ملاحظه این آثار و احوال و همچنین شیوع اینگونه اخبار در افواه ناس و وجود اشارات و کنایات در بعضی از جرائد مصر و شامات راجع به امکان حدوث وقایع غیر منتظره و رفتار موهن و تجاوز آمیز پاره ای از ساکنین حیفا و عکا نسبت به احباء هیکل مبارک را بر آن داشت که اکثری از زائرین را مرخص و تا چندی اجازه تشریف به ساحت اقدس را بموقع مؤخر محول فرمایند و نیز مقرر دارند که اوراق و مکاتیب بجای آنکه به ارض مقصود ارسال گردد به مقصد مصر نرسد مرجع مخصوص فرستاده شود و تا دستور مجدد در آن نقطه باقیماند بعلاوه به دوستان و منشیان خود تأکید فرمایند که نوشتجات و آثار امریه را به مرکز امنی انتقال دهند و محل

اقامت خویش را موقتا در مصر برقرار نمایند حتی محافظان و مجامعی را هم که معمولا در بیت مبارک تشکیل میگردید متوقف سازند تا بهانه ای بدست مفرضین و معاندین نیفتد مختصر کار تضيیقات و فشار در آن ایام پر انقلاب بجائی رسید که حتی دوستان و ارادتمندان آن حضرت نیز که سابقا در تشریف به محضر انورش بر یکدیگر سبقت میجستند از ملاقات هیکل اطهر خودداری نمودند مبادا بدوستی وجود اقدس متهم گردند و روزگاری مورد تعقیب مأمورین واقع شوند بدین ترتیب بیت مبارک که سالهای متمادی مرکز اجتماع و کانون خدمات و فعالیت های امری و روحانی شمرده میشد در بعضی از ایام ولیالی که افق سطوت دولتیان تیره و تار بود کاملا متروک و مهجور باقیماند و جاسوسان و مفتشان سری و جهری بکمال شدت مراقب بیت بودند و هر حرکت و اقدامی را مورد وقت و تفتیش قرار میدادند و آزادی عائله مبارکه را بکلی محدود نمودند "

۳ - از کتاب قرن بدیع قسمت سوم صفحه ۱۲۹ سطر

هفتم تا صفحه ۱۴۲ سطر ششم :

" . . . در آن اوان پرافتتان همینقدر که در امواج شدائد تخفیف حاصل می شد و از هجوم اهل رجوم اندکی میکاست دوستان و طالبان حقیقت از اوطان و اجناس و طوایف و فرق مختلفه از مسیحی و مسلمان و یهود و زردشتی و هند و بودائی

حول آن شمع انجمن رحمن و مرکز عهد حضرت منان مجتمع و از پرتو فیوضاتش مستفیض و از خوان نعمتش مرزوق و بهره مند میشدند هر صبح جمعه با وجود مشکلات و خطرات متنوعه عظیمه آن منبع جود و معدن کرم به ید مکرمت به عجزه و محتاجین و ضعفاء و ملهوفین که در بیت مبارک و حوالی آن اجتماع نموده بودند نقود عنایت میفرمود و این لطف عمیم و احسان بی دریغش به نحوی عام و مشحون از محبت و اخلاص صورت میگرفت که هیکل مبارک را ابوالفقراء و ملجاء و ملاذ بیچارگان نام نهادند هیچ امری خاطر مقدسش را از توجه به حال مستمندان باز نمیداشت و هیچ غائله و آشوبی آن مظهر رأفت کبری را از تفقد بینوایان و دلجوئی مساکین و ایتام منع نمینمود حتی از نفوسی که ملازم بستر بوده و یا از ابراز مسکنت و تقاضای مساعدت خودداری داشتند بنفسه عیادت میفرمود و آنان را مورد مهر و شفقت قرار میداد .

هنگامی که سیل جارف بلا از هر سو متتابع و تیر جفا از شش جهت متوارد هیکل مقدس در نهایت اطمینان و قرار بذیل صبر و اصطبار تشبث جستند . فرار اختیار ننمودند و در استخلاص جان نکوشیدند بلکه در غایت ثبات و استقامت در اثر اقدام حضرت رب اعلی و جمال اقدس ابهی حرکت و به کمال قدرت و عظمت در مقابل دشمنان مقاومت فرمودند و هرچه اصحاب و طائفین حول رجا و استدعا کردند که هیکل انور چندی از عکا به نقطه دیگر هجرت فرمایند مقبول واقع نگردید حتی

قونسول اسپانیا که از بستگان مدیر شرکت کشتیرانی ایطالیائی مقیم عکا بود نظر بفرط ارادت و کثرت علاقه ای که نسبت به هیکل مبارک داشت حاضر شد کشتی مخصوص در اختیار آن وجود اقدس قرار دهد و آن حضرت را به هر نقطه ای که اراده مبارک تعلق گیرد صحیحا سالما منتقل سازد ولی آنچه در این باب استدعا و تمنا نمود بل اصرار و الحاح کرد مورد موافقت مرکز میثاق قرار نگرفت و به درجه ای خاطر مبارک مطمئن و مستریح بود که علی رغم شایعات که ممکن است حضرتش را در ریا افکنده و یا به صحرای فیزان تبعید و یا زینت دار نمایند آن مظهر وقار و استقرار در بحبوحه مصائب و مشکلات به غرس اشجار و ترتیب ازهار و تنظیم باغچه بیرونی بیت مألوف بود و این معنی که حکایت از مراتب رضا و تسلیم آن مخزن توکل و تفویض مینمود موجب تحیر دوستان و مورد سخریه و استهزاء دشمنان واقع گردید تا آنکه اراده الهی فائق آمد و مشیت نافذ سبحانسی بر دفع اعداء تعلق گرفت . ابرهای تیره متواری شد و طوفان انقلاب خاموش گردید و مردمان از یار و اغیار به زیارت حضرت شتافتند و در احیان ملاقات هیکل مبارک اسمعیل آقا خادم جانفشان بیت را مأمور فرمودند از میوه همان اشجار که در ایام سختی و شداد غرس شده بود برای همان نفوس که عمل مبارک را به دیده تحیر و استغراب مینگریستند حاضر نماید و آنان را از ثمرات صبر و انقطاع پذیرائی کند . در اوائل زمستان

سال ۱۹۰۷ ناگهان به فرمان مخصوص سلطان هیأت دیگری مرکب از چهار عضو تحت ریاست عارف بیک با اختیارات تامه به عکا اعزام گردید چند یوم قبل از ورود هیأت مذکور حضرت عبدالبهاء خوابی دیدند و برای احباء نقل فرمودند که در عالم روایا مشاهده شد سفینه ای در کنار عکا لنگر انداخت و از آن سفینه طیوری چند به شکل دینامیت بپرواز آمد و در حینسی که جم غفیری از اهالی به حال اضطراب و وحشت هیکل مبارک را احاطه نموده بودند طیور مزبور حول رأس مبارک حرکت کردند و بدون آنکه دینامیت ها منفجر گردد به کشتی بازگشتند اعضا هیأت تفتیشیه به مجرد ورود دوایر پست و تلگراف را تحت نظر و اختیار خویش در آوردند و روئسائی را که نسبت به آنها ظنین بوده و یا تصور دوستی و آشنائی با حضرت عبدالبهاء در حقشان میرفت از کار بر کنار نمودند از جمله متصرف شهر را تغییر دادند و باب مخابره مستقیم با اولیای حکومت در بساب عالی گشودند و منزل و مأوای خویش را در بیوت مجاور ناقضین و همکاران صمیمی آنان قرار دادند و در حوالی بیت مبارک پلیس و مراقب مخفی بگماشتند و نفوس را از معاشرت و ملاقات آن حضرت منع نمودند و در فحص و تحقیق رویه مخصوص در پیش گرفتند و تحقیقات را از نفس مدعیان و امضاء کنندگان لوائح از مسلمان و مسیحی شرقی و غربی آغاز نمودند و اعدا را به عنوان شهود طلبیدند شاهد و شاکی نفوس واحده شدند

و مدعی و حاکم ظهیر و پشتیبان یکدیگر گردیدند .
در این هنگام که بحران به اشد وجه حکمفرما بود فعالیت
ناقضین میثاق خصوصا ناقض اکبر که در وجد و سرور و شغف
و نشاط موفور میزیست به منتهی درجه رسید بازار صحبت و
معاشرت گرم شد و بساط پذیرائی و ضیافت گسترده گردید
آن فئه ضلال اعضا هیأت را احاطه نمودند و امید و طیبید
حاصل کردند که در این وهله محکومیت حضرت عبدالبهاء
امری محتوم و مقدر و فتح و ظفر آنان اصلی محقق و مسلم است
جمعی دیگر از طبقات سافله و عناصر فرومایه نیز بدین خیال
دلخوش بودند که پس از تبعید و اخراج مهاجرین اموال
و دارائی آنان به چنگ آن قوم جهول خواهد افتاد و از این
رهگذر بهره و نوائی خواهند یافت . دایره لعن و طعن
توسعه پذیرفت و میدان دشنام و اتهام جولانگاه عوام کالهوام
گردید حتی پاره ای از فقرا نیز که پیوسته از خوان نعمت و
محبت حضرت عبدالبهاء مرزوق و متنعم بودند از خوف آنکه
مبادا روزی مورد اخذ و توقیف قرار گیرند و معرض تعقیب
و توبیخ واقع شوند هیکل مبارک را فراموش کردند .

در ایامی که اعضا هیئت تفتیشیه علی الظاهر برسیدگی و تحقیق
مشغول و در باطن بتدلیس و تفتین و تنظیم گزارشات علییه
هیکل مبارک مألوف بودند حضرت عبدالبهاء با وجود تهدیدات
و اندازاتی که در پرده و خفا از طریق قاصد و اعزام نفوس

مخصوص از ناحیه مفتشین که مدت یکماه در عکا اقامت داشتند به عمل آمد بهیچوجه راضی به ملاقات آنان نشدند و از تماس و مذاکره با آن هیئت شدیداً احتراز فرمودند و همین قضیه یعنی بی اعتنائی مبارک بیشتر موجب تعجب و تحیر ایشان و اضطراب نیران بغض و عناد آنان گردید و بر اجرای مقاصد شیطانیه و نقشه های ابلسیه خویش مصمتر و جازمتر شدند و در آن احیان که سیل بلا از هر جهت منہم و امور به شدت منقلب حتی سفینه جهت انتقال هیکل مبارک به صحرای فیزان حاضر و مستعد و بین حیفا و عکا در حرکت بود آن وجود اقدس در کمال عظمت و اقتدار سلوک میفرمودند و در اطمینان و قرارشان ادنی تزلزل و تغییری حاصل نگردید و به احبائی که طائف حول بودند فرمودند " روئیائی که دیده بودم حال تعبیرش واضح و مصداقش آشکار گردید . انشاء الله این دینامیت منفجر نخواهد شد " (ترجمه)

در خلال احوال یک یوم جمعه اعضا هیئت مجتمعا به حیفا روانه شدند و ساختمان مقام اعلی را که من دون وقفه و تعطیل در کوه کرمل ادامه داشت مورد تفتیش و بازدید قرار دادند و از استحکام عظمت بنا در شگفت ماندند و از یکی از خدام از تعداد حجراتی که در زیر ساختمان قرار داشت استفسار نمودند .

چیزی از این تحقیق و تفتیش نگذشت که روزی مقارن غروب

آفتاب کشتی که در حیفا لنگر انداخته بود بفتتا به حرکت آمد و به جانب عکا رهسپار گردید و خبر عزیمت اعضا^۱ هیأت تفتیشیه فی الفور در بین اهالی انتشار یافت و جمیع منتظر و مترصد بودند که کشتی پس از مختصر توقفی در عکا و دستگیری حضرت عبدالبهاء^۲ به طرف مقصد یعنی طرابلس غرب و صحرای فیضان که منغای هیکل مبارک تعیین شده بود حرکت خواهد نمود از استماع این خبر اهل حرم در دریای حزن و الم مستفراق و طائفین حول نالان و پیریشان و از فکر دوری و مهجوری از محضر مبارک قرین حسرت و اندوه بی پایان گشتند و هیکل اطهر در آن لحظه پر خطر در بیرونی بیت به کمال تمکین و وقار و صمیمیت و قرار فریدا و حیدا مشی میفرمودند .

در همان دقائق حساس که افکار در نهایت خلجان و قلوب در غایت اضطراب و هیجان ناگهان ملاحظه شد که نور کشتی به پیچید و سفینه مسیر خویش را تغییر داد و به جانب اسلامبول روان گردید این مطلب فوراً بساحت انور معروض و بعضی از دوستان نیز که در نقاط مختلف مراقب حرکت کشتی بودند با نهایت شتاب خود را به حضور مبارک رساندند و در حینیکه تاریخکی رو به غلظت میرفت و آن وجود مقدس هنوز در حیاط قدم میزدند این خبر مسرت بخش را تأیید نمودند و بدین ترتیب یکی از بزرگترین مخاطری که حیات پر بهای هیکل میثاق را تهدید مینمود در آن یوم رهیب مرتفع گردید و به اراده نافذ

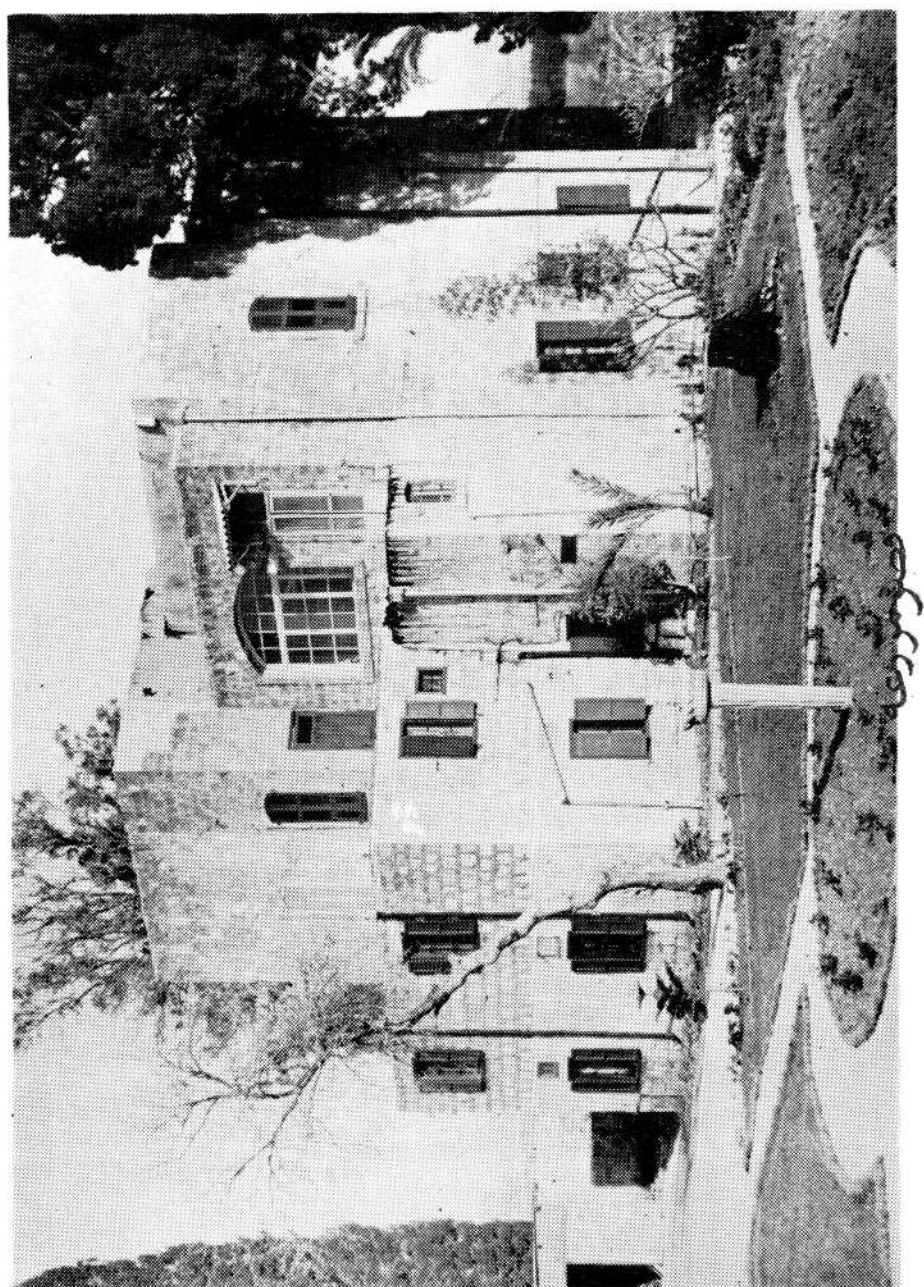
سبحانی منتفی شد و مرکز عهد و پیمان الهی از چنگال آن قوم ظلوم و جهول رهائی حاصل فرمود. باری هیئت تفتیشیه هنوز به مقصد نرسیده بود که ید اقتدار غیبی از جیب عظمت درآمد و سطوت یزدانی قدرت و قوت خویش را نمایان ساخت ارکان ظلم متزعزع گردید و بنیان جور متزلزل شد اخبار سوء قصد نسبت به شخص سلطان در جمیع بلدان انتشار یافت و معلوم و محقق گردید که عبدالحمید یوم جمعه جهت ادای صلوٰة بجامع سلطانی رفته و در حین خروج نارنجکی در سر راه او منفجر شده است. چند روز از این واقعه هائله بیش نگذشت که هیئت ظالمه تفتیشیه گزارش خود را به مقام سلطنت تقدیم نمود ولی در آن اوان امور به حدی منقلب و سلطان و اعضا دولت بدرجه ای گرفتار و سرگرم مسائل داخلی خویش بودند که فرصت تعرض و ایذاء هیکل مبارک رانیافتند و موضوع سکوت عنه باقیماند تا چند ماه بعد که قضیه مره اخری تعقیب و تجدید شد ولی این بار با بلوی و هیجان عمومی مواجه گشت و باقیام و انقلاب جوانان ترك مصادف جند الله مظفر و منصور گردید و بلایا و مشاگل عدیده بر عبدالحمید متتابع و چون زمام امور در کف آزادی خواهان قرار گرفت سلطان غدار را برآن داشتند قانون اساسی را که معلق و معوق نگه داشته بود انتشار دهد و مشروطیت را در سراسر مملکت اعلام نماید و نیز وی را ملزم نمودند زندانیان سیاسی و مذهبی را که تحت رژیم استبداد

مسجون و مطرود و مبعوض و مظلوم واقع شده بودند بتمامه آزاد
نماید و این حکم محکم قهرا شامل هیکل مبارک حضرت عبدالبهاء
میگردد ولی مأمورین و متصدیان عکا در اجرای این فرمان
تردید نمودند و تحصیل اجازه مخصوص نسبت به استخلاص
آن وجود اقدس را لازم شمردند این بود که تلگراف خاص به مرکز
حکومت در اسلا میول مخابره گردید و در این باره کسب تکلیف
شد فی الفور از مقامات مربوطه جواب مثبت دادر بر آزادی طلعت
پیمان صدور یافت و آن مرکز امر حضرت رحمن از چنگال عدو
صائل و خصم هائل نجات پذیرفت"

چهارم

قصر مزرعہ





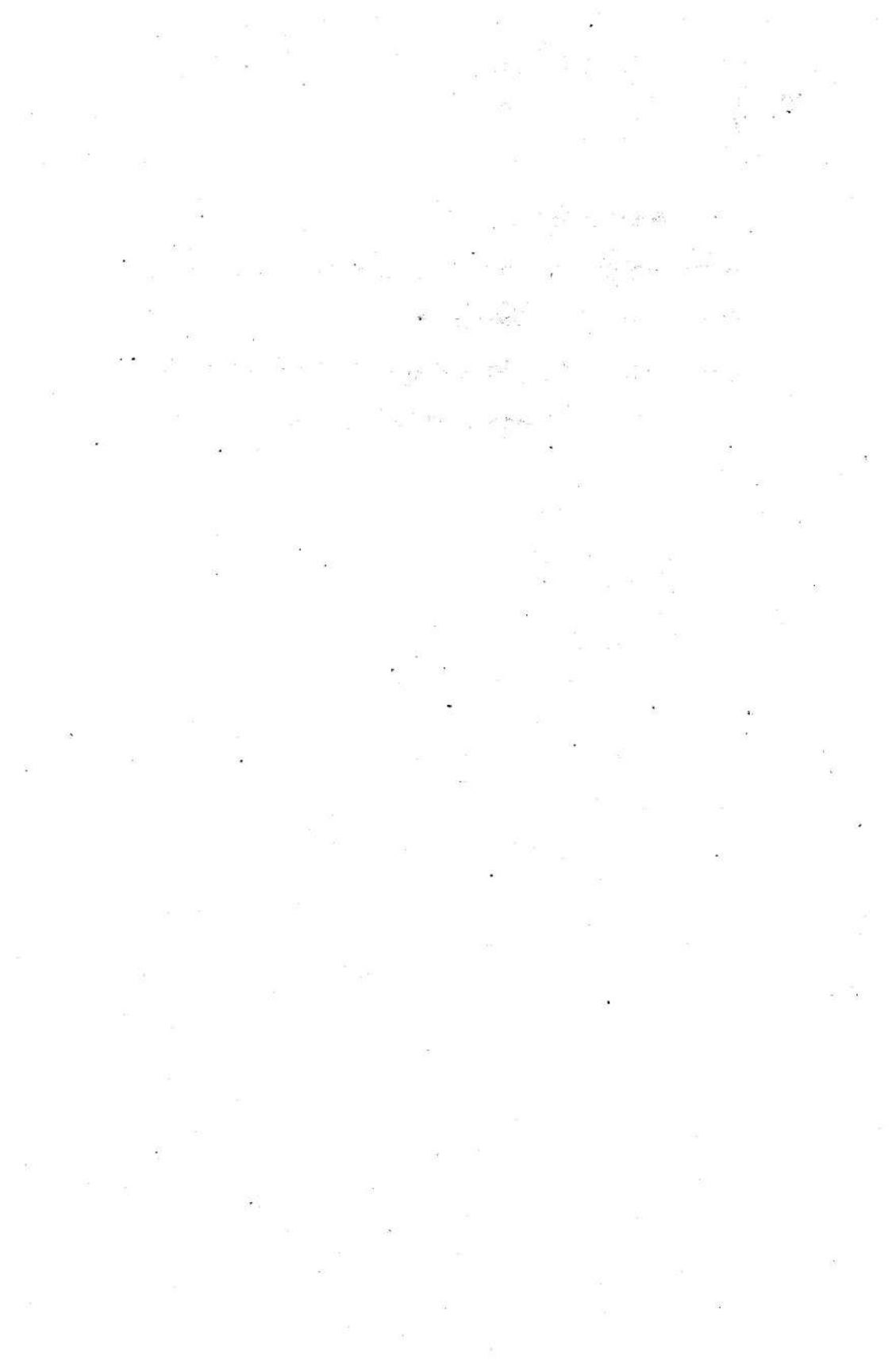
از کتاب بها^۱ الله و عصر جدید صفحه ۳۶ سطر ۱۸ تا صفحه

۳۸

... يك وقتى جمال مبارك فرمودند كه من نه سال است يك
زمین سبز ندیدم میل مبارك بسیار به سبزه و صحرا بود میفرمودند
عالم صحرا عالم ارواح است . عالم شهر عالم اجسام . از این
فرمایش مبارك فهمیدم اشاره است يك پاشای بود در عكا
محمد پاشا صفوت نام . خیلی با ما ضد بود در يك فرسخی
عكا يك قصر داشت (مزرعه) در اطراف باغستان بود بسیار
جای با صفای بود و آب جاری داشت . رفتم خانه آن پاشا
گفتم پاشا آن قصر را تواند اختی آمدی توی عكا نشسته ای ؟
گفت من علیم نمیتوانم در خارج شهر بنشینم و آنجا محل
خالی است کسی نیست كه با او معاشرت كنم من از اشاره مبارك
فهمیدم كه میل مبارك است بیرون بروند فهمیدم كه هر كاری
بكنم پیش میرود . گفتم مادام تونی نشینی آنجا خالی است
بده بما . تعجب كرد . آن پاشا خیلی تعجب كرد . از پاشا
اجازه گرفتم به قیمت خیلی ارزان در سالی پنج لیره خیلی غریب
است پنج ساله پولش را دادم بعد بنا فرستادم تعمیر كند حمام
ساختم آنجا بعد آمدم يك كالسكه درست كردم بزرگ يكروز
خودم گفتم اول بروم من همچه تنها از دروازه بیرون آمدم قراول
ایستاده بود هیچ حرفی نزد همینطور رفتم هیچ نگفت فردا
عصر رفتم به بهجی هیچكس حرفی نزد ابداء بعد يكروزی مأمورین

حکومت را مهمانی کردم از صبح تا شام عصر برگشتیم بعد
يك روزی آمدم حضور مبارك عرض کردم قصر حاضر است عرابه
هم حاضر است آنوقت در عکا هیچ کروسه نبود فرمودند من
نمیروم من محبوسم یک دفعه دیگر عرض کردم همان جواب را فرمودند
دفعه ثالث عرض کردم فرمودند نه . دیگر جسارت نتوانستم بکنم
يك شخص از اسلام بود آنجا خیلی شهرت و نفوذ داشت
او را خواستم گفتم کیفیت این است لکن حضرت بهاء الله از ما
قبول نمیکنند آن شخص محبت داشت گفتم تو جسوری برو حضور
مبارك مشرف شو دست مدار تا وعد قوی بگیری . این عرب بود
رفت مقابل دو زانوی مبارك نشست دست مبارك را گرفت و بوسید
عرض کرد که چرا بیرون تشریف نمیبرید فرمودند من مسجونم .
گفت استغفر الله کیست که بتواند شما را محبوس کند شما خود
خود را حبس کرده اید اراده خود شما چنین است حالا من
خواهش دارم بیرون تشریف بیاورید . سبز است خرم است
درختها با صفا است برگها سبز است پرتقالها قرمز است هر
چه فرمودند من مسجونم نمیشود باز دست مبارك را بوسید
بقدر يك ساعت متمادی رجا میکرد بعد فرمودند خیلی خوب
فردا سوار کالسکه شدند منم حضور مبارك بودم از شهر بیرون
آمدیم هیچکس هیچ نگفت رفتیم مزرعه من برگشتم دیگر یا در
مزرعه تشریف داشتند یا در عکا تشریف داشتند یا در حیفا
یا در صحرا تا دو سال در آن محل خوش با صفا تشریف داشتند

بعد قصد فرمودند که به محل دیگر بهجی نقل کنیم یـک
ناخوشی در بهجی پیدا شد و صاحب قصر با جمیع عائله
مریض شدند فرار کردند و حاضر بود که خانه را بی اجرت
بدهد ما خانه را به قیمت ارزانی اجاره گرفتیم و در آنجا
ابواب عظمت و سلطنت حقیقی گشوده شد . *



پنجم

حیفا

الف

کوه کرمل



۱ - از کتاب قرن بدیع قسمت دوم صفحه ۲۵۵ سطر

۹ تا سطر اول صفحه ۲۵۶ :

"... در همان سنه "خیام عز" در صفا جبل کرمل "کوم
الله و کرم الله" مقام ایلیا منصوب شد و "خبا" مجد "در کوه
مقدس که اشعیای نبی آن را "جبل الرب" نامیده و بسوی
آن "تمامی طوائف روانه خواهند شد" مرتفع گردید مدینه
حیفا چهار بار بقدم جمال اقدس ابهی زینت یافت و نویت
اخیر اقامت مبارک در آن مدینه منوره سه ماه بطول انجامید
و خیمه و خرگاه آن طلعت ازلیه با نهایت حشمت و عظمت
در مجاورت دیر افراشته شد و لوح مقدس کرمل کاشف اسرار
الهیة و بشارت دهنده، تأسیسات جلیله بدیعه از سما مشیت
مالک البریه "صاحب الکریم" نازل گردید. در مورد دیگر در
حینی که ارکان عرش قدم در دامنه کوه مستقر بود نقطه
مقدس را که میبایستی بعدا مقام ابدی حضرت رب اعلی
در آنجا مرتفع و بقعه مبارکه نورا، بوضع بدیع و اسلوب منیع
تأسیس شود به حضرت عبدالبها، ارائه فرمودند.

۲ - از کتاب قرن بدیع قسمت سوم صفحه ۱۶۲

سطر چهار تا آخر صفحه ۱۶۶ :

"... با انتقال عرش اطهر حضرت نقطه اولی به کوه کرمل
و استقرار آن رمس منور در آن جبل مقدس نقشه ای که به
نهایت عظمت در اواخر حیات مبارک حضرت بها، الله تنظیم

و به مشیت نافذه الهیه ترسیم شده بود تنفیذ گردید و مساعی و زحمات بی شمار مرکز عهد و پیمان الهی بتاج موفقیت کبری متوج شد و بقعه مقدسه علیا مطاف ملاء اعلى که به فرموده مبارک حضرت عبدالبهاء ترابش مطلع الهام و پس از روضه مبارکه جمال اقدس ابهی اعلى و اشرف مقامات مقدسه عالم بهائى محسوب است بطور ابد در صفح جبل رب مرتفع گشت و آن مرکز بهی الانوار در ارض میعاد که از اول لا اول معزز و در کتب و صحف سماویه به ابداع از کار معروف و موصوف بوده به طراز منبع تأسیس گردید . این مقام مقدس وجهش بسوی مدینه منوره عکا و روضه مبارکه علیا قلب العالم و قبله الامم متوجه در یسارش مقر حضرت ایلیا و در یمینش اتلال خلیل مهد مسیح صبیح در خلفش جلگه شارون و در دامنه اش کفنی زهاد آلمانی که از ایام مقارن اظهار امر جمال منیر ابهی در مدینه الله لانه و گاشانه خود را ترك نموده و در انتظار " مجئ رب " به این صفح مقدس ملتجی گردیده اند واقع می باشد . پس از ارتفاع مقام تحولات حاصله از تکمیل و تشیید آن بقعه مبارکه نورا و ایجاد حدائق غلباء و تحصیل اراضی موقوفه وسیعه و استقرار مضاجع منوره مراقد مخدره کبری ام حضرت عبدالبهاء و حضرت غصن الله الاطهر و حضرت ورقه علیا ثمره ازلیه سدره منتهی در جوار آن مکن اسنی شطری از عظمت و جلال و شهنشرت و کمال آن روضه غنا و محط رحال ملاء اعلى را ظاهر و آشکار

ساخت و رشحی از رفعت و امتناع مقصد اعز ابهائی را که علت
بعث و پیدایش این مقام اقدس اعظم بوده باهر و پدیدار
گردانید حال چون به مرور ایام تأسیسات بهیه و مشروعات
جليله و معاهد عظیمه طائف حول این مرکز اداری جهانی اهل
بها^۱ ایجاد گردد قوای مکنونه منبعث از آن مقصد قدسیه و
لطیفه ربانیه از حیز غیب قدم به عرصه شهود خواهد گذاشت
و این مصدر الطاف الهی و مشرق آیات سبحانی علی رغام
تشبثات دشمنان و هجمات عنیفه اهل طغیان بر منزلت و مکانت
خواهد افزود تا آن که شوکت و عظمت بالغه اش واضح گردد و—
قدرت و عزت کامله اش در انظار عالم و عالمیان مشرق و نمایان
شود . لسان قدم در الواح و صحائف مقدسه بذکر شئون و مقامات
منیعہ آن جبل الهی و کرم اعظم یزدانی مألوف و در لوحی مخصوص
که به اعزاز آن مطالع انوار از سما^۲ اراده^۳ طلعت مختار نازل
این خطابات عالیات مدون و مسطور قوله البدیع^۴ یا کرمـل
انزلی بما اقبل الیک وجه الله مالک ملکوت الاسماء^۵ و فاطـر
السما^۶ . . . طوبی لک بما جعلک الله فی هذا الیوم مقر عرشه
و مطلع آیاته و مشرق بیناته طوبی لعبد طاف فی حولک و ذکر
ظهورک و بروزک یا کرمـل بشری صهیون قولی اتی المکنون بسلطان
غلب العالم و بنور ساطع به اشرقـت الارض و من علیها ایاک
ان تکنونی متوقفا فی مقامک اسرعی ثم طوفی مدینه الله التـی
نزلت من السما^۷ و کعبه الله التی کانت مطاف المقربین و المخلصین

والملائكة العالین . . .

۳ - بموجب نقشه ای که حضرت عبدالبهاء طرح

فرموده بودند اراضی مجاور مقام تسطیح و طبقاتی چند جهت اتصال مدینه به آن بقعه نورا احداث و حدائق کشیده در اطراف مقام تأسیس شد و آن روضه علیا زیارتگاه یار و اغیار و محل توجه اهالی و سیاحان واقع گردید . این اقدامات و مشروعات کل مدل بر بسط و توسعه شگفت انگیز مؤسسات و موقوفات بین المللی بهائی در مرکز جهانی امرالله میباشد .

۴ - از کتاب قرن بدیع قسمت سوم صفحه ۳۳۷ سطر

۱۱ تا صفحه ۳۳۸ سطر ۳ :

" . . . انشاء تأسیسات و مشروعات بهیه بدیعه در صفح جبل کرمل و اتساع مدینه حیفا و اتصال آن مدینه به مدینه منوره عکا و تشکیل واحد عظیمی که مقر اداری و مرکز روحانی اهل بهاء را در آغوش خواهد گرفت . . . "

۵ - از کتاب بهاء الله و عصر جدید صفحه ۲۵۷ تا

آخر سطر ۱۸ :

" . . . منظره مسافرخانه بسیار منشرح است علی الخصوص مقابل روضه مبارکه واقع شده در آینده مسافت بین عکا و حیفا آباد شود و این دو شهر متصل به یکدیگر شوند از اتصال این دو نقطه یک مدینه عظیمی شود چون این فضا را ملاحظه کنم واضحا می بینم این نقطه یکی از مراکز تجارتی نمره اول عالم

خواهد شد و این ساحل که به شکل نصف الدایره است
قشنگترین اسکله ای شود و کشتیهای ملل در آن ملجاء و پناه
گیرند سفن عظیمه عالم هزاران هزار رجال و نساء را از جمیع
اقطار کره ارض به این اسکله وارد کنند کوه و دشت به عمارات
و قصوری به طرز جدید مزین شود دارالصنایع گردد و مراکز
و ملاجی خیریه تأسیس یابد ازهار مشک بیز مدنیت و تهذیب
ملل در این نقطه نشو و نما کند و نفحاتش با یکدیگر آمیزش
جوید شاهراه اخوت انسانی را نورانی کنند در جمیع اطراف
بساطین و حدائق چمنستانها و منتزهات بسیار با صفا
در نهایت ظرافت ترتیب یابد . این مدینه عظیم شبها از
چراغهای کهربائی يك قطعه نور گردد و ساحل عکا و حیفا
جمیعش يك خیابانی نورانی شود مصباحهای بزرگ نورافشان
در دو سمت کوه کرمل برای هدایت کشتیها نصب شود خود
کوه کرمل از سرتا پا غرق دریای انوار گردد شخصی که برقله
کوه کرمل ایستاده باشد و تماشای ورود مسافرین از کشتیها
کند منظر عجیبی بیند و سیر غریبی نماید که در عالم مثل ندارد
از تمام اطراف کوه ضجیح یا بهاء الابهی به عنان آسمان رسد
و نغمات موسیقی جانبخش دلر با در اسحار توأم با اصوات
و آواز به عرش اعلی رسد

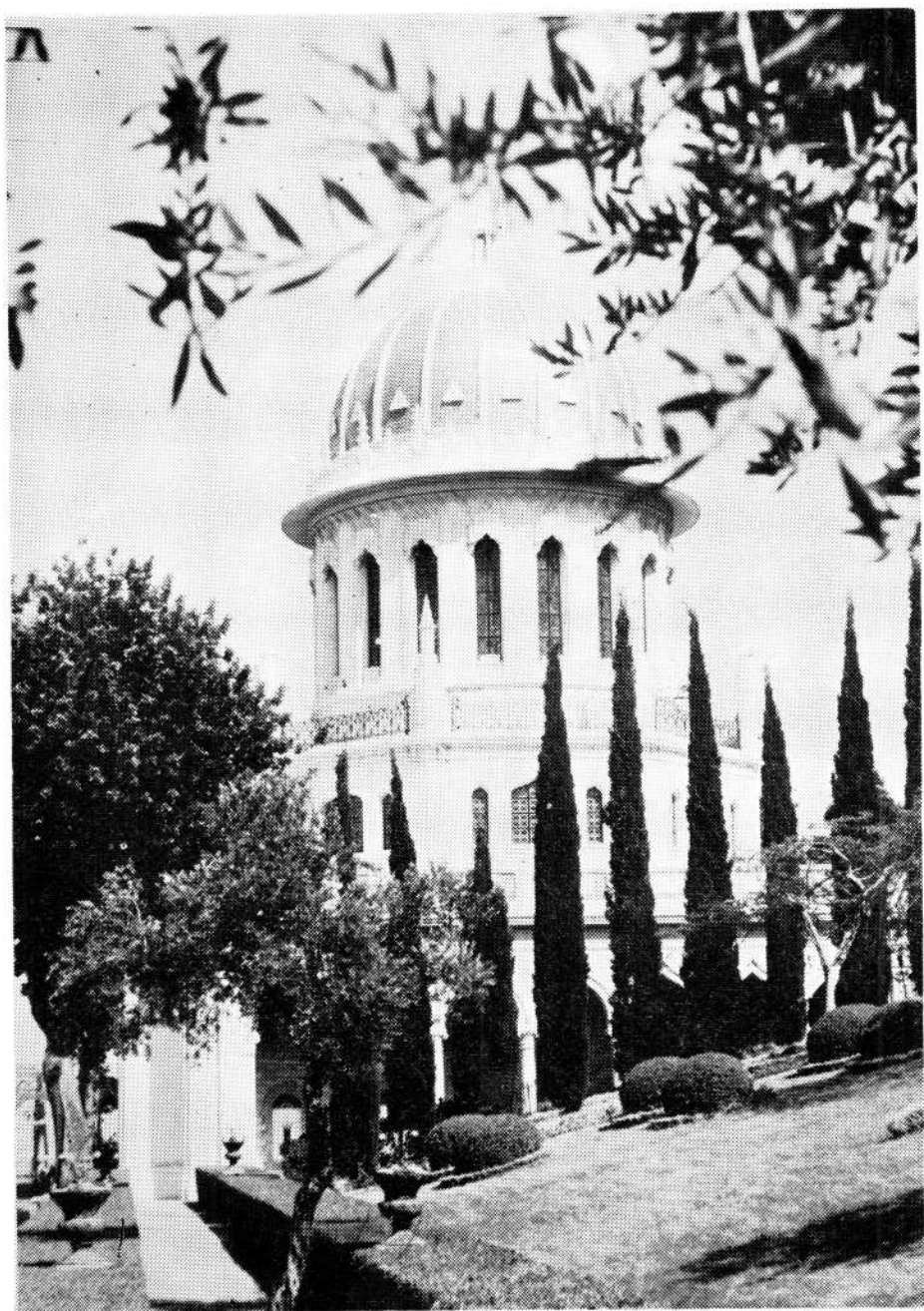


پنجم

ب

مقام اعلیٰ





مقام مقدّس اعلیٰ

۱ - کتاب قرن بدیع قسمت سوم صفحه ۱۵۳ :

" . . . در همان سنه که این ودیعه نورانیه به سواحل ارض مقدس واصل و تسلیم مرکز عهد الهی گردید طلعت میثاق در حالی که دکتر ابراهیم خیر الله فاتح امریک افتخار حضور داشت به جانب بقعه ای که به قدوم جمال اقدس ابهی مزین و برحسب مشیت نافذه و دستور صادره از م اطهر مهیا شده بود حرکت فرمود و حجر زاویه بنائی را که بایستی صد ف آن لو، لو، لا لا قرار گیرد بدست مبارک خویش بنهاد و چند ماه بعد ساختمان آن مقام منبع آغاز گردید و نیز مقارن همان ایام صندوق مرمی که از طرف احبای مخلص و جانفشان رنگون مخصوص استقرار عرش انور اهدا، گشته بود مطابقا لتعلیماته المطاعه تکمیل و به ساحت اقدس ارسال شد . . . "

۲ - از کتاب قرن بدیع قسمت سوم صفحه ۱۴۵ -

۱۴۶ - گاد پاسزبای صفحه ۲۷۳ :

ظرف چند ماهی که از صدور فرمان تاریخی دایر بر استخلاص طلعت عهد الهی گذشت و در همان سالی که سقوط سلطان عبدالحمید صورت گرفت (۱۹۰۹) " همان قوه غالبه محیطه که غصن اعظم ابهی را بحفظ حقوق و اختیارات منصوصه الهیه موفق ساخت و به استقرار شریعت ربانیه در خطه امریک تأیید نمود و بر سلطان جائر خصم الد آئین نازنین فائق و غالب آورد وجود مبارکش را ظهیر و نصیر گردید تا بحبوحه، بلایا

مقام مقدس‌اعلی یکی از بدیع‌ترین و شاخص‌ترین مشروعات ایام قیادت خویش را علی‌رغم ناکثین پیمان و هادمین امر حضرت رحمان مرتفع و رمس اقدس و هیکل امنع‌الطف حضرت نقطه‌اولی را از ارض طاء به ارض میعاد منتقل نماید مکرراز فم اطهر مرکز میثاق مسموع گردید که میفرمودند انتقال آن جسد منور به صغج جبل کرمل و تأسیس مقامی شایسته و مجلل برای حفظ آن ودیعه الهیه و استقرار آن امانت رحمانیه بدست مبارک در آرامگاه ابدی خود یکی از مآرب و مقاصد مقدسه ثلاثه‌ای بوده که آن منادی ملکوت از آغاز دوره خدمت و رسالت خویش در مد نظر داشته و اجرا آن را از اعظم وظائف مبرمه محتومه خود می‌شمرده است. این است که تحقق این مقصد اعزاسنی را میتوان یکی از مشروعات مهمه و تأسیسات و حوادث جسیمه قرن اول بهائی محسوب داشت.

۳ - کتاب قرن بدیع قسمت سوم صفحه ۱۵۵ تا صفحه

۱۱۶۲) گاد پاسزبای صفحه ۲۷۶ - ۲۷۵ :

" اولین مشکل مهم در اجرا این مقصد جلیل تدارک محل جهت ارتفاع مقام بود که مالک حریص و طماع آن تا مدت مدید بر حسب تحریکات ناقضین و تسویلات مغلین از فروش آن امتناع میورزید. دیگر مسأله خرید اراضی جهت احداث طریقسی به مقام که از لحاظ ساختمان امری لازم و ضروری محسوب میگردید و صاحب زمین مبالغ‌باهظه ادعا میکرد به نحوی که



وجود اطهر با صرف اوقات پر بهائجبور بودند مدتها ساوی به گفتگو و مذاکره پردازند . دیگر ایرادات و اشکالات بی حد و حصر عمال حکومت و ولایة امور از عالی و ادانی که حضرت عبدالبهاء میبایست با ادای توضیحات و سپردن تعهدات کلیه اشکالات و موانع را بر طرف و افکار مشوش و منحرف آنان رامطمئن و مستریح نمایند . دیگر وضع مخاطره آمیزی که در اثـر القات و مفتریات مرکز نقض و اعوان وی نسبت به منظور و مقصود از احداث این بنا در اذهان تولید گشته و حیات هیکل مبارک را تهدید مینمود دیگر تعویق و تأخیری که در نتیجه غیبت طولانی و الزامی آن وجود مقدس از حیفا در امر ساختمان پیش آمد نموده و طلعت انور را از نظارت و سرپرستی مستقیم در این کار عظیم باز میداشت این موانع و محظورات از جمله مسائل و مشاکلی بود که در سبیل تحقق این مقصد اعز اعلی موجود و آن حافظ و دیعه رحمانیه میبایستی در آن لحظات حساس و خطیر بر یک یک از آنها فائق آمده و راه را برای تنفیذ نوایای مقدسه صاف و هموار فرماید . چه بسیار که از لسان مبارک شنیده میشد که میفرمودند " هر سنگی از سنگهای مقام و راهی که به آن بقعه مقدسه منتهی میگرددید با اشک چشم و مصائب و مصارف لا تحصی برداشته شده و در جای خود برقرار گردیده است " (ترجمه)

یکی از دوستان که ناظر اوضاع و احوال آن ایام بوده نقل میکند که هیکل مبارک فرمودند " یک شب چنان خود را در دریای

احزان و آلام مستغرق و ابواب را از هر جهت سدود و مستفلق
یافتم که جز توسل بدعا و تشبث بذیل کبریا چاره ای ندیدم
این بود که تمام لیل را به تلاوت زکری که از حضرت نقطه اولی
داشتم پرداختم و از ترتیل آن آیات اطمینان قلب و راحت
خاطر یافتم فردای آن شب صاحب زمین بنفسه آمد و عذرخواهی
کرد و شخصا تقاضا و استدعا نمود که ملکش را خریداری نمایم
(ترجمه)

باری پس از ده سال مصائب و متاعب بیکران و دسائس و تفتینات
اعداء داخل و خارج مرکز میثاق موفق گردید در همان سنه که
خصم الد امرالله از مقام سلطنت مخلوع شد و اولین مؤتمـ
ر ملی بهائی امریک برای انتخاب هیئت تنفیذیه و تمشیت امور
مشرق الاذکار آن ارض در مدینه شیکاگو تشکیل گردید امر
خطیر و عظیمی را که مبادرت فرموده بود بسر منزل مقصود
برساند و امانت الهیه را به محل معلوم و مرکز معهود بسپارد
و این اقدام منیع در تاریخ بیست و هشتم ماه صفر ۱۳۲۷ هجری
(مطابق با ۲۲ مارس ۱۹۰۹ میلادی) در یوم نوروز و عید
سعید فیروز اولین عیدی که هیکل مبارک پس از خروج از حبس
برپا داشته بودند صورت گرفت و آن وجود اقدس در آن یوم
مکرم عرش مطهر را باز حیات بسیار به مقام اعلی که قدس الاقداس^{مش}
را در بحبوحه انقلابات ناقضین و مفتشین بید قدرت تبیان
فرموده بود منتقل ساخت و شب هنگام در روشنائی سراج

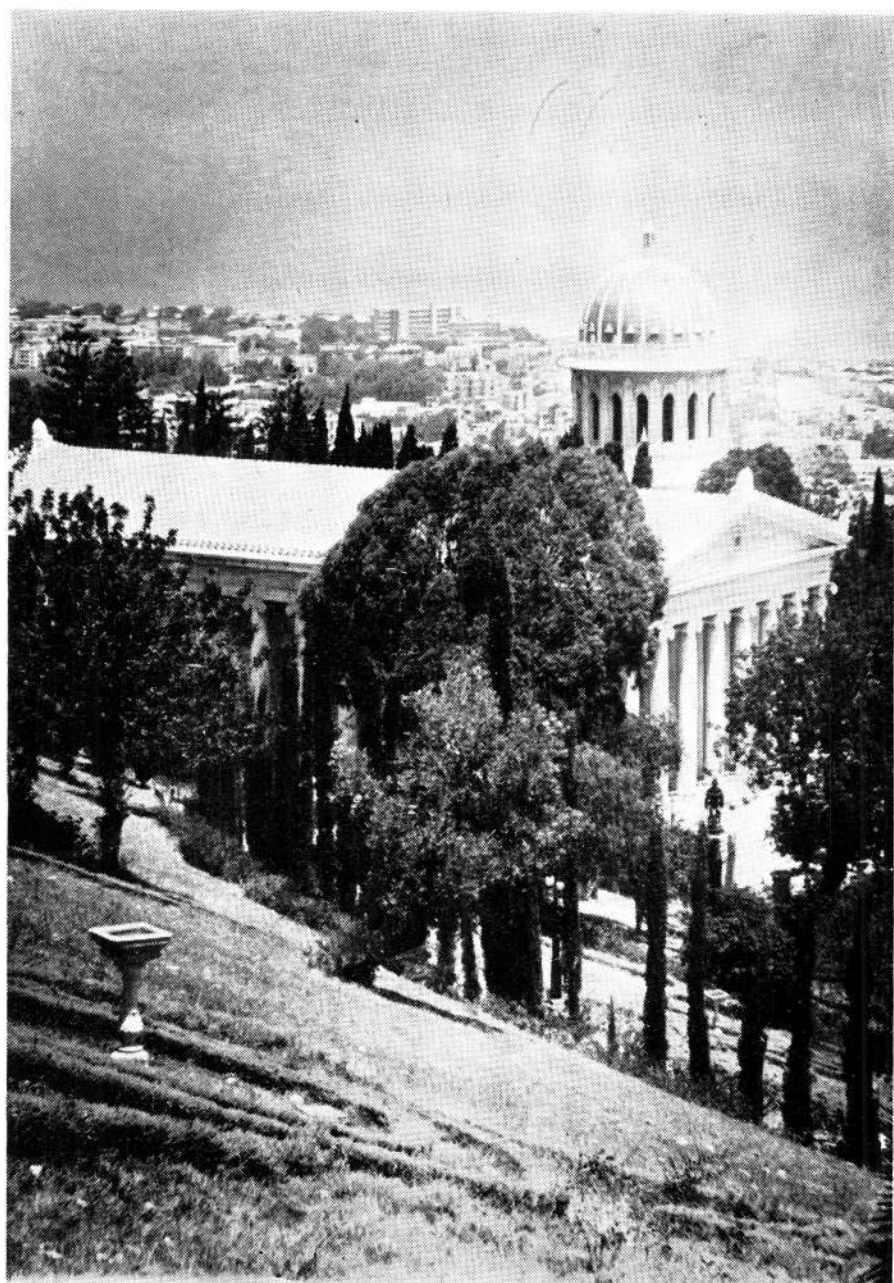
واحد در حضور جمعی از یاران شرق و غرب با وضعی مهیمن و موثر تابوت مرمر حامل هیكل مقدس را بدست مبارك در قلب آن ضریح منور و مضجع معنبر قرار داد و چون این امر به کمال احترام و احتشام اختتام پذیرفت و عنصر اعز الطف حضرت اعلیٰ به تائیدات غیبیه و توفیقات صمدانیه آمنا سالما محفوظا محروسا در مقر ابدی خویش در آغوش جبل مقدس رب استقرار یافت حضرت عبدالبهاء که تاج مبارك را از سر برداشته و کفشها و لباده مبارك را به يك سو نهاده بودند به جانب تابوت خم شدند و در حینی که شعرات نقره ای فام آن طلعت نوار در حول رأس منیر پریشان و چهره مبارك مشعشع و درخشان جبین را بر کنار صندوق قرار داده با صدای بلند شروع به گریه نمودند بطوری که حاضرین از تأثرات و احزان قلبیه هیكل اطهر به ناله و حنین در آمدند و آن شب از کثرت تألمات و خلجان احساسات خواب از دیدگان مبارك متواری گردید . پس از انجام این امر جلیل و مقصد رفیع توقیع مقدسی از یراعه عظمت مرکز میثاق نازل و حصول این موفقیت جدید و موهبت حضرت رب مجید را به دوستان الهی و یاران یزدانی بشارت فرمودند . قوله العزیز :

" ای یاران الهی بشارت کبری این که هیكل مطهر منور مقدس حضرت اعلیٰ روحی له الفداء بعد از آنکه شصت سال از تسلط اعداء و خوف از اهل بغضا همواره از جایی به جایی نقل

شد و ابدًا سکون و قرار نیافت به فضل جمال ابهی در یوم
نیروز در نهایت احتفال با کمال جلال و جمال در جبل کرم
در مقام اعلی در صندوق مقدس استقرار یافت . . . از تصادفهای
عجیب آنکه در همان روز نوروز از شیکاگو تلگرافی . . . رسید
مضمون اینکه از هر شهری از شهرهای امریک احباء بالنیابه از
خود مبعوث انتخاب نمودند . . . و قرار قطعی موقع مشرق -
الانکار و بنیانش دادند . . .

۴ - گاد پاسزبای صفحه ۲۷۲ - ۲۷۶ :

" با انتقال عرش اطهر حضرت نقطه اولی که با ظهور مبارکش
رجعت ایللیای پیغمبر مصداق پیدا نمود و با استقرار مـس
هر دو در کوه کرم نزدیک غار ایللیای پیغمبر نقشه ای که به
نهایت عظمت در اواخر حیات مبارک حضرت بهاء الله تنظیم
و تنفیذ گردید با مساعی و زحمات بیشمار مرکز عهد و پیمان
الهی بهتاج موفقیت کبری متوج شد و بقعه مقدسه علیا مرکز
نور و قدرت الهی که بفرموده مبارک حضرت عبدالبهاء ترابش
مطلع الهام و پس از روضه مبارکه جمال اقدس ابهی اعلی و اشرف
مقامات مقدسه عالم بهائی محسوب است بطور ابد در صفح
جبل رب مرتفع گشت و آن مرکز بهی الانوار در ارض میعاد که
از اول لا اول معزز و در کتب و صحف سماویه به ابداع انکار
معروف و موصوف بوده به طراز منیع تأسیس گردید این مقام
مقدس که در عین شکوه و جلال و سادگی در قلب کرم " کرم



منظره مقام اعلی و دارالآثار بین المللی از کوه کومل



الهی " قرار گرفته در یسار ش غار ایلیا و در یمینش اتلال جلیل در خلفش جلگه شارون و در مقابلش مدینه منوره عکا و کوی دورتر روضه مبارکه علیا قلب العالم و قبله الامم قرار دارد و مشرف بر محل سکونت جماعت مذہبی تمپلار که در ایام مقارن اظهار امر جمال منیر ابہی در بغداد (۱۸۶۳) بنا بہ نبوت محیی رب لانه و کاشانه خود را ترک نموده در دامنه این کوه مقدس اقامت گزیدند . با ارتفاع مقام حضرت باب کہ با مساعی دلیرانه و قدرت قاهره مستقر گردید (در حول آن ملاء اعلیٰ بہ تسبیح و تہلیل مشغولند " (ترجمہ)

وقایع حاصله از قبیل توسعه آن بقعه مبارکه نورا و تزئین اطراف و جوانب آن و تحصیل اراضی موقوفه وسیعہ در حواشی و استقرارش در قرب مراقد منوره حضرت حرم و بنت و ابن حضرت بہاء اللہ همه اینها شہادی است مبین بر اینکه با گذشت سالہا بر عظمت و جلال آن مقام مقدس متناسب با مقصد اعلائی کہہ برای آن بوجود آمده افزوده خواهد شد حال چون بہ مرور ایام تأسیسات متعدده در حول این مراکز اداری جامعہ جهانی آیندہ امر بتدریج ایجاد گردد قوای مکنونہ منبعث از آن مقصد قدسیہ و لطیفہ ربانیہ از حیز غیب قدم بہ عرصہ شہود خواہد گذاشت و با قدرتی مقاوم ناپذیر این مؤسسات الہی رونق و شکوہ دائم التزایدی پیدا خواہد نمود تا اینکه قدرت و عظمت و کمال آن در انظار عالمیان مشہود و عیان گردد "

۵ - از لوح مبارک نوروز ۱۰۸ بدیع صفحه سوم :

" دایره اولی کره ارض عالم ادنی و در قلب این کره ارض اقدس
قلب العالم و قبله الامم لانه و آشیانه انبیا و در قلب این ارض
کرم الله کوه خدا جبل الرب مقام حضرت ایلیا و در قلب این
جبل حرم اقدس اراضی متسعہ موقوفہ آن مقام مقدس و در قلب
این حرم فردوس ابھی و جنۃ علیا حدائق وسیعہ متعدده تابعہ
آن مقر اسنی و در قلب این فردوس بنیان بدیع رفیع البناء مقام
اعلی و در قلب این مقام کہ بہ منزلہ صد فاست لو لو لا اقدس
الاقداص ضریح مطہر کہ حجرات آن در یوم میثاق تشیید گشتہ
و در قلب این ضریح و گوهر گرانبہا مقر اعز اسنی و در قلب این
مقر تابوت مقدس کہ بفرمودہ حضرت عبدالبہاء در قرآن مصرح
و کتاب اللہ بہ آن بشارت داده و در قلب این تابوت سکینۃ اللہ
رسم معنبر منور معطر رب اعلی و نقطہ اولی . . . در بیگان
تأثیر و نفوذ تراب منتسب بآن مضجع منور از قلم میثاق در حین
تسمیہ ابواب خمسہ آن مقام مقدس در لوحی مخصوص این کلمات
دریات نازل " هذا ما الہمنی تراب مطاف ملاء الاعلی "

پنجم

حیفا

ج. مقام حضرت عبدالہیاء

۱ - صفحه ۳۲۸ از کتاب قرن بدیع قسمت سوم خط

سوم تا صفحه ۳۲۹ :

" . . . به مجرد ورود به بقعه مبارکه عرش مقدس روی میسر
ساده ای مجاور مدخل شرقی مقام قرار داده شد آنگاه نه نفر
از خطبا مرکب از نمایندگان ملل مختلفه اسلام و مسیحی و یهود
از جمله مفتی حیفی در مقابل معشر کثیره مشایعین به ادای
خطابات پرداختند و در ذکر این رزیه کبری و بیان اوصاف
و نعوت آن مظهر فضل و تقی داد سخن دادند و پس از ختام
خطابات تعزیت مندوب سامی فلسطین قدم پیش نهاد و بسا
نهایت احترام و تعظیم در حالی که روبه مقام اعلی داشت در
کنار عرش مبارک بایستاد و آخرین تودیع خویش را نسبت به
هیکل اقدس بعمل آورد و سایر اجزاء حکومت نیز بهمین قرار
اظهار ادب و احترام نمودند سپس عرش انور به یکی از غرفه‌های
مقام منتقل و به کمال تجلیل و تکریم در مضجع ابدی خود در جوار
ضریح مقدس حضرت رب اعلی نقطه اولی مستقر گردید . . . "

۲ - از کتاب قرن بدیع قسمت چهارم صفحه ۷۶ :

" با استقرار عرش مظهر حضرت عبدالبهاء در زیر زمین جنب
مقام مبارک حضرت اعلی هر تقدیس و جلالت شأن آن جبلی
الهی بیفزود و با نصب اولین کارخانه برق در مدینه حیفی
مرقد ذات مقدسی که بفرموده مبارکش حتی از وجود " یساک
چراغ " در سجن آذربایجان محروم بود غرق در نور گردید

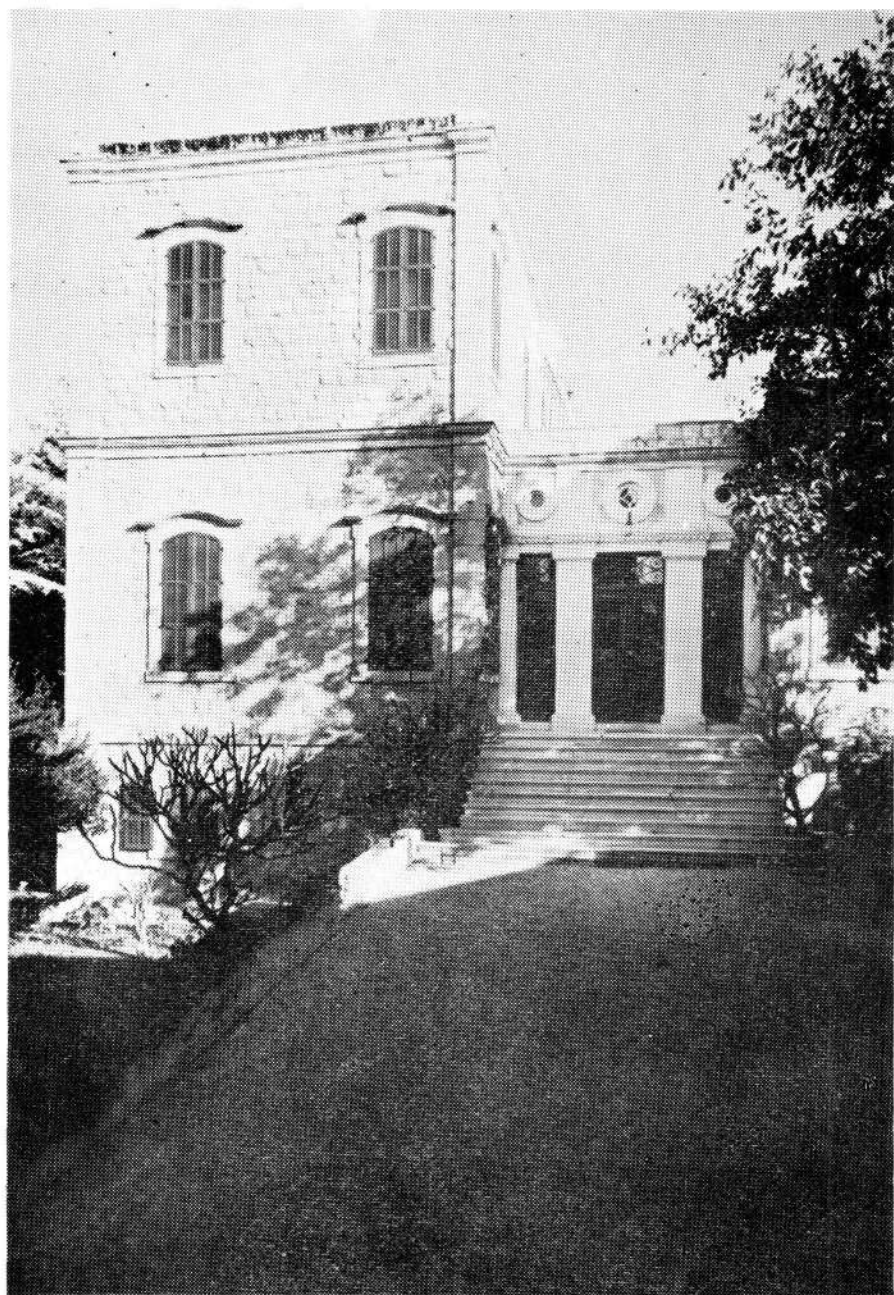
و با ساختمان سه حجره اضافی اولین قسمت آن بنای رفیع
طبق نقشه حضرت مولی الوری اکمال یافت و علیرغم دسائس
ناقضین میثاق املاک حول مقر انور از رأس کوه کرمل تا دامنه
آن که محل سکونت جماعت مذهبی تمپلار (کلنی زهاد آلمانی)
بود توسعه یافت .

چشم

حفا

بیت حضرت مولی الوری

Handwritten text at the bottom of the page, possibly a signature or date, which is mostly illegible due to fading and bleed-through.



بيت مبارك حضرت عبد البهاء در حيفا

Handwritten text, possibly a signature or name, located at the bottom center of the page.

۱ - از کتاب ایام تسعه صفحه ۴۸۷ تا ۴۸۸ :

" . . . چند هفته قبل از وقوع خواب مذکور حضرت مولی - الوری از اطاق خلوتی که اخیرا در باغچه در آن توقف میفرمودند تشریف فرما شده فرمودند خواب دیدم که جمال مبارک تشریف آوردند و فرمودند که این اطاق را خراب کن . اهل بیت مبارک چون مایل نبودند که حضرتش در شب تنها در اطاق دور دستی استراحت فرمایند و مایل بودند که در بیت مبارک استراحت نمایند اظهار نمودند قربان همین طور است چنین گمان میکنیم تعبیر خواب این باشد که اطاق را رها نموده در بیت نزول اجلال فرمایند " پس از استماع این عرایض تبسمی فرمودند و از آن چنان بر میآمد که مقبول واقع نشد بعد معلوم شد که مقصود از اطاق هیکل مبارکش بود . . . "

۲ - از کتاب ایام تسعه صفحه ۴۹۱ - ۴۸۹ :

" . . . و اسمعیل آقا خادم محبوب باوفایش چنین حکایت میکند :

تقریبا بیست روز قبل از صعود مولای عزیزم نزدیک باغچه بودم که صدای مبارک را شنیدم يك نفر از احبای قدیم را صدا نموده میفرمودند بیا تا با هم از صفای این باغ لذت ببریم نگاه کن که روح وفاداری ممکن است چه کارهائی بکند این محل منبت با طراوت چند سال قبل يك تل سنگی بود

و امروز با گل و ریاحین سبز و خرم است آرزو دارم که بعد از من احبای عزیز متحداً به خدمت امر الهی قیام کنند و بخواست خدا چنین خواهد شد عنقریب اشخاص مبعوث خواهند شد و به عالم روح خواهند بخشید . بعد از چند روز فرمودند خیلی خسته شده ام وقت آن رسیده که هر چیز را بگذارم و فرار کنم از شدت خستگی نمیتوانم راه بروم بعد فرمودند در اواخر ایام جمال مبارک وقتی مشغول جمع آوری اوراقی که روی تخت در اطاق تحریر مبارک در بهجی متفرق بود بسودم روی مبارک را به من کرده فرمودند جمع آوری آنها فایده ندارد باید آنها را بگذارم و فرار اختیار کنم من هم کار خود را کرده ام دیگر کاری نمیتوانم بکنم لهذا باید وداع کرده بروم .

سه روز قبل از صعود مبارک در حالی که در باغچه جالس بودند مرا احضار نموده فرمودند از شدت خستگی ناخوش شده ام و عدد از نارنگیها را بیاور که برای خاطر تو بخورم اطاعت کردم بعد از تناول توجهی به من نموده فرمودند اینها تمام شد هیچ از لیموهای شیرین داری ؟ عرض کردم بلی . فرمودند چند عدد بیاور . مشغول چیدن بودم که وجود مبارک به پای درخت تشریف آورده فرمودند باید بدست خودم بچینم بعد از میل کردن نظری نموده فرمودند دیگر چه خواهش داری ؟ سپس با یک اشارات حزن انگیزی بسا

دست مبارك در نهایت تأثر و تأکید از روی کمال اراده فرمودند
حالا تمام شد . تمام شد . این کلمات پر معنی در روح من
اثر کرد هر دفعه که میفرمودند مثل این که خنجری به قلب
من فرو میرود مقصود مبارك را فهمیدم ولی گمان نمینمودم که
ایام اخیر این قدر قریب است . . .

۳ - از ایام تسعه صفحه ۴۹۵ - ۴۹۳ :

" . . . شب ساعت هشت فرنگی قدری غذا میل فرمودند
و در رختخواب استراحت نمودند . فرمودند خیلی حال خوب
است و به همه امر فرمودند که بروند و استراحت کنند مع ذلك
دو نفر از ورقات مبارك در حضور ماندند آن شب حضرت
مولی الوری بدون آثار تب در نهایت آرامی به خواب رفتند
ساعت يك و ربع بعد از نصف شب بیدار شدند و به جانب
میزی که در اطاق بود قدم زده قدری آب میل فرمودند بعد
یکی از پیرهنهای شب را بیرون آورده فرمودند خیلی گرم
است . سپس به رختخواب عودت فرمودند . ورقه مبارکه روحا
خانم پس از چندی تشریف بردند و دیدند که در نهایت
آرامی استراحت نموده اند در صورت ورقه مبارکه که نظـر
فرمودند امر نمودند که پرده های پشه گیر را بالا کنند و فرمودند
به سختی نفس میکشم بیشتر هوا میخواهم قدری گلاب آورده شد
در رختخواب بدون کمک نشسته قدری از آن میل فرمودند
دوباره استراحت کردند قدری غذا آورده بودند با يك

صدای واضح شمرده فرمودند میخواهید غذا بخورم وقتی که من در حال رفتنم ؟ يك نظر غریبی به کل فرمودند وجه مبارك بقدری آرام بود و از وجنات مبارك بطوری آثار سکون هویدا که همه فرض نمودند بخواب تشریف برده اند (از نظر عزیزانش غیبت فرمود) .

چشمهایی که بنظر محبت و رأفت به عالم انسانی چه دوست و چه دشمن نظر میفرمود بسته شد . دست هایی که همیشه برای احسان به فقرا و محتاجین به ناتوانان عجزه : کوران و بیوه زنان دراز بود بی حرکت شد . پاهایی که با يك عزم راسخی در خدمت داعی به رب خونون منزلها طی نموده بودند حال سکون اختیار کردند . لبهایی که با آن فصاحت و بلاغت در راه خدمت ابنا^۱ ماتم زده بشر تکلم مینمودند خاموش گشتند قلبی که با آن قوت و شدت محبت برای نوع انسان میزد از کار ایستاد . روح پر جلالش از عالم ترابی صعود نمود و از ظلم و ستم دشمنان حقیقت و زحمات متوالی هشتاد سال پر طوفان پر مشقت برای خیر عموم رهائی یافت باری شهادت طولانی حضرتش منتهی شد . "

پنجم

حیفا

دارالاناربین لیلی

۱ - ترجمه از کتاب پیامهای مبارک به عالم بهائی

صفحه ۷۴ :

" بر اثر تملك زمین مزبور میتوان اکنون محل ساختمان دارالانوار بین الطلی بهائی را تعیین و به پی ریزی و ارتفاع بنا مبادرت نمود ؛ این مشروع که یکی از اهداف مهمه نقشه ده ساله بشمار میروود محفظه ابدی و مجللی است که آثار گرانمیهای دو مؤسس دیانت بهائی و همچنین مثل اعلاى آئین الهی و گروه مجاهدان و اولیاء و شهدای این امر نازنین در آن - نگاهداری خواهد شد . . . "

۲ - گاد پاسزبای صفحه ۳۴۷ :

" این گنجینه پر بها مشتمل است بر شمایل مبارک حضرت اعلی و حضرت بهاء الله و آثار متبرکه آنان از قبیل شعرات و تربت و البسه حضرت اعلی و شعرات و دم اطهر حضرت بهاء الله و بعضی از اشیاء دیگر مانند قلمدان و لباس و تاج مبارک و کشکول ایام سلیمانیه و ساعت و قرآن و همچنین بعضی خطوط و الواح مقدسه که بعضی از آنها تذهیب شده و بی نهایت نفیس و پرازش است از جمله قسمتی از کلمات مبارکه مکتونه بخط مبارک دیگر بیان فارسی به خط آقا سید حسین کاتب وحی حضرت باب و نسخ اصلیه توقیعات حضرت اعلی که به افتخار حروف حی نازل و به خط مبارک مرقوم گشته دیگر نسخه خطی سوؤال و جواب میباشد .

این گنجینه گرانبها بعلاوه مشتمل است بر اشیا و آثار متبرکه متعلق به حضرت عبدالبها و پیراهن خون آلود حضرت غصن اطهر و انگشتر جناب قدوس و شمشیر جناب ملا حسین و خاتم های حضرت وزیر والد ماجد حضرت بها الله و سنجاق اهدائی علیا حضرت ملکه رومانیا به امة الله مارثارت و نسخ اصلی نامه های ملکه نیک اختر خطاب به آن شهیره آفاق و شخصیت های دیگر و مقالات و شهادتاتش نسبت به عظمیت امر مبارک و بیست مجلد از الواح و ادعیه و مناجات نازله بوسیله مؤسسين امر الهی که از طرف محافل روحانیه در سراسر شرق مطابقه و استنساخ و زینت بخش آثار متعدده موجوده در آن محفظه مبارکه گردیده است .

۳ - از کتاب پیامهای مبارک به عالم بهائی صفحه

: ۶۴

" نقشه دار الاثار بین الملی بهائی ترسیم و تهیه گشته است . ساختمان این معهد جلیل مقدمه تأسیس مرکز اداری جهانی بهائی در جبل کرمل است که حضرت بها الله در قسمت آخر لوح کرمل به عنوان سفینه ذکر فرموده اند .

بلافاصله پس از آنکه اقدامات مقدماتی لازمه برای بنیای دار الاثار در ارض اقدس به عمل آمد نقشه ها و طرحها برای اخذ پیشنهادات ساختمانی به ایتالیا ارسال گردید .

۴ - از کتاب پیامهای مبارک به عالم بهائی صفحه

۲۷۹ :

" پس از اقدام وزارت دارائی اسرائیل نسبت به خلع یسد از قطعه زمین مجاور محل دار الاثار بین الملی آتیه بهائی در کوه کرمل که بنا بر توصیه شهردار حیفا به عمل آمد و تثبیت وضعیت قوس و سیمی که اطراف آن باید معاهد امریه مرکز نظم اداری جهانی بهائی تأسیس گردد و همچنین تعیین محل ساختمان دارالاثار و تهیه مقدمات جهت حفر بنیان آن معهد عظیم قراردادی به مبلغ یکصد و دوازده هزار دلار - برای استخراج و تراش و صیقلی نمودن احجار و سنگهای ۵۲ ستون بنای مذکور منعقد گردید . وزن این سنگها و ستونها بالغ بر نهمصد تن خواهد بود و قرار است ظرف مدتی کمتر از دو سال به حیفا حمل گردد .

۵ - از کتاب پیامهای مبارک به عالم بهائی صفحه

۱۲۶ :

" . . . ارتفاع و اکمال دار الاثار بین الملی بهائی با صرف مبلغی بیش از ربع ملیون دلار در ارض اقدس که در اوج اعتلای خود مبشر و منادی تأسیس و استقرار مرکز نظم جهان آرای جنینی حضرت بهاء الله در دامنه جبل کرمل و در مقابل قبله اهل بهاء است .

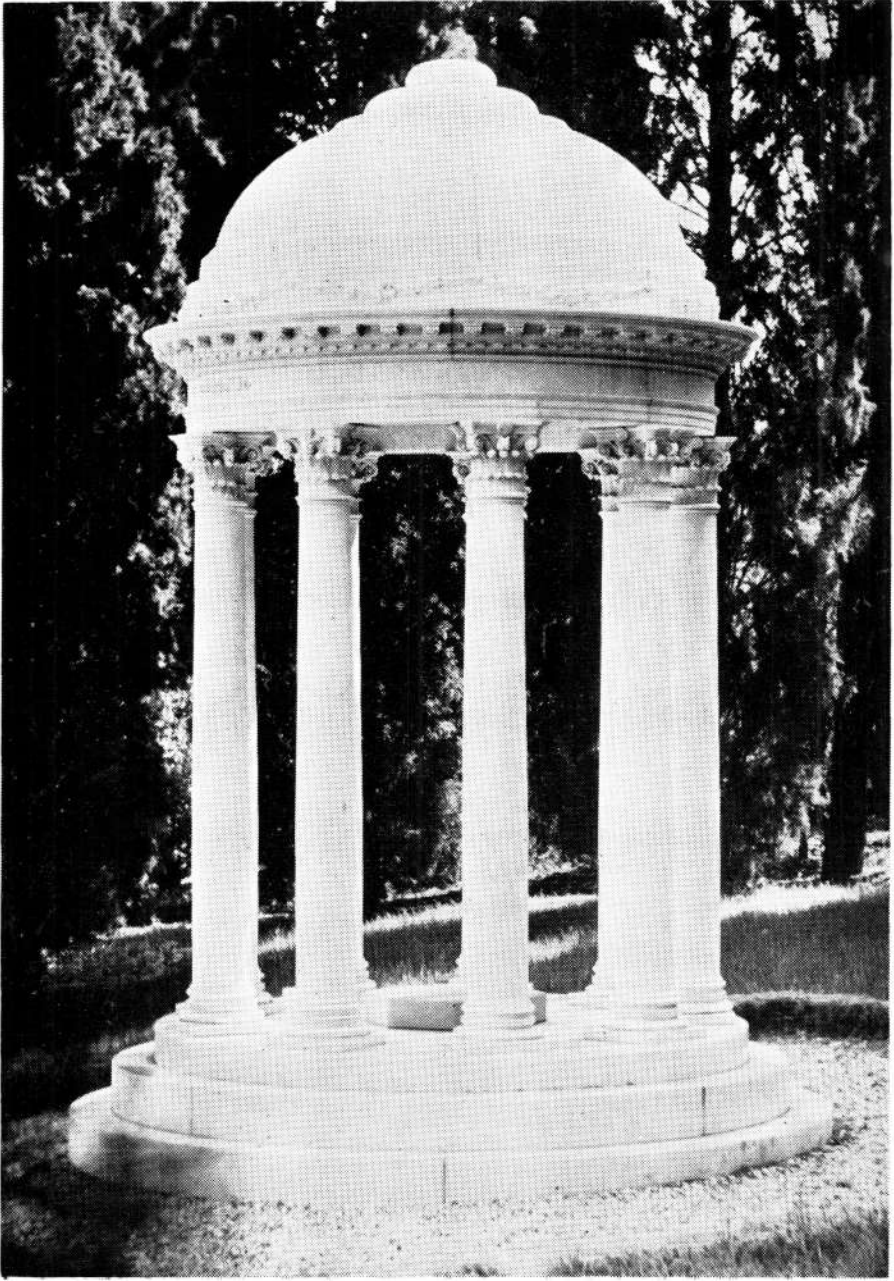
چشم

حفا

و۔ حدائق حول مقامات مبارکہ

۱۔ مقام حضرت ورقہ علیا

1871



مقام حضرت ورقه علیا

اگر فی الحقیقه تمعّن شود استقرار این سه مرقد مطهر جنب یکدیگر در یکی از حدائق بس زیبا در جوار مرقد مطهر حضرت اعلی در قلب کرمل و مقابل بقعه مبارکه بیضاء قبله عالم بهائی در خلیج عکا بر سَنوحات روحانیه فائضه از آن بقعه مقدسه که از لسان قدم به مقّر عرش الهی موسوم و موصوف گردیده افزوده است و این خود مرحله دیگری است که مآلاً منجر به استقرار مرکز دائمی اداری جامعه جهانی بهائی در جوار مرکز روحانی این امر مقدّس خواهد شد . جامعه ای که مقدس بوده از آن مرکز روحانی انفکاک نیابد و در کشوری که مورد تجلیل و احترام پیروان سه دیانت عظیمه الهیه است قُرب آن مرکز نورا به وظائف خطیره اش قیام و اقدام کند .

(گا د پاسز بای صفحه ۳۴۸)

از کتاب راهنمای امروز و فردا صفحه ۷۲ :

" برای نفوسی که در آینده ایام به افتخار زیارت این اعصاب مقدسه نائل میگردند و همچنین به خاطر استفاده آن عده از افرادی که این سعادت نصیب آنان نمیگردد ولی باوقوف به فضیلت و عظمت آن هیاکل مقدسه مایلند با آنها ارتباط روحی برقرار سازند و نسبت به شکوه و جلال این مقامات متبرکه بصیرت یافته بر اثر اقدامشان مشی نمایند شواهد و کمات ذیل نازله از پیراعه مقدسه حضرت بهاء الله و حضرت

عبدالبها^۱ میتواند راهنما و الهام بخش آنان گردد .
(توضیح : این شواهد و کلمات در قسمت مربوط به هر یک
از سه مرقد مطهر بطور جداگانه آمده است .)
از کتاب گار پاسزبای صفحه ۱۰۸ (قسمت دوم
صفحه ۹۰) :

" . . . دیگر خواهر هفت ساله حضرت عبدالبها^۱ است که
در سنین بعد به همان عنوان ام بزرگوار یعنی " ورقه علیا "
ملقب شد و خدمات گرانبھائی آن ورقه بهیبه نورا^۱ که تا
آخرین لحظات حیات امیر انوارش در سن هشتاد و شش سالگی
ادامه داشت مع مقام فخیم و عظیم انتسابش به اصل سدره
البھیه آن وجود مبارک را در صف اول اما^۱ جلیله شجیمه
این دور اعظم قرار داد . . . "

ترجمه تلگراف مبارک از حیفا مورخ ۱۵ ژوئیه ۱۹۳۲ :

روحانی - پارسیان - طهران

" ورقه مبارکه علیا بقیة البها^۱ و ودیعتہ از افق بقعه
نورا^۱ متواری و به سدرۃ المنتهی متصاعد و در اعلیٰ غرف
جنان بر مسند بقا متکی . چشم اهل بها^۱ گریان است و قلوب
اهل وفا سوزان . صبر و شکیب صفت یاران راستان است و
تسلیم و رضا از شیم خاصان و مقربان . اعیاد و جشنهای
امریه اعزازا لمقامها المحمود مدت نه ماه در شرق و غرب
عالم بهائی بالکلیه موقوف . هیکل نازنینش در بقعه مرتفعه

جوار مقام ابهن استقرار یافت . *

شوقی

از کتاب راهنمای امروز و فردا صفحه ۶۹ - ۶۸ :

" اگر بخواهیم به آن قسمت از حوادث زندگی آن ورقه مبارکه که هر یک از آنها شاهدی است بلیغ بر فضائل و کمالاتی که از اب جلیلش به ارث برده است مختصرا اشاره کنیم مدتی دراز طول خواهد کشید . تنزیه و تقدیس حیات آن ورقه مبارکه که حتی در جزئی ترین اعمال و افعال یومیه منعکس بوده و احساسات لطیف حضرتش که بر هر نوع امتیازات عقیدتی طبقاتی و نژادی قلم بطلان میکشید حالت تسلیم و رضا و متانتی که آرامش و شکیبائی حضرت باب را به خاطر میاورد علاقه فطری به گلهها و اطفال که از صفات مختصه حضرت بهاء الله بوده و سادگی آداب و اطوار و حسن سلوک و معاشرت که جاذب قلوب بوده و کرم و جود و عشق و محبت عام و بدون تبعیضی که به وضوح انعکاسی از صفات حضرت عبدالمبها بوده و حسن خلق و بشاشت که هیچگاه غم و اندوه آن را زایل نمی ساخت و بالاخره فطرتی سلیم و بی پیرایه که هزاران بار مقام رفیعشان را مرتفع تر می ساخت و طبع با گذشت و با اغماض که در طرفه العینی سرسختترین دشمن را رام مینمود - اینها از جمله صفات عالیه حیوانات مقدسی است که در آینده تاریخ شهادت خواهد داد که

صاحب این صفات دارای آن چنان قدرت آسمانی بوده که در قهرمانان اعصار گذشته کمتر نظیر داشته است .
بنابر این تعجبی نیست که حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء در الواح کثیره که به منزله شاهدی ابدی بر مکارم اخلاق آن وجود مقدس محسوب میشود با بیانی موثر از محامد و نعوت آن ورقه مبارکه یاد فرموده اند . این محامد و صفات مقام رفیعشان را در بین اعضای عاقله مبارک مشخص میسازد و ایشان را به عنوان قدوه حسنه در نظر پیروان امر الهی معرفی میکند و وجود مقدسش را سزاوار تکریم و تعظیم من علی الارض میفاید .
از کتاب گاد پاسزبای صفحه ۳۴۷ :

" از جمله شواهد ظهور و بروز و تحکیم تدریجی مشروع جلیلی که به اراده حضرت بهاء الله در آن جبل مقدس انشاء گردید میتوان انتخاب قسمتی از اراضی مدرسه واقع در جوار مقام مقدس اعلی را ذکر نمود که جهت استقرار رسم مطهر ورقه مقدسه علیا شقیقه عزیزه حضرت مولی الوری " الورقة التی تورت من هذا الاصل القدیم " و " عرف قمیص منیر " جمال اقدس ابهی تخصیص یافت . آن ورقه مبارکه از طرف حضرت بهاء الله به مقام " ما سبقه النساء " مفتخر گردیده و در صف اول اما " شجیعہ موقنه مانند سارا - آسیه - مریم عذرا - فاطمه و طاهره که در ظهورات سابقه فائق بر همگان خود بوده اند قرار گرفته است .

نقل از توقیع مبارک حضرت ولی امرالله مورخ ۲ شهر

المسائل ۸۹ - سیزدهم دسامبر ۱۹۳۲ :

” یا شقیقة روحی و اوادی خبر وصول به مصر و حصول راحت رسید نهایت روح و ریحان حاصل گردید . حمد جمال قدم را که چنین عنایتی فرمود که قدری وجود مبارکت صحت و عافیت یافته و قلوب احباب آن دیار مسرور و شادمان شده اگر از احوال این بنده آستان جمال ابهی پرسی شکر حضرت احدیتش را که به نفعات عنایت مشامی معطر دارم و به فضل و موهبتش دلی خرم . تأییداتش چون شمع ساطع آفتاب بی دری می رسد و جنود ملکوتش مستمرا نصرت مینماید .

حالت جسمانی و صحت بدنی نیز بهتر است اخبار عظمت امر و نفوذ و انتشارش الحمد لله از جمیع جهات میرسد
ایتها الشقیقة الروحیه دقیقه ای از یادت فارغ نیستم اگر چه دوریم ولی نزدیکیم در یک محفلیم و در یک منزل چه که کل در ظل خیمه الهی هستیم و در قباب عنایت حضرت نا متناهی . . . یا شقیقتی الشقیقة الروحانیه از فضل و عنایت حضرت احدیت امیدوارم که در ظل حمایت جمال مبارک محفوظ و مصون بوده و هستید در شب و روز رویت در مقابل و خویت مرکز خاطر است .

خطابا به حرم میفرمایند : حضرت اخت را به جان و دل روح و قلب و فؤاد مشتاق و در لیل و نهار در حقیقت جان و وجدان

مذکور از فرقتش نتوانم ذکر کنم زیرا آنچه بنویسم البته از عبرات
محو خواهد شد بورقه مبارکه این سفارش بخط مبارک مرقوم
و مسطور:

" ای ضیاء در این سفر باید با دلی خرم و روح و ریحانی
محکم همدم حضرت شقیقه باشی شب و روز بکوش و بجوش
و بخروش که سبب سرور قلب مبارکش گردی چه که در مدت
حیوة دمی نیاسود و در جمیع عمر آرام نگرفت چون پروانه حول
شمع الهی پرواز مینمود جانی افروخته داشت و دلی از حرارت
محبت الله سوخته ."

و ایضا میفرماید :

" یا ایتهای العرقة المبارکه النوراء غنی و تغنی علی افنان
دوحة البهاء هذه الكلمة الملیا انه لا اله الا هورب الاخرة
والاولی قد جعلناك من خیرة الاماء و اعطیناك مقاما لیدی
الوجه الذی ما سبقة النساء كذلك فضلناك و قدمناك فضلا
من لدن مالک العرش و الثری . قد خلقنا عینک لمشاهدة
انوار وجهی و اذنک لاستماع آیاتی و هیکلک للقیام لیدی
العرش ان اشکری ربک مولی الوری ما اعلى شهادة سدره
لورقتها و دوحة الاحدیة لثمرتها بذکری ایاها تضوع رائحة
المسک طویب لعن وجد و قال لك الحمد یا ربی البهی الابهی
و ما احلی حضورک لیدی الوجه و نظری الیک و عنایتی الیک
و فضلی طیبک و ذکری ایاک فی هذا الوح الذی جعلناه آیة

عنایتی لك فی السر والاجهار .

در الواح عدیده که از مخزن جود و کرم مرکز میثاق بهاء حضرت عبدالبهاء مخاطبا للورقة المباركة العلیا صادر و نازل این کلمات تامات و بیانات عالیات مدون و مسطور و به اثر كلك اطهرش مشبوت و محفوظ قوله الاحلی " ایتها الشقیقة العزیزه الروحانیه شب و روز بیاد تو هستم و چون بخاطرم گذری تأثر اشتداد یابد و تحسر تزیید جوید . غم مخور غمخوار تو منم محزون مباش مایوس مباش محصور مباش این ایام بگذرد ان شاء الله در ظل جمال مبارك در ملکوت ابهی جمیع این غصه ها رافراموش کنیم و جمیع این طعن ها به تحسین جمال مبارکش تلافی میگردد تا دنیا بوده است حزن و اندوه و حسرت و حرقت نصیب بندگان الهی بوده قدری فکر کن ببین همیشه چنین بوده است لهذا دل بالطاف جمال قدم خوش کن و خوش باش و مستبشر باش . . . یا شقیقتی الشقیقه در شب و روز بیاد تو مشغولم آنی از خاطر منم روی فسی - الحقیقه بجهت خود ابد متأسف و متحسر نیستم ولی هر وقت ملاحظه صدمات شما را مینمایم بی اختیار اشك از چشم میریزد . . . ایتها الشقیقة الروحانیه در شب و روز بدرگاه احدیت عجز و نیاز کنم و ناله و فغان نمایم که ای پروردگار مهربان آن ورقه طیبه طاهره را به نفحات قدس تسلی بخش و به نسائم انس تصدی ده به آیات ملکوتت تمکین عنایت

فرما و به بینات جبروتت تفریح احسان کن . ای خداوند
آن غمگین را انیس یاد رویت فرما و آن محزونه را به اسرار
مکنونت مأنوس کن و به تجلیات انوار احدیت مألوف نما از هر
جهت اسباب احزان بجهت او مهیا است و از جمیع وجوه
وسائل حسرت موجود و بی منتهی . در هر آنی عنایتی کن
و در هر دمی فضل و موهبتی فرما ابواب رخا از جمیع جهات
مسدود باب الطاف بگشا و راه امید از هر طرف مقطوع
شاهراه احسان جدید بنما . توئی کریم و مهربان . توئی
معین و صاحب احسان .

پنجم

حیفا

۱۔ حدائق حول مقامات مبارکہ

۲۔ مقام غصن اطهر



۱ - از کتاب قرن بدیع قسمت دوم صفحه ۲۴۲ سطر

ششم تا صفحه ۲۴۴ سطر چهارم :

"... در بحبوحه این بلایا و رزایا مصیبت دردناک و ناگهانی دیگری رخ گشود که بر احزان و آلام مبارک بیفزود و آن عروج نفس مقدس جناب میرزا مهدی غصن الله الا طهر برادر بیست و دو ساله حضرت عبدالبهاء و کاتب وحی الهی بود . این ذات مقدس در ایام صباوت پس از مراجعت حضرت بهاء الله از مهاجرت کردستان از طهران به بغداد منتقل و به اب بزرگوارش ملحق گردید و از آن تاریخ به بعد در نفسی و سرگونی جمال اقدس ابهی مصاحب و همراه و تا آخرین دم حیات با غربت و کربت و اسارت و مسجونیت آن طلعت احدیت شریک و سهیم بود این غصن ریان سدره سبجان هنگام غروب در حالی که بر فراز بام قشله مشی میفرمود و بسه روش معهود بتوجه و مناجات بساحت حضرت معبود مآلوف و در دریای ازکار مستغرق بود از غایت جذب از خود بیخود شد و از حفره ای که جهت روشنائی حجره زیرین تعبیه شده بود بزیرافتاد و همیکل اطهرش با صندوق چوبی که در همان حجره تحتانی قرار داشت تصادم نمود و اعضا و اضلاع صدمه شدید یافت . در اثر این حادثه پس از مضمی بیست و دو ساعت طیر روحش به معارج قدس علیا پرواز نمود و در رفارف اسنی لانه و آشیانه ساخت و آن رزیه کبری پیوم

۲۳ ربیع الاول ۱۲۸۷ هجری (مطابق با ۲۳ ژوئن ۱۸۷۰ میلادی) اتفاق افتاد و آن سازج وفا در لحظات اخیر حیات از ساحت اقدس رجا نمود که جان مقدسش چون فدیهای در سبیل تحقق آمال دوستان قبول و به ارادات خفیه الهیه ابواب سجن و لقا بر وجه اهل بهاء گشوده گردد . در مناجاتی که از قلم اعلی در وصف آن غصن دو حه بقا نازل شهادت کبرایش را بمثابه قربانی فرزند حضرت ابراهیم و جانبازی حضرت روح بر صلیب و شهادت حضرت سید الشهدا^۱ در ارض طف که در ادوار سابقه و ظهورات ماضیه موجب تطهیر و نجات امم و ملل مختلفه بوده در این عصر اعظم علت حیات عالم و حصول وحدت اصلیه در انجمن بنی آدم میسرند در این مقام این بیانات عالیات مسطور قوله الاحلی " ای رب فدیت ما اعطیتنی لحيوة العباد و اتحاد من فی البلاد " و نیز خطاب به آن غصن شهید میفرماید " انک انت ودیعة الله و کنزه فی هذه الدیار سوف یظهره الله بک ما اراد انه لهو الحق علام الغیوب " و بعد از آنکه جسد اطهر را در حضور جمال اقدس ابهی غسل دادند آن معدن وفا و مظهر عبودیت کبری را که لسان قدم در شأنش به بیان " من خلق من نور البهاء " ناطق و مظلومیتش از قلم اعلی مذکور و اسرار صعودش مکشوف گردیده بهمراهی حافظین قشله به خارج شهر انتقال داده و در محلی مجاور مقبره^۲ نبی صالح بخانی سپردند تا آنکه هفتاد سنه بعد از

آن رَمَس مطهر با رَمَس منور ام بزرگوارش از مقر مذکور بدامنه
جبل کرمل در ظل مقام پیر انوار حضرت نقطه اولی و قسرب
مضجع اخت بلیش حضرت ورقه علیا منتقل گردید .

۲ - از کتاب گاد پاسزهای صفحه ۳۴۸ - ۳۴۷ :

" و بالاخره از آثار دیگر برکات منبعثه از نقشه ملکوتی حضرت
مولی الوری باید انتقال رَمَس حضرت غصن الله الاطهر
فرزند شهید حضرت بهاء الله " من خلق من نور البهائم " و
" ودیعة الله وکنزه " را در ارض اقدس ذکر نمود که چند
سنه بعد در حالی که متجاوز از نیم قرن از شهادتش میگذشت
علیرغم اعتراضات برادر و خلیفه ناقض اکبر انجام پذیرفت
غصن اطهر آن وجود مقدسی است که از طرف اب بزرگوارش
بعنوان " فدیة " برای احیای عالم و وحدت امم جانش فدا
گردید .

حضرت بهاء الله در لوحی میفرمایند :

" . . . هذا حين فيه يفسلون الابن امام الوجه بعد الذی
فدیناه فی السجن الاعظم بذلك ارتفع نحبیب البکاء من اهل
سرادق الابهی ونوح الدین حبسوا مع الغلام فی سبیل الله
مالك یوم المیعاد فی مثل هذه الحالة ما منع القلم عن ذکر
ربه مالك الامم یدعو الناس الی الله العزیز الوهاب هذا
یوم فیہ استشهد من خلق من نور البهائم از کان مسجوناً
بایدی الاعداء طیک یا غصن الله ذکر الله وثنائه وثناء من

في جبروت البقاء وثناء من في ملكوت الاسماء طوبى لك بما
وفيت ميثاق الله وعهده الى ان فديت نفسك امام وجه ربك
العزيز المختار انت المظلوم وجمال القيوم قد حملت فسي
اول ايامك في سبيل الله ما ناحت به الاشياء وتزلزلت الاركان
طوبى لمن يذكرك ويتقرب بك الى الله فالق الاصبح .

وهمجنين ميغراميند : " سبحانك اللهم يا الهى ترانى بين
ايادى الاعداء والابن محمرا بدمه امام وجهك يا من بيده
ملكوت الاسماء ايرب فديت ما اعطيتنى لحيوة العباد واتحاد
من في البلاد . " ونيز ميغراميند : " . . . طوبى لك وللمن
يتوجه اليك ويزور وتربتك ويتقرب بك الى الله رب ما كان
وما يكون اشهد انك رجعت مظلوما الى مقرك طوبى لك
وللذين تسكوا بذيلك الممدود . "

" . . . انك انت وديعة الله وكنزه في هذه الديار سوف
يظهر الله بك ما اراد انه لهو الحق علام الفيوب باستقرارك
على الارض تزلزلت في نفسها شوقا للقائك كذلك قضى الامر
ولكن الناس لا يفقهون . . . انا لو نذكر اسرار صعودك لينتھن
اهل الرقود ويشتملن الوجود بنار ذكر اسمى العزيز الودود . "

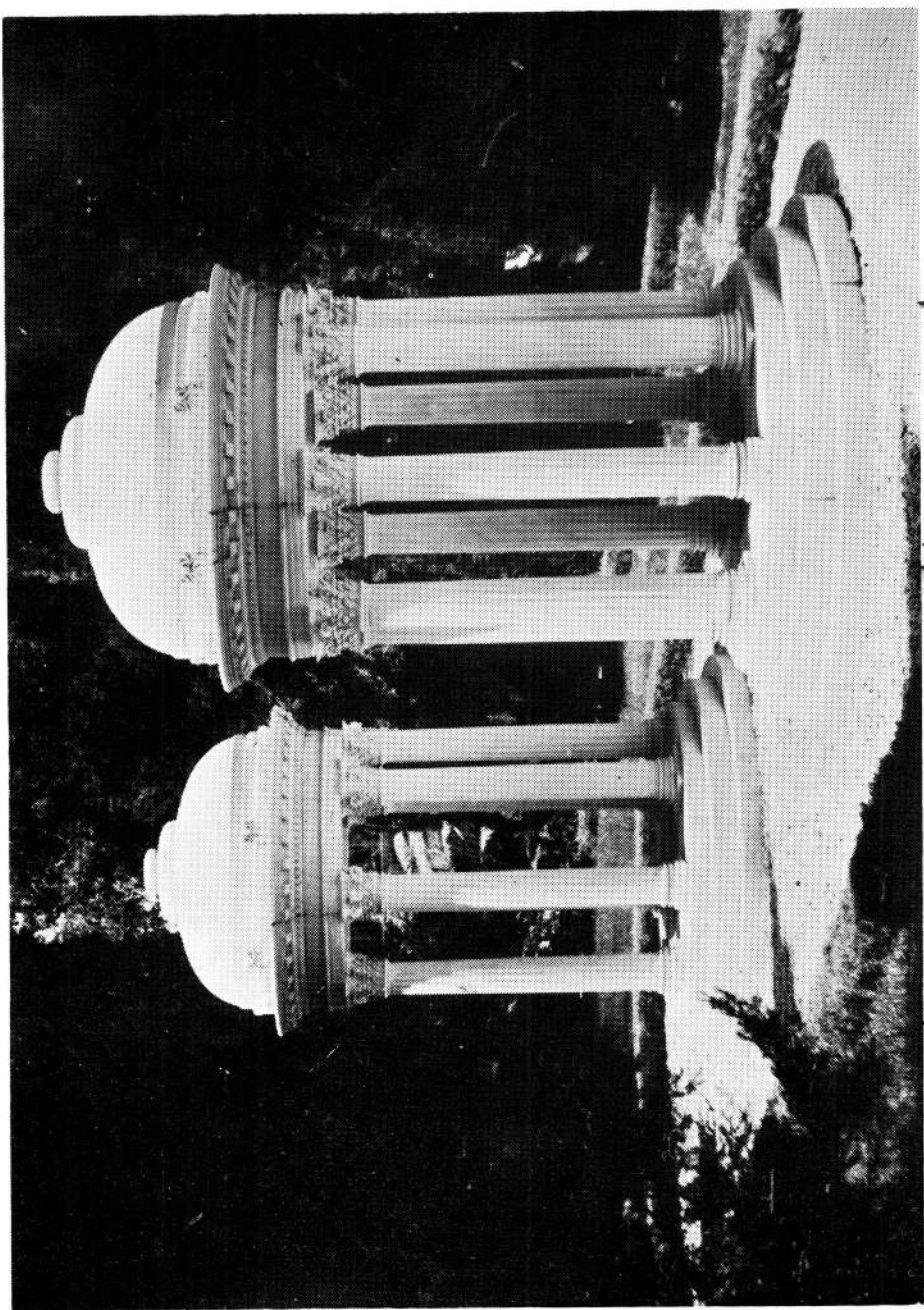
پنجم

حیفا

۱- حدائق حول مقامات مبارکہ

۳- مقام نوابہ خانم

Handwritten text, possibly a signature or name, oriented vertically.



مراقده حضرت غصن الطهر و حضرت نواب ام حضرت عبداللہاء

(مسین الطہرین)



۱ - از کتاب قرن بدیع قسمت دوم صفحه ۹۰ :

" . . . از جطه نوات مقدسه ای که در این سرگونی و اسارت با آن طلعت احدیت سهیم و شریک بودند مخدره کبیری مسماة به نواب حرم مبارک است که از قلم اعلی به لقب جلیل "ورقه علیا" ملقب و در طی چهل سنه آثار تسلیم و رضا و ورع و تقوی و علو روح از آن ورقه مبارکه موقنه ساطع و لامع بود بدرجه ای که پس از افول آن نجم دری افق وفادرالواحدی که از بیراعه مالک اسماء در شأن آن سیده اهل بهاء نازل گردید آن نفس زکیه را به خطاب مستطاب "وجعلك صاحبة له فی کل عالم من عوالمه" مخاطب و مفتخر فرمودند ."

در ذکر حضرت ورقه علیا ام عبدالمبها قلم ابهیی به این ندا مترنم :

" . . . اول روح به ظهرت الارواح و اول نور به اشرفت الانوار عليك يا ورقة العلیا المذكورة فی صحيفة الحمیراء انت التي خلقك الله للقیام علی خدمة نفسه و مظهر امره و مشرق و حییه و مطلع آیاته و مصدر احکامه و ایدك علی شأن اقبلت بکلك الیه اذ اعرض عنه العباد و الاماء طوبی لك یا امتی و یا ورقتی و المذكورة فی کتابی و المسطورة من قلمی الاعلی فی زبیری و الواحدی افرحی فی هذا الحین فی المقام الاعلی و الجنة العلیا و الافق الابهی بما ذکرک مولی الاسماء اشهد انک قرت بكل الخیر و رفعتک الله الی مقام طاف حولک کل عز و کل

مقام رفيع ."

و نیز ضمن یکی دیگر از الواح خطاب به حضرت حرم میفرمایند :
" یا نواب یا ايتها الورقة العنبة من سدرتی و الموائسة معی
علیک بهائی و عنایتی و رحمتی التي سبقت الوجود انا نبشرك
بما تقربه عينك و تطمئن به نفسك و یفرح قلبك ان ربك هو
المشفق الکریم قد رضى الله عنك من قبل و من بعد و اختصك
لنفسه و اصطفاك بين الاماء لخدمته و جعلك معاشر هيكله
في الليالي و الايام اسمع مرة اخرى رضى الله عنك فضلا
من عنده و رحمته من لدنه و جعلك صاحبه له في كل عالم
و عوالمه و رزقك لقاءه و وصاله بدوام اسمه و ذكره و ملكوته
و جبروته طوبى لامة زكرك و ارادت رضائك و خضعت عندك
و تمسكت بحبل حبك و ويل لمن انكر مقامك الاعلى و ما قدر لك
من لدى الله مالک الاسماء و اعرض عنك و جاحد شأنك
عند الله رب العرش العظيم "

و ایضا میفرماید :

" یا اهل الوفاء اذا حضرتم لدى رس الورقة العليا التي
صعدت الى الرفیق الاعلى قفوا و قولوا السلام و التکبیر
و البهاء علیک یا ايتها الورقة المباركة العنبة من السدرة
اشهد انک آمنتم بالله و آياته و اجبت فدائه و اقبلت اليه
و تمسكت بحبله و تشبث بذیل فضله و هاجرت في سبيله
و اتخذت لنفسك مقاما في الغربة حباللقاءه و شوقا لخدمته

رحم الله من تقرب اليك وذكرك بما نطق القلم من هذا المقام
الاعظم نسئلك الله بان يفرنا ويغفر الذين توجهوا اليك ويقضى
لهم حوائجهم ويعطيهم من بدائع فضله ما اراد وانه هو
الجواد الكريم الحمد لله انه مقصود العالمين و محبوب
العارفين

وبالاخره در لوحی از الواح که از پراعه میثاق در جواب سوال
یکی از احبای غرب راجع به تفسیر اصحاب پنجاه و چهارم
کتاب اشعیا که اعظم و اشرف انبیای بنی اسرائیل است نازل
بلایای آن ورقه علیا مذکور و مقام عظیم آن سیده ام برهالیمان
مدلل و مکشوف و به صریح عبارت میفرمایند که این اصحاب
راجع به ورقه علیا ام عبدالبها است و از جمله آیات منزله
در آن سفر کریم این است " مکان خیمه خود را وسیع گردان و -
پرده های مسکنهای تو پهن بشود در بیخ مدار و طنابهای خود
را دراز کرده میخها را محکم بساز زیرا که بطرف راست و چپ
منتشر خواهی شد و ذریت تو امتها را تصرف خواهند نمود
و شهرهای ویران را مسکون خواهند ساخت مترس زیرا که
خجل نخواهی شد و مشوش مشوزیرا که رسوا نخواهی گردید ...
زیرا که آفریننده تو که اسمش رب الجنود است شوهر تو است
و قدوس اسرائیل که به خدای تمام جهان مسمی است ولی
تو میباشد ... خدای تو این را میگوید زیرا ترا باندک لحظه
ترك کردم اما برحمتهای عظیم ترا جمع خواهم کرد ... هر آینه

کوهها زایل خواهد شد و تلهها متحرك خواهد گردید لیکن احسان من از تو زایل نخواهد شد و عهد سلامتی من متحرك نخواهد گردید خداوند که بر تو رحمت میکند این را میگوید ای رنجانیده و مضطرب شده که تسلی نیافته ای اینک من سنگهای تورا در سنگ سمره نصب خواهم کرد و بنیاد ترا در یاقوت زرد خواهم نهاد و منارهای ترا از لعل و دروازه های را از سنگهای بهرمان و تمامی حدود ترا از سنگهای گران قیمت خواهم ساخت و جمیع پسرانت از خداوند تعلیم خواهند یافت و پسرانت را سلامتی عظیم خواهد بود . . . آنانی که به ضد تو جمع شوند به سبب تو خواهند افتاد ."

(مأخوذ از توفیق مبارک ۱۴ شهر

المسائل ۹۶ - ۲۵ دسامبر ۱۹۳۹)

۲ - از کتاب گاد پاسزبای صفحه ۳۴۸ :

" . . . و در همان یوم و همان محل که رس حضرت غصن اللہ الاطهر مدفون گردید رس مطهر مخدره کبری نواب ام حضرت عبدالبها^۱ نیز منتقل شد . در لوحی از الواح که از یراعه میثاق راجع به تفسیر اصحاب پنجاه و چهارم کتاب اشعیا نازل شده بلایای آن ورقه علیا مذکور و مقام عظیم آن سیده ام بر عالمیان مدلل و مکشوف و بصریح عبارت میفرماید که این اصحاب راجع به ورقه علیا ام عبدالبها^۱ است و از جمله آیات منزله در آن سفر کریم این است " . . . زیرا که آفریننده تو که اسمش رب الجنود است

شوهر تو است و ذریت تو امتها را تصرف خواهند نمود . ”
و جمال مبارك در لوحی میفرمایند :
” وجعلك صاحبة له في كل عالم من عوالمه . ”

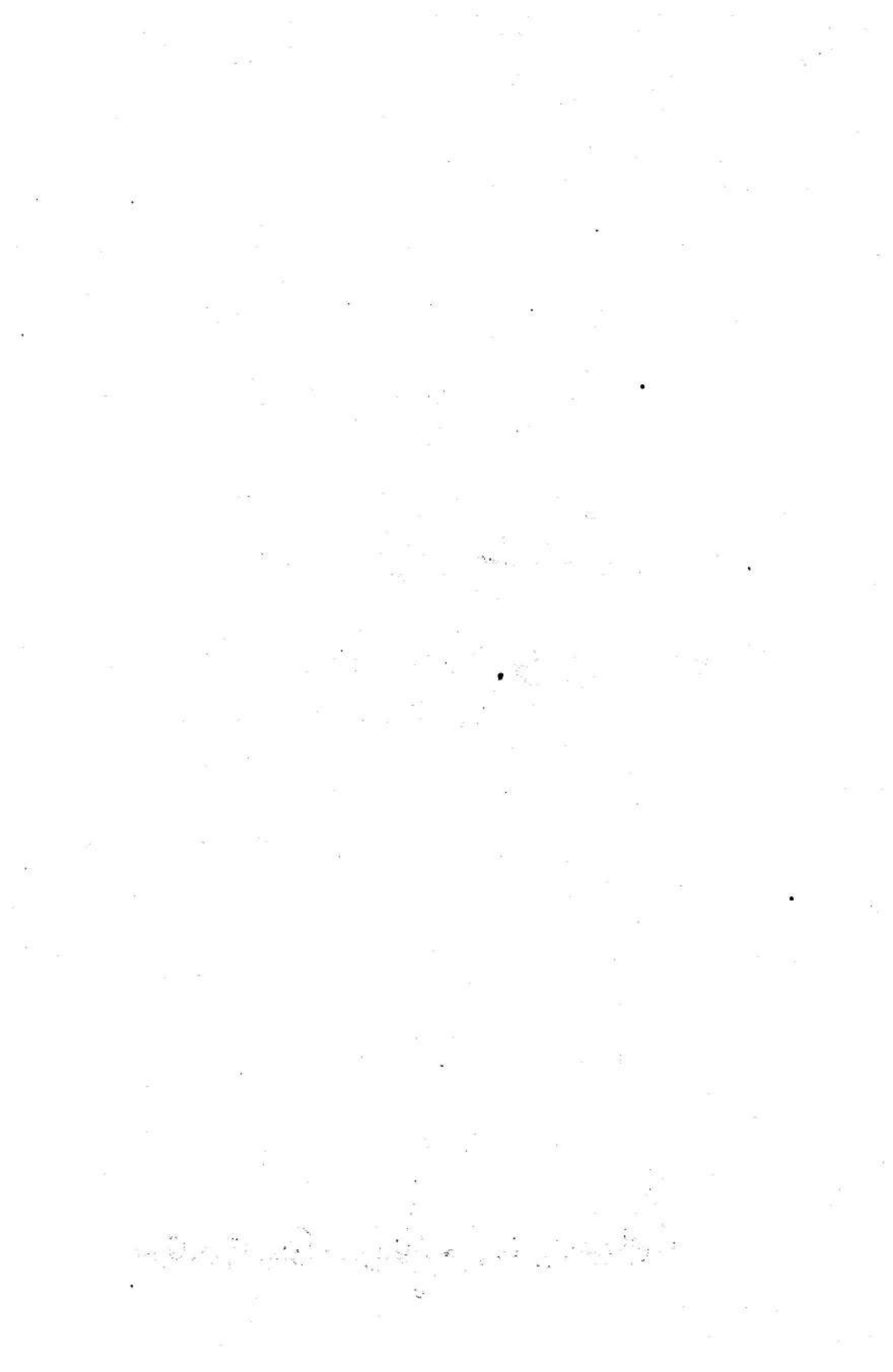


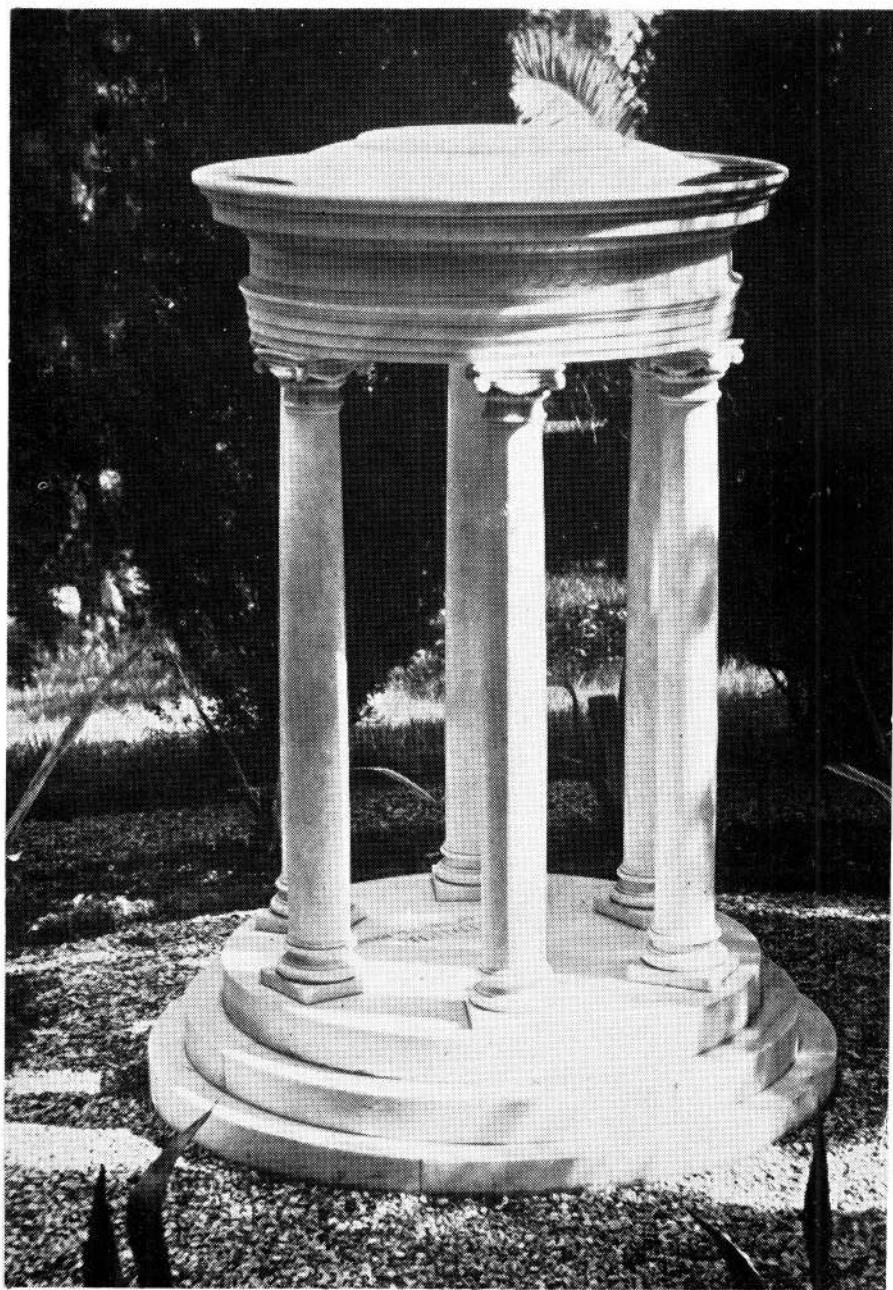
پنجم

حفا

۱- حدائق حول مقامات مبارکہ

۲- مقام منیرہ خانم





مرقد ورقه مبارکه منیره خانم حرم حضرت عیدالیهاء

از تلگراف حضرت ولی امرالله مورخ ۳۰ آوریل

: ۱۹۳۸

"ورقه مبارکه منیره خانم به ملکوت ابهی صعود فرمود .
یاران الهی در سراسر جهان با قلوبی متألّم مراحل مختلف
حیات پرحادثه آن ورقه مبارکه و خدمات بی عدیلش را به
خاطر دارند که به اقتضای مقام رفیع خود در تاریخ تریسن
ایام حیوة حضرت عبدالبهاء بدان خدمات موفق گردید ."

پنجم

حفا

ز - قوس و مرکز اداری جهانی



" دورس مبارک غصن الله الاظهر و مخدره کبری
ام حضرت عبدالبهاء صحیحا سالما به جوار مقامات مقدسه
در جبل کرمل انتقال یافت . رس مطهر خواهر - برادر
و مادر و حرم حضرت عبدالبهاء در یک نقطه مجتمع گردیدند
نقطه ای که مقدر است مرکز اصلی مؤسسات اداری بهائیس در
مرکز جهانی امر گردد . "

شوقی ربانی

پنجم دسامبر ۱۹۳۹

ترجمه از کتاب " راهنمای امروز و فردا " صفحه ۷۲ -

: ۷۱

" کاملا واضح است و نیازی به تأکید نیست که استقرار ریس
حضرت ورقه مبارکه علیا در جوار مراقد برادر و ام بزرگوار قوای
روحانیه ساطعه از آن مکان مقدس را شدیداً تحکیم و تقویت
مینماید و در حول این سه مرقد مقدس و در ظل ظلیل مقام
مقدس رب اعلی من بعد بعروزیام مرکز اداری جامعه اهل
بهاء تأسیس شود و در قرب آن مقامات مشرق الاذکار ارض -
اقدس بنیانش مرتفع گردد و مشروعات جلیله و تأسیسات بین
المللی اداری و علمی و اجتماعی آئین بهائی تشکیل شود
و سریر ملکوت الله مستقر شود و علم یا بهاء الابهی بر اعلی
الاعلام منصوب گردد و شلیک وحدت عالم انسانی بلند شود
اذا یتحقق ما نزل فی لوح الکرمل من قلم عز منیر سوف تجبری

سفینه الله عليك و يظهر اهل البها^۱ الذين ذكرهم في كتاب
الاسماء^۲.

توضیح عظمت و جلالی که ملازم این مؤسسات است و بطور
اجمال و توصیف خصوصیات و طرز عمل آنها ولو در نهایت
اختصار و توجیه سیر حوادثی که منجر به ارتفاع و استقرار
آنها میشود ولو بطور ناقص از قوه و استطاعت این عبد خارج
است .

کافی است گفته شود که در این مرحله پر اضطراب تاریخ عالم
اجتماع این سه رمس مطهر که بعد از طلعات ثلاثه آئین
نازنین ما در رأس جماعات کثیر . قهرمانان - حروفات -
شهداء - ایادی امرالله - مبلغین و مجریان مؤسسات
اداری شریعت الله در یک چنین مرکز مقتدر روحانی و اداری
بنفسه واقعه ای است که سنوحات رحمانیه اش موجب تسریع
ظهور گوهرهای درخشان آن نظم جهانی در سرزمینی خواهد
شد که از نظر جغرافیائی و روحانی و اداری قلب این کوره
ارض محسوب میگردد . نظمی که اکنون در رحم این عصر پر
محن دوران جنینی خود را طی میکند .^۳

ترجمه از بهائی نیوز جولای ۱۹۶۳ صفحه ۷ :

" در این لوح عظیم کرم که کاشف اسرار الهیه و میسر
استقرار دو مشروع عظیم و جلیل و مهم . . . مرکز جهانی
روحانی و اداری شریعة الله . . . حضرت بهاء الله بیک سفینه

اشاره میفرمایند که راکبین آن رجال بیت العدل اعظم الهی هستند که بر طبق نصوص صریحه الواح وصایای مرکز میثاق عظیم الهی آن هیأتی است که باید قوانین غیرمنصوصه الهی را وضع نماید . در این دور مبارک مقدر چنین است که این احکام از این جبل مقدس جریان یابد همچنان که در دوره - موسوی احکام الهی از جبل سینا انتشار یافت . " جریان سفینه احکام الله " اشاره به استقرار بیت العدل اعظم الهی میباشد .

از کتاب پیامهای مبارک به عالم بهائی صفحه ۷۹ :

" بعلاوه اقداماتی برای ابتیاع چند فقره املاک و اراضی بقیمت تقریبی یکصد و چهل هزار دلار بعمل آمده که تملك آنها برای حفظ حول و حوش مقام اعلی و همچنین جهت اتساع آئینده قوسی ضرورت دارد که در اطراف آن باید بعدا ابنیه ای - ساخته شود که مقدر است در آئینده مرکز جامعه جهانی بهائی گردد . "

از کتاب پیامهای مبارک به عالم بهائی صفحه ۷۵-۷۴ :

" این ابنیه رفیعه بشکل قوس عظیمی با هندسه بدیع و هم آهنگی بی نظیر مرقد مطهر حضرت ورقه علیا نفس فرید و ممتاز در بین نساء عالم بهائی و مرقد حضرت غضن اطهر فدیة مقدس حضرت بهاء الله برای احیاء عالم و اتحاد امم و مرقد ام حضرت عبدالبهاء را که از قلم اعلی به خطاب " جعلك صاحبه له نسى

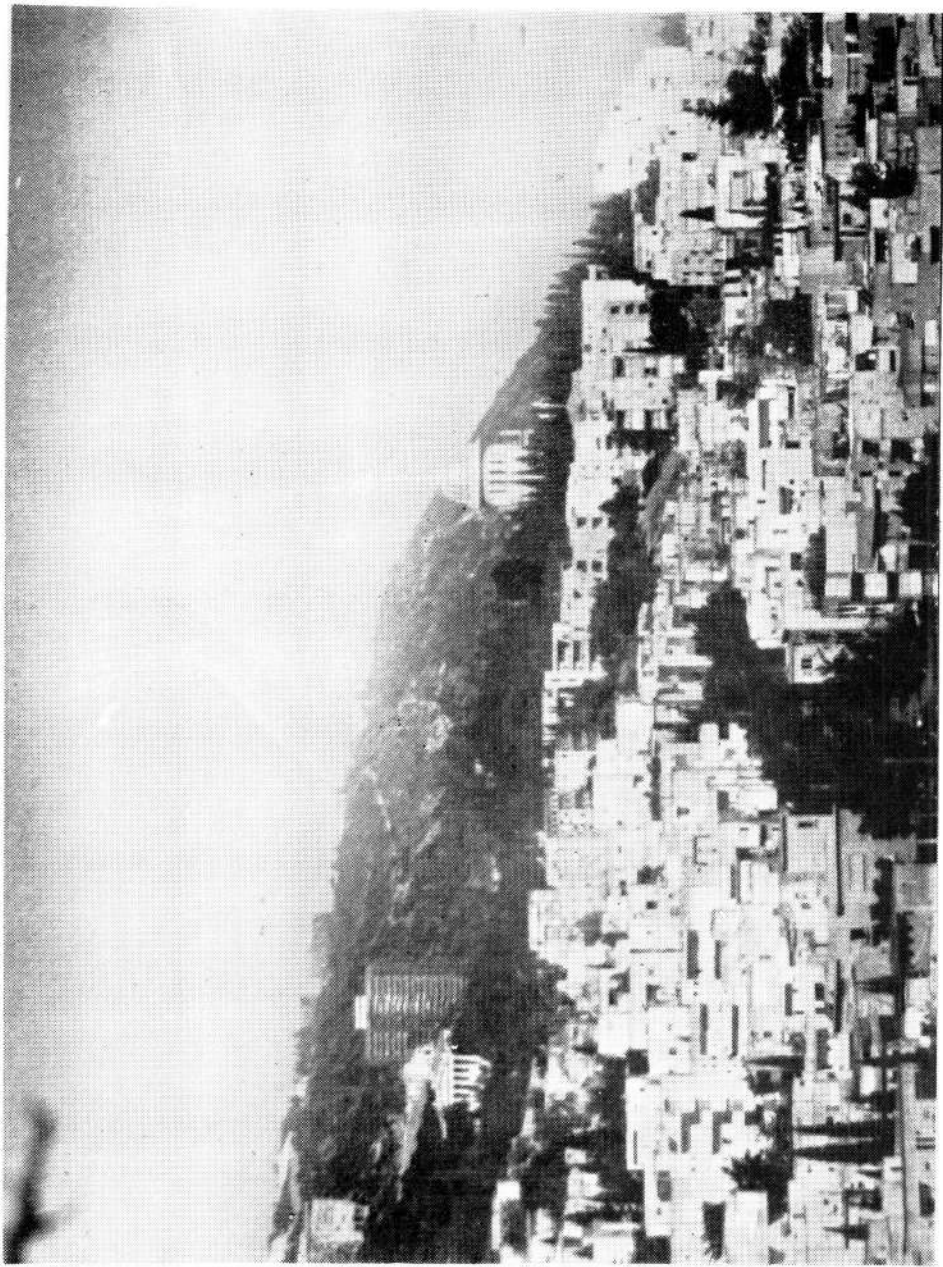
کل عالم من عوالمه " مخصص گردیده احاطه خواهد نمود و تکمیل نهائی این ابنیه رفیعه و مشروعات عظیمه نشانه آن است که نظم اداری جهانی الهی که در اواخر عهد رسولی آغاز شده بسرحمد رشد و کمال خود واصل گردیده است و این اقدامات و مشروعات خطیره حتمی الحصول در تاریخ روحانی بشری نظیر و بسا دو امر مهم یکی تأسیس صلح اصغر در خارج از عالم بهائی و دیگری تکامل مؤسسات ملی و محلی در داخل امر مقارن خواهد بود و در عصر نهمی دور بهائی به سبب ارتفاع علم صلح اعظم و تشکیل مرکز جلیل الشأن جهانی مؤسسات اداری نظیم بدیع حضرت بهاء الله به اعلی درجه عظمت و کمال خواهد رسید تأسیس این مفر حکومت آتی جهانی بهائی مبشر ظهور سلطنت و سیطره شارع مقدس این آئین نازنین و استقرار ملکوت اب آسمانی در بسیطه غیرا^ه است که حضرت مسیح کرارا به آن بشارت و وعده فرموده است .

پنجم

حفا

ح - زمین مشرق الاذکار

102, 103, 104, 105, 106, 107, 108, 109, 110, 111, 112, 113, 114, 115, 116, 117, 118, 119, 120, 121, 122, 123, 124, 125, 126, 127, 128, 129, 130, 131, 132, 133, 134, 135, 136, 137, 138, 139, 140, 141, 142, 143, 144, 145, 146, 147, 148, 149, 150, 151, 152, 153, 154, 155, 156, 157, 158, 159, 160, 161, 162, 163, 164, 165, 166, 167, 168, 169, 170, 171, 172, 173, 174, 175, 176, 177, 178, 179, 180, 181, 182, 183, 184, 185, 186, 187, 188, 189, 190, 191, 192, 193, 194, 195, 196, 197, 198, 199, 200, 201, 202, 203, 204, 205, 206, 207, 208, 209, 210, 211, 212, 213, 214, 215, 216, 217, 218, 219, 220, 221, 222, 223, 224, 225, 226, 227, 228, 229, 230, 231, 232, 233, 234, 235, 236, 237, 238, 239, 240, 241, 242, 243, 244, 245, 246, 247, 248, 249, 250, 251, 252, 253, 254, 255, 256, 257, 258, 259, 260, 261, 262, 263, 264, 265, 266, 267, 268, 269, 270, 271, 272, 273, 274, 275, 276, 277, 278, 279, 280, 281, 282, 283, 284, 285, 286, 287, 288, 289, 290, 291, 292, 293, 294, 295, 296, 297, 298, 299, 300, 301, 302, 303, 304, 305, 306, 307, 308, 309, 310, 311, 312, 313, 314, 315, 316, 317, 318, 319, 320, 321, 322, 323, 324, 325, 326, 327, 328, 329, 330, 331, 332, 333, 334, 335, 336, 337, 338, 339, 340, 341, 342, 343, 344, 345, 346, 347, 348, 349, 350, 351, 352, 353, 354, 355, 356, 357, 358, 359, 360, 361, 362, 363, 364, 365, 366, 367, 368, 369, 370, 371, 372, 373, 374, 375, 376, 377, 378, 379, 380, 381, 382, 383, 384, 385, 386, 387, 388, 389, 390, 391, 392, 393, 394, 395, 396, 397, 398, 399, 400, 401, 402, 403, 404, 405, 406, 407, 408, 409, 410, 411, 412, 413, 414, 415, 416, 417, 418, 419, 420, 421, 422, 423, 424, 425, 426, 427, 428, 429, 430, 431, 432, 433, 434, 435, 436, 437, 438, 439, 440, 441, 442, 443, 444, 445, 446, 447, 448, 449, 450, 451, 452, 453, 454, 455, 456, 457, 458, 459, 460, 461, 462, 463, 464, 465, 466, 467, 468, 469, 470, 471, 472, 473, 474, 475, 476, 477, 478, 479, 480, 481, 482, 483, 484, 485, 486, 487, 488, 489, 490, 491, 492, 493, 494, 495, 496, 497, 498, 499, 500, 501, 502, 503, 504, 505, 506, 507, 508, 509, 510, 511, 512, 513, 514, 515, 516, 517, 518, 519, 520, 521, 522, 523, 524, 525, 526, 527, 528, 529, 530, 531, 532, 533, 534, 535, 536, 537, 538, 539, 540, 541, 542, 543, 544, 545, 546, 547, 548, 549, 550, 551, 552, 553, 554, 555, 556, 557, 558, 559, 560, 561, 562, 563, 564, 565, 566, 567, 568, 569, 570, 571, 572, 573, 574, 575, 576, 577, 578, 579, 580, 581, 582, 583, 584, 585, 586, 587, 588, 589, 590, 591, 592, 593, 594, 595, 596, 597, 598, 599, 600, 601, 602, 603, 604, 605, 606, 607, 608, 609, 610, 611, 612, 613, 614, 615, 616, 617, 618, 619, 620, 621, 622, 623, 624, 625, 626, 627, 628, 629, 630, 631, 632, 633, 634, 635, 636, 637, 638, 639, 640, 641, 642, 643, 644, 645, 646, 647, 648, 649, 650, 651, 652, 653, 654, 655, 656, 657, 658, 659, 660, 661, 662, 663, 664, 665, 666, 667, 668, 669, 670, 671, 672, 673, 674, 675, 676, 677, 678, 679, 680, 681, 682, 683, 684, 685, 686, 687, 688, 689, 690, 691, 692, 693, 694, 695, 696, 697, 698, 699, 700, 701, 702, 703, 704, 705, 706, 707, 708, 709, 710, 711, 712, 713, 714, 715, 716, 717, 718, 719, 720, 721, 722, 723, 724, 725, 726, 727, 728, 729, 730, 731, 732, 733, 734, 735, 736, 737, 738, 739, 740, 741, 742, 743, 744, 745, 746, 747, 748, 749, 750, 751, 752, 753, 754, 755, 756, 757, 758, 759, 760, 761, 762, 763, 764, 765, 766, 767, 768, 769, 770, 771, 772, 773, 774, 775, 776, 777, 778, 779, 780, 781, 782, 783, 784, 785, 786, 787, 788, 789, 790, 791, 792, 793, 794, 795, 796, 797, 798, 799, 800, 801, 802, 803, 804, 805, 806, 807, 808, 809, 810, 811, 812, 813, 814, 815, 816, 817, 818, 819, 820, 821, 822, 823, 824, 825, 826, 827, 828, 829, 830, 831, 832, 833, 834, 835, 836, 837, 838, 839, 840, 841, 842, 843, 844, 845, 846, 847, 848, 849, 850, 851, 852, 853, 854, 855, 856, 857, 858, 859, 860, 861, 862, 863, 864, 865, 866, 867, 868, 869, 870, 871, 872, 873, 874, 875, 876, 877, 878, 879, 880, 881, 882, 883, 884, 885, 886, 887, 888, 889, 890, 891, 892, 893, 894, 895, 896, 897, 898, 899, 900, 901, 902, 903, 904, 905, 906, 907, 908, 909, 910, 911, 912, 913, 914, 915, 916, 917, 918, 919, 920, 921, 922, 923, 924, 925, 926, 927, 928, 929, 930, 931, 932, 933, 934, 935, 936, 937, 938, 939, 940, 941, 942, 943, 944, 945, 946, 947, 948, 949, 950, 951, 952, 953, 954, 955, 956, 957, 958, 959, 960, 961, 962, 963, 964, 965, 966, 967, 968, 969, 970, 971, 972, 973, 974, 975, 976, 977, 978, 979, 980, 981, 982, 983, 984, 985, 986, 987, 988, 989, 990, 991, 992, 993, 994, 995, 996, 997, 998, 999, 1000



منظره مقام اعلی و اراضی مشرق الاذکار در جبل کومل

1875

۱ - از کتاب قرن بدیع قسمت دوم صفحه ۲۵۵ سطر

۱۲ تا سطر ۱۷ (گاد پاسزهای صفحه ۱۹۴) :

"... مدینه حیفا چهار بار به قدم جمال اقدس ابهی زینت یافت و نوبت اخیر اقامت مبارک در آن مدینه منوره سه ماه بطول انجامید و خیمه و خرگاه آن طلعت ازلیه با نهایت حشمت و عظمت در مجاورت دیر افراشته شد و لوح مقدس کرمل کاشف اسرار الهیه و بشارت دهنده "تأسیسات جلیله" بدیعه از سما" مشیت مالک البریه "صاحب الکریم" نازل گردید..."

۲ - از کتاب پیامهای مبارک به عالم بهائی صفحه

۷۸ - ۷۹ :

"موقوفات بین الطلی بهائی بر صفح جبل کرمل با امضای قرار دادی با مقامات اسرائیلی برای ابتیاع قطعه زمینی به مساحت سی و شش هزار متر مربع واقع در رأس جبل کرمل جنب غار ایلیا بمقدار زیاد افزایش یافته همچنین با تملک نقطه ای که به قدم مبارک حضرت بهاء الله متبرک و محل نزول لوح کرمل بوده به قیمت یکصد و هشت هزار دلار خریداری گردید و قرار است اولین مشرق الانکار ارض اقدس بر آن ساخته شود و تمام قیمت آن از طرف امیلیا کالینز ایادی امرالله و از کیسه فتوت آن خادمه جانفشان امر الهی پرداخته شده است."

۳ - از کتاب پیامهای مبارک به عالم بهائی صفحه

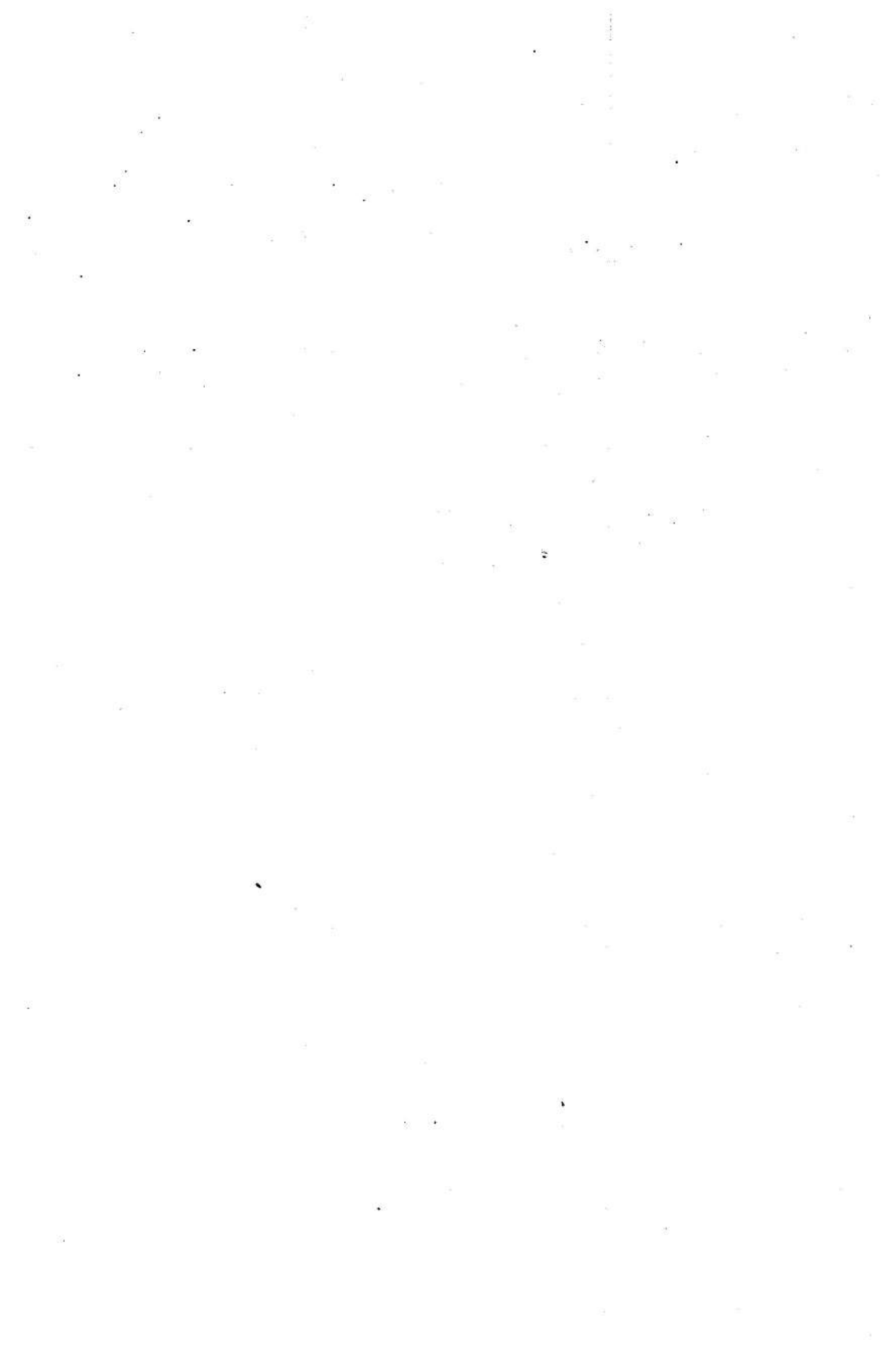
۶۳ :

" محل اولین مشرق الانکار ارض اقدس انتخاب گردید و آن
قطعه زمینی است به مساحت تقریبی بیست هزار متر مربع واقع
در قلعه جبل الرب قرب نقطه ای که به قدوم مبارك حضرت
بهاء الله متبرک شده در نزدیکی مکان شریف موسوم به غار
ایلیا و محلی که لوح کرمل یعنی منشور مراکز جهانی روحانی
و اداری امرالله بر آن کوه نازل شده است . بعلاوه وجوهی
به مبلغ یکصد هزار دلار از طرف یکی از ایادی امرالله مقیم
ارض اقدس اهدا گردیده و اکنون با مقامات دولت اسرائیل
مذاکرات به منظور اکتیاف فوری قطعه زمین مورد نظر در جریان
است .

ششم

مشرق

الف - مسافرخانه حيفا



۱ - از کتاب قرن بدیع قسمت سوم صفحه ۳۰۴-۳۰۳

(گاد پاسزهای صفحه ۳۰۷) :

" . . . مسافرخانه شرقی نیز که پس از ارتفاع مقام اعلی و انتقال عرش مطهر از طرف یکی از یاران خدوم عشق آباد به منظور اجتماع زائرین و مسافرین در کوه کرمل بنیان شده بود از تأدییه رسوم دولتی معاف گردید و برای اولین بار پس از تشییست و استقرار امرالله در ارض اقدس این امتیاز از طرف مصادر امور نسبت به املاک و موقوفات امریه مرص شد . . . "

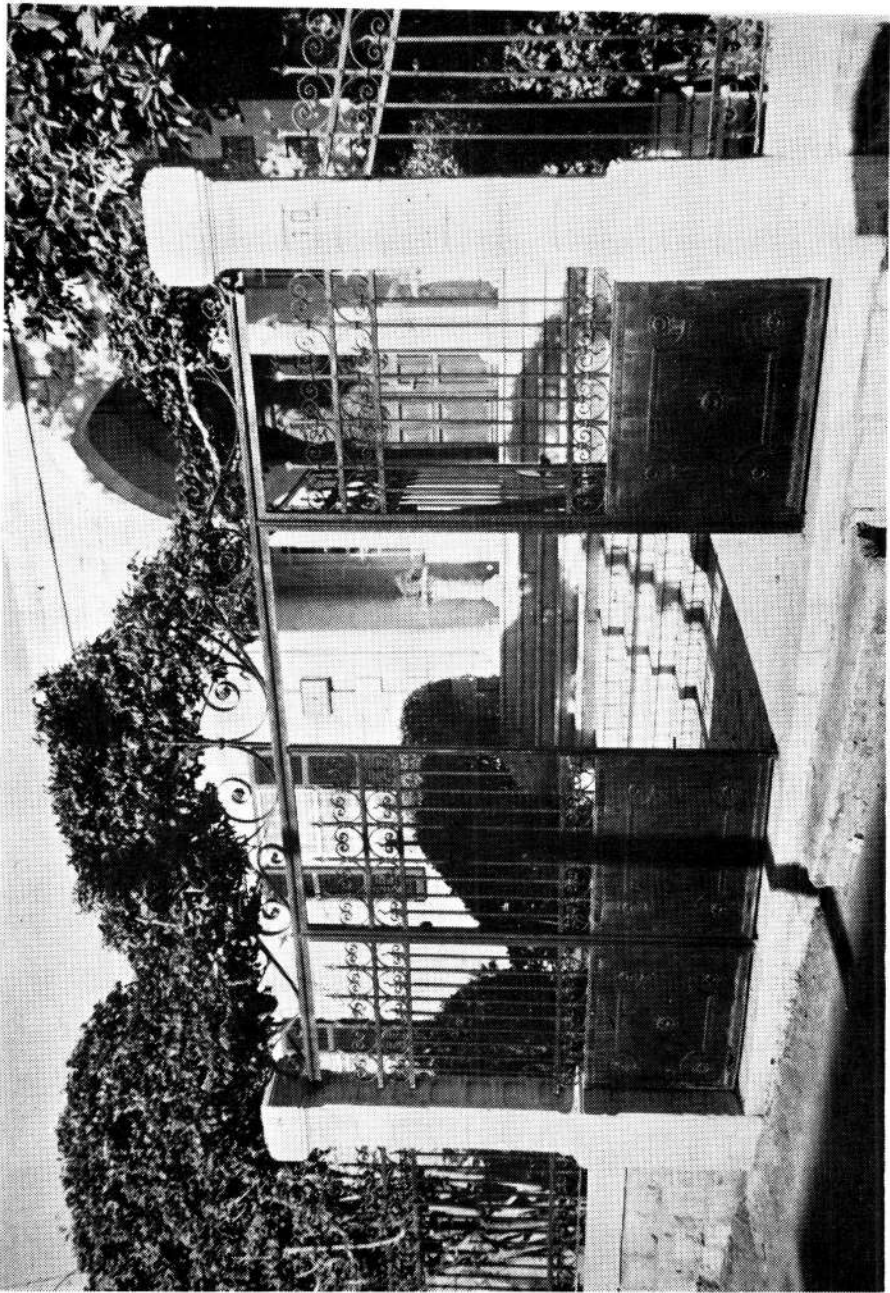


ششم

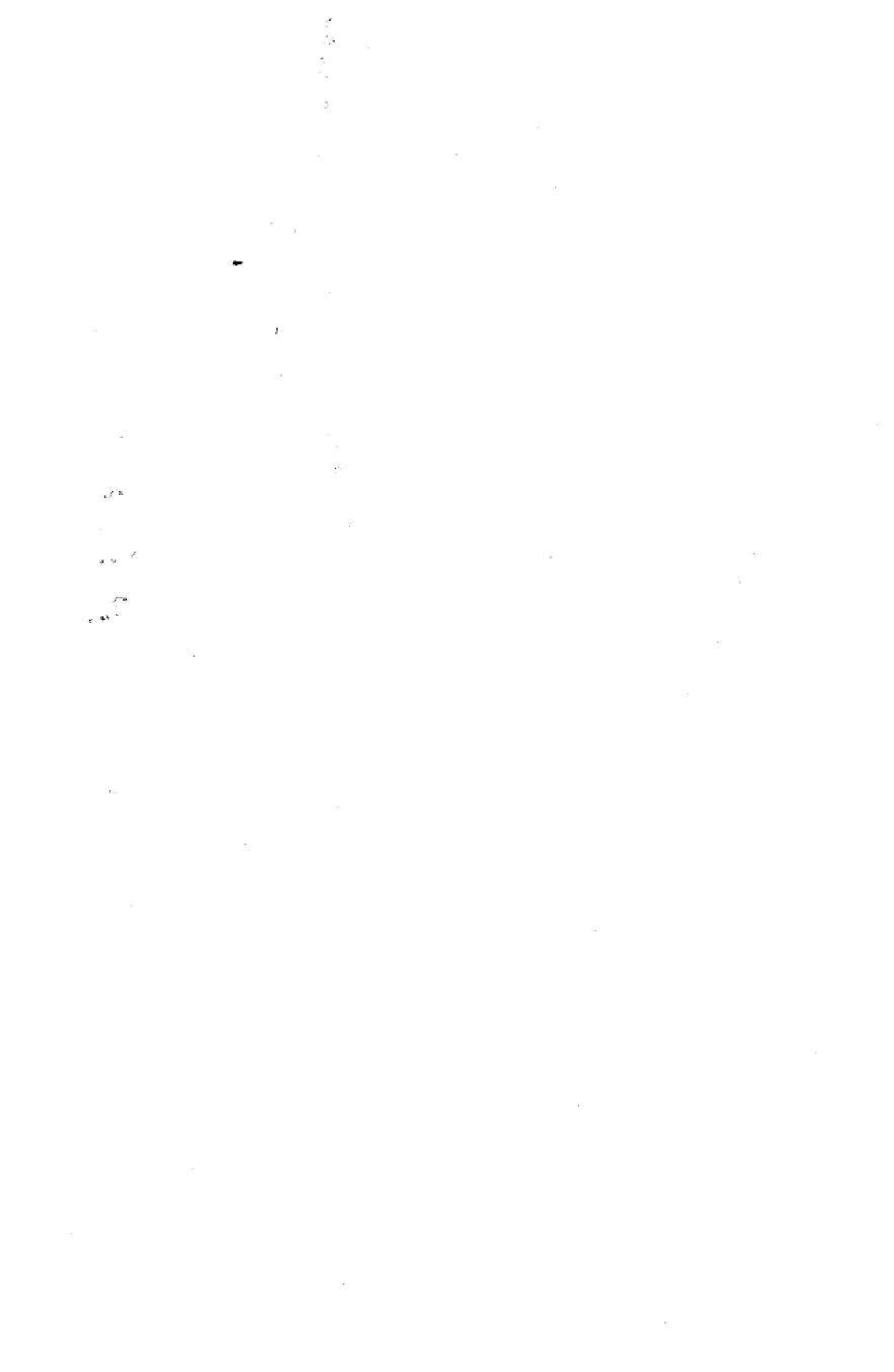
مصرفه

ب. مسافرخانه قدیم غریبا

Handwritten text, possibly a signature or date, oriented vertically on the left side of the page.



مسا فرخانه قدیم غریبها که اکنون مقریت العدل اعظم می باشد



۱ - از کتاب قرن بدیع قسمت سوم صفحه ۳۰۳ سطر

۹ تا سطر ۱۱ :

" . . . همچنین زمینی برای تأسیس مسافرخانه غربی در جوار
بیت مبارک تحصیل و ساختمان آن بلا فاصله پس از صعود
مبارک بوسیله دوستان و احبای امریک انجام پذیرفت . . . "

ششم
متفرقه

ج - چای خانہ بھی

۱ - از کتاب پیامهای مبارك به عالم بهائی صفحه

۱۰۸ :

” . . . بیت مخروبه ای که در مجاورت روضه مبارکه واقع
و اخیراً از اداره عمران کشور اسرائیل خریداری شده نظر
به جنبه های تاریخی آن تعمیر و به صورت اولیه درآمده
است . ”



ہنعم

متفرقہ

د۔ ابلذر



۱ - از کتاب لوح قرن بدیع قسمت دوم صفحه ۲۴۹ و

۲۵۰ (گاد پاسزبای صفحه ۱۹۲) :

"... متصرف جدید عکا در اثر معاشرت و مصاحبت با هیگل مبارک حضرت عبدالبهاء و همچنین مطالعه بعضی از آثار امریه که دشمنان به منظور تحریک احساسات و برانگیختن مخالفت وی علیه بهائیان برای او ارسال میداشتند چنان خلوص و ارادتش در قلب حاصل نمود که از آن بیعد هیچگاه حضور مبارک مشرف نمیشد مگر آنکه قبلا کفش خود را به علامت احترام از پا خارج میکرد... یکروز پس از مدتها آرزوی تشریف به محضر جمال اقدس ابهی به منظور خود نائل و به درك لقا فائز گردید و از ساحت انور استدعا نمود خدمتی به او ارجاع گردد هیگل اطهر فرمودند چنانچه مایل باشد آبگذری را که مدت سی سال است مطمور و متروک مانده اصلاح و تعمیر نماید متصرف امریه مبارک را با نهایت افتخار قبول و در اجرای آن بلا درنگ اقدام نمود..."